

آداب معاشرت از دیدگاه معصومان

عليهم السلام

نویسنده: شیخ حرّ عاملی رحمة الله

عليه

سر آغاز

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که برای راهنمایی بشر پیامبران را فرستاد تا بشر را از گمراهی و نادانی رهایی بخشند و به سوی کمال و سعادت ابدی رهنمون شوند.

درود بی‌پایان بر همه پیامبران خاصه بر سرور کاینات، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی او باد.

انسان همواره در زندگی جویای خوشبختی بوده و در راه رسیدن به کمال تلاش کرده است و پیوسته در پی راهنما و رهبری بوده است که در دریای متلاطم زندگی از گرداب بلا و هلاکت رهایی‌اش بخشد و به ساحل سعادتش برساند. پیامبران علیهم السلام، مبلغان ادیان توحیدی‌اند که قوانین الهی از طریق وحی بر آنان نازل شده است و پیامبر گرامی اسلام آخرین رسول و کتاب مقدس قرآن، آخرین کتاب آسمانی برای راهنمایی بشر است.

ائمه اطهار علیهم السلام حاملان رسالت و قافله سالاران انسان‌هایند که آنان را در همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی هدایت کرده‌اند.

علمای بزرگ اسلامی نیز در گردآوری و اشاعه احادیث نبوی و ائمه اطهار علیهم السلام در طی قرون متمادی رنجهای فراوان برده‌اند.

از جمله کتابهای مربوط به احادیث اسلامی، کتاب وسائل الشیعه تألیف مرحوم علامه شیخ حرّ عاملی دانشمند بزرگ و جلیل‌القدر قرن یازدهم هجری است که با جمع‌آوری احادیث نبوی و ائمه طاهریین علیهم السلام چراغی فروزان فرا راه انسان‌های خداجوی و دانشمندان اسلامی قرار داده و قرن‌هاست که بزرگان علم و ادب از این مشعل فروزان بهره‌مند هستند.

ترجمه ابواب احكام العشرة از كتاب حج وسائل الشيعه كه حاوى احاديث فقهي و اجتماعي و اخلاقي است در گروه حديث بنياد پژوهشهاي اسلامي به كوشش آقايان محمد علي فارابي و يعسوب عباسي علي كمر انجام شده است. اميدواريم علاقه‌مندان را سودمند افتد و مورد قبول پروردگار قرار گيرد.

تذکر

برای رعایت امانت مآخذی که در پاورقی وسایل الشيعه ذکر شده عينا یادداشت شده، اگر چه جلد و صفحات کتابهای مزبور با مجلداتی که اخيرا چاپ شده و در دسترس عموم است تطبیق نمی‌کند، در صورت تمایل و اطلاع از طبع مآخذ می‌توانند به جلد بیستم وسائل صفحات ۳۶ تا ۴۹ مراجعه فرمایند.

اجمالي از شرح حال شيخ حرّ عاملي

محمد بن حسن معروف به شيخ حرّ از معاریف دانشمندان شیعی است که در شب جمعه ۸ رجب سال ۱۰۳۳ هجری قمری در قریه «مشغری»^(۱) از قرای جبل عامل (بخشی از لبنان) تولد یافت. این قریه و «جبّع» و «جزین» که در نزدیکی يك ديگر واقعند از بلاد قدیمی شیعه‌نشین به حساب می‌آیند.

شيخ حرّ عاملي از خاندان علمي بزرگي است که در این ولایت می‌زیسته و نسب وی به حرّ بن یزید ریاحی (صحابی معروف سید الشهداء (ع) می‌رسد. نامبرده پس از دوران کودکی و آموزش خط و تعلیم قرآن شریف و مقدمات، نزد پدر و عمو و جدّ مادری خود و جمعی دیگر به کسب دانش پرداخت، آن گاه به قریه «جبّع» که در نزدیکی «مشغری» است رهسپار شد و نزد علمای این بلاد کسب علم

کرد و بر این منوال چهل سال در این بلاد اقامت و به استفاده و افاده اشتغال داشت، و طی این مدت دو بار به حج مشرف شد، و سپس به قصد زیارت عتبات عالیات و مرقد منور حضرت رضا (ع) بار سفر بست و در جوار حضرتش رحل اقامت افکند.

سبب این مهاجرت ذکر نشده ولی آنچه مسلم است دوران عمر شیخ مصادف با فروزنده‌ترین اوقات حکومت سلسله صفوی در ایران است که علاوه بر رسمیت دادن به تشیع در این کشور، خود به حمایت و پرورش علمای مذهبی همت می‌ورزیدند. از طرفی شیعیان در نواحی سوریه و لبنان در زیر فشار متعصبان روزگار می‌گذرانند، بویژه از آن رو که به سبب رقابت بین سلسله صفوی و سلاطین عثمانی دامنه این اختلافات مذهبی بالا گرفته بود. لذا بعید نیست که همین اختناق موجود در آن بلاد و آزاد گذاشتن و تشویق علما و قدردانی از علم در ایران باعث شده شیخ که در عنفوان جوانی برای تبلیغ و ترویج مذهب شوری در سر داشته است برای همیشه اقامت در مشهد را بر وطن مألوف ترجیح داده باشد.

شیخ در این استان رحل اقامت افکند و به افاده و نشر احادیث همت گماشت و شاگردانی تربیت کرد. وی در زمان اقامت در مشهد دو سفر دیگر به حج رفت.

تالیفات شیخ

شیخ بالغ بر بیست رساله و کتاب نوشته که از آن جمله وسائل الشیعه می‌باشد که از حدود هفتاد کتاب جمع آوری شده و اخیراً در بیست جلد در ایران و بیروت به چاپ رسیده است و شیخ با تألیف وسائل که بالغ بر بیست سال به طول انجامید کار استنباط احکام را بسی آسان ساخت و از این جهت حق بزرگی بر مکتب فقهی شیعه دارد.

شیخ در فقه و رجال و ریاضیات عالمی متبحر بوده در این زمینه کتابهایی تألیف کرده، و نیز از شعر بهره وافعی داشته است. مجموع اشعار وی بالغ بر بیست هزار بوده، نامبرده از قریحه ادبی خود در علوم استفاده کرده و منظومه‌هایی در فنون مختلف سروده که از آن جمله منظومه‌ای در زکات، منظومه‌ای در هندسه، و منظومه‌ای در تاریخ پیغمبر و ائمه است.

وفات شیخ در سال ۱۱۰۴ هجری روی داد و آرامگاهش در جوار مرقد منور علی بن موسی الرضا (ع) در یکی از حجرات تحتانی مدرسه میرزا جعفر می‌باشد.

آداب معاشرت در سفر و حضر، و آن مشتمل بر چند باب است

۱- باب اول در لزوم معاشرت با مردم از طریق ادای امانت، اقامه شهادت و راستگویی، همچنین در استحباب عیادت مریض و شرکت در تشییع جنازه، و خوشرفتاری نسبت به همسایگان و خواندن نماز در مسجد

۱- معاویة بن وهب گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: با بستگان و سایر مردمی که با آنان معاشرت داریم چگونه رفتار کنیم؟

امام فرمود : امانت را به آنان برگردانید، و (به حق) شهادت دهید، چه به نفع آنان باشد یا به ضررشان و از بیماران آنها عیادت کنید، و در تشییع جنازه مردگانشان شرکت نمایید.

۲- ابی اسامه زید شخام گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : به آنان که از من اطاعت و به سخنانم عمل می‌کنند سلام برسان، و به آنها بگو : شما را به تقوای خدای عز و جل، و پرهیزگاری در دین، و کوشش در راه خدا، و راستی در گفتار، و برگرداندن امانت به صاحبانش، و سجده طولانی، و خوشرفتاری نسبت به همسایگان سفارش می‌کنم، زیرا حضرت محمد (ص) به همین منظور مبعوث شده است. و به کسانی که به شما اعتماد می‌کنند چه نیکوکار باشند یا بدکار، امانت را برگردانید زیرا رسول خدا (ص) حتی به ادای سوزن و نخ سوزن [که ظاهراً کم ارزش می‌باشد] فرمان داده است، صله رحم به جا آورید و در تشییع جنازه شرکت کنید و به عیادت بیمار بروید و ادای حقوق نمایید زیرا به کسی از شما می‌توان جعفری مذهب گفت که در دینش متقی، و درست گفتار و امانت‌دار و با مردم خوشخو باشد، و چنین شخصی با این گونه کارهایش مرا مسرور می‌سازد، و این است روش و آیین جعفری.

اگر شیعه ما دارای این صفات نباشد برایم مایه اندوه و ننگ است، و مردم می‌گویند : این است آیین جعفر صادق (ع)، به خدا سوگند پدرم [امام باقر (ع)] به من فرمود : کسی از پیروان حضرت علی (ع) زینت قبیله‌ای است که از همه کس بیشتر اداکننده امانت، و برآورنده حقوق، و در گفتار و امانت از همه صادقتر باشد به گونه‌ای که اگر از هر کس در باره او سؤال شود بگویند مانند فلانی باید بود، زیرا

از ما امانتدارتر و درست‌گفتارتر است.
۳- معاویة بن وهب گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم با بستگان و کسانی که با آنها معاشرت داریم ولی بر مذهب ما نیستند چگونه رفتار کنیم؟

امام فرمود : به پیشوایان‌تان که از آنها پیروی می‌کنید بنگرید و بدان گونه که آنها رفتار می‌کنند عمل نمایید، سوگند به خدا پیشوایان شما از بیماران آنها عیادت می‌کردند و در تشییع جنازه آنها حاضر می‌شدند و اقامه شهادت می‌کردند به نفع یا به ضرر آنها، و امانت را به آنان برمی‌گرداندند.

۴- حبیب خثعمی گوید : امام صادق علیه السلام به من فرمود : بر شما باد به اجتناب از معاصی، و تلاش و کوشش، و حضور در تشییع جنازه‌ها و عیادت بیماران، و حضور در مساجد با سایر مردم، و دوستی بدارید برای مردم آنچه را برای خودتان دوست می‌دارید، آیا شرمسار نیست کسی از شما که همسایه‌اش حق او را بشناسد ولی او حق همسایه‌اش را رعایت نکند؟

۵- مرازم گوید : امام جعفر صادق (ع) فرمود : بر شما باد به نماز خواندن در مساجد و خوشرفتاری با مردم، و به پا داشتن شهادت (برای اثبات حق)، و شرکت در تشییع جنازه، زیرا شما ناگزیر به مردم نیازمندید، و هیچ کس در زندگی‌اش از مردم بی‌نیاز نیست.

۶- عبد الله بن سنان گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، مردم را بر خود چیره نگردانید که خوار می‌شوید همانا خدای عزّ و جلّ در قرآن کریم می‌فرماید : «با همه مردم بخوبی گفتگو و معاشرت کنید». سپس فرمود : از بیماران آنان عیادت کنید، در تشییع جنازه‌شان حاضر شوید، و شهادت

بدهید اگر چه به نفع یا به ضررشان باشد. و با آنها در مساجدشان نماز بگذارید تا آنچه میان شما و آنان متفاوت است مشخص شود. ۷- خیثمه گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : سلام مرا به دوستان ما برسان، و آنها را به ترس از خدا و عمل صالح سفارش کن، افراد تندرست از بیماران عیادت کنند، و ثروتمندان فقیران را مورد توجه قرار دهند، و در تشییع جنازه مردگان حاضر شوند، و به خانه های يك دیگر بروند، و در امور دین با يك دیگر مذاکره کنند، زیرا رعایت این امور باعث جاودانگی دستورات ماست، خداوند رحمت کند بنده ای را که دستورات ما را زنده نگه دارد. ای خیثمه آنان را آگاه کن که تنها چیزی که آنها را از غیر خدا بی نیاز می کند کار شایسته و پسندیده است، زیرا به ولایت و دوستی ما نایل نمی شوند مگر با ورع و پرهیزگاری، و معذبترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالت و حق را بستاید و سپس خلاف آنچه می گوید عمل کند.

۸- کثیر بن علقمه گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم مرا نصیحت فرمایید. فرمود : تو را به تقوای الهی، و پارسایی، و عبادت، و طول سجده، و برگرداندن امانت، و راستی در گفتار، و خوشرفتاری نسبت به همسایگان سفارش می کنم، زیرا حضرت محمد (ص) برای همین منظور مبعوث شده است، با خویشاوندان پیوند، و از بیماران عیادت کنید، در تشییع جنازه مردگانتان حاضر شوید، و زینت و افتخار ما باشید نه مایه ننگ ما، با اعمالتان ما را در نزد مردم عزیز و محبوب گردانید و آنها را دشمن ما نسازید، همه دوستیها را به سوی ما جلب و هر گونه بدگویی را از ما دفع کنید.

۹- امام صادق (ع) می‌فرماید که حضرت علیّ علیه السلام می‌فرمود: باید در قلب تو نیاز به مردم و بی‌نیازی از آنان جمع شود نیاز تو به آنها در نرمی گفتار و خوشرفتاری، و بی‌نیازی تو از آنها در پاکدامنی، و پایداری عزّت توست.

۱۰- ابو اسامه گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: بر شما باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی، و تلاش و کوشش، و راستگویی، و رساندن امانت به صاحبانش، و خوشخویی، و خوشرفتاری با همسایگان. زینت و آبروی ما باشید نه باعث بی‌آبرویی ما.

۲- باب استحباب خوشرفتاری با مردم و همسایگان ۱- امام باقر (ع) فرمود: اگر می‌توانی بر کسانی که با آنها معاشرت می‌کنی تفوق داشته باشی، این کار را بکن. ۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود: خود را برای خوشرفتاری با همنشین خویش آماده کن، و خلق و خوییت را نیکو گردان، و زبانت را نگه‌دار، و خشم را فرو بر، و سخنان بیهوده را رها کن، و عفو را پیشه ساز، و بخشنده باش.

۳- ابو ربیع شامی گوید: به حضور امام صادق (ع) رسیدم در حالی که خانه پر از جمعیت بود، فرمود: ای شیعیان آل محمد، آگاه باشید از ما نیست کسی که هنگام خشم بر خود مسلط نباشد، و کسی که با یارانش بخوبی رفتار نکند و به آنان که با او خوش اخلاقی کرده‌اند خوش خلقی نشان ندهد، و با همنشینانش بخوبی معاشرت نکند، و نسبت به همسایگان خوشرفتار نباشد و رعایت نمک خوارگی را ننماید.

۴- امام باقر (ع) فرمود: زائر خانه خدا اجر و پاداشی ندارد اگر این سه خصلت در او نباشد: ۱- تقوایی که او را از

نافرمانی خدا بازدارد. ۲- حلمی که به وسیله آن جلو غضبش را بگیرد. ۳- با همنشینان بخوبی رفتار نکند. ۵- امام صادق (ع) فرمود: پدرم می‌فرمود: زیارت‌کننده خانه خدا پاداش ندارد وقتی که سه خصلت در او نباشد: ۱- خلقی که با دوستش بتواند بخوبی رفتار کند، ۲- حلم و بردباری که با آن جلو خشم خود را بگیرد، ۳- تقوایی که او را از ارتکاب محرمات الهی بازدارد.

۶- امام صادق (ع) فرمود: از مروّت نیست که انسان آنچه را که در سفر از خوبی و بدی همسفر می‌بیند بازگو کند.

۷- عمار بن مروان گوید: امام جعفر صادق (ع) مرا نصیحت کرد و فرمود: تو را به پارسایی و برگرداندن امانت به صاحبانش، و راستگویی، و خوشرفتاری با همنشین سفارش می‌کنم، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر از آن خدا.

۸- مفضل بن عمر گوید: به خدمت امام جعفر صادق (ع) رسیدم، به من فرمود: چه کسی با تو همنشین است؟ عرض کردم مردی از برادران ایمانی من.

فرمود: چه کار می‌کند؟ گفتم از موقعی که با او آشنا شده‌ام جایش را نمی‌دانم. به من فرمود: آیا نمی‌دانی کسی که چهل قدم با مؤمنی همگام باشد خدا از حق او در روز قیامت سؤال می‌کند؟

۹- امام صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سه خصلت در او نباشد عملش کامل نیست: ۱- تقوایی که او را از معصیت خدا باز دارد. ۲- خلق و خویی که با مردم مدارا نماید. ۳- بردباری که جهالت نادان را با آن برطرف سازد.

۱۰- سید رضی در (نهج البلاغه) از حضرت امیر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

چنان با مردم معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر از آنها دور شدید مشتاق دیدار شما باشند.

۳- باب چگونگی معاشرت با دوستان مختلف
۱- امام جواد (ع) فرموده است: مردی در بصره در حضور حضرت علی (ع) بلند شد و عرض کرد: در باره [اقسام] دوستان ما را خبر ده؟
حضرت فرمود: دوستان دو دسته‌اند: دوستان مورد اعتماد و دوستان خنده‌رو. دوستان مورد اعتماد به منزله کف دست و بازو و افراد خانواده، و دارایی انسان هستند، وقتی که برادرت مورد اعتماد توست از کمک مالی و جانی به او مضایقه نکن، و با دوستان او در دوستی خالص باش، و دشمنان او را دشمن بدار، و راز او را پنهان کن، و او را یاری ده، و خوبیهای او را آشکار ساز. و بدان که اینها از کبریت احمر کمیاب ترند.
اما دوستان خنده‌رو، تو از معاشرت با آنان لذت می‌بری و با قطع رابطه از ایشان خود را از این لذت محروم مکن و بیشتر از آنان انتظار نداشته باش و مانند آنها با خوشرویی و خوشزبانی رفتار کن.

۴- باب استحباب الف- فاصله هر دو نفر (در مجالس) بویژه به اندازه يك ذراع در تابستان. ب- کمک به نیازمندان وضعیفان.
۱- امام صادق (ع) در توضیح آیه شریفه «**ما تورا از نیکوکاران می‌بینیم**» فرمود: (حضرت یوسف) برای دیگران جا را در مجلس وسعت می‌داد و به نیازمند قرض می‌داد و به ضعیف کمک می‌کرد.

۲- از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا فرمود: برای کسانی که در

يك مجلس گرد می‌آیند شایسته است که در تابستان بین هر دو نفر به اندازه يك ذراع (تقریباً نیم متر) فاصله باشد تا مزاحم يك دیگر نباشند.

۵- باب استحباب گرامیداشت دوستان و نصیحت کردن آنان ۱- ابو الحسن امام موسی کاظم (ع) فرمود: وقتی که شخص حاضر است با کنیه و اگر غایب است با نام او را یاد کن.

۲- علاء بن فضیل از امام صادق (ع) نقل کرده است که امام باقر (ع) فرمود: دوستانتان را بزرگ دارید و احترام کنید و به يك دیگر پرخاش نکنید، و به هم ضرر نرسانید و حسد نورزید و از بخل بپرهیزید و بندگان خالص خدا باشید.

۶- باب کراهت اخم کردن بر مردم ۱- امام باقر یا امام صادق (ع) فرمودند: اخم کردن بر مردم باعث دشمنی است.

۷- باب دوست یابی و خو گرفتن با دوستان و پذیرفتن اعتراض آنان ۱- محمد بن یزید گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود: هر کس در راه خدا يك دوست به دست آورد، خانه‌ای در بهشت به دست آورده است.

۲- شیخ صدوق در کتاب مجالس نقل کرده است که لقمان به پسرش گفت: پسر عزیزم هزار دوست انتخاب کن و هزار دوست هم کم است و يك دشمن نگیر زیرا يك دشمن هم زیاد است.

۳- حضرت علی (ع) فرمود: بر تو باد به انتخاب دوستان خالص، زیرا هر گاه از آنها کمک بخواهی تکیه‌گاه و پشتیبان تو هستند.

هزار دوست و همدم زیاد نیست ولی يك دشمن زیاد است. در كتاب «الاخوان» اين حديث از امام صادق (ع) نقل شده است.

۴- و آن حضرت از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: کسی که از پیش توشه‌ای نفرستد وارد بهشت نمی‌شود، گفته شد: ای رسول خدا هر کس بایستد از پیش توشه‌ای بفرستد؟ فرمود: آری، برادر دینی یکی از توشه‌های اوست ه- (ه) امام جعفر صادق (ع) فرمود: دوستانتان را در دنیا زیاد کنید زیرا در دنیا و آخرت سودمند هستند. در دنیا رفع نیازها به آنان وابسته است. اما در آخرت اهل دوزخ می‌گویند: «ما شفاعت‌کننده و دوست نزدیکی نداریم» (۶) -۶- (۷) امام صادق (ع) فرمود: دوستانتان را زیاد کنید، زیرا برای هر مؤمنی دعای اجابت‌شده‌ای است.

و فرمود: دوست زیاد بگیرید زیرا برای هر مؤمنی حق شفاعت است.

و نیز فرمود: برادران مؤمن را زیاد کنید، زیرا برای آنان در نزد خدا در روز قیامت دستی است که به وسیله آن شفاعت می‌کنند.

۷- سید رضی در (نهج البلاغه) گوید: امیر المؤمنین (ع) فرمود: ناتوانترین مردم کسی است که از پیدا کردن دوست عاجز باشد، و ناتوانتر از او آن کسی است که دوستی پیدا کند و از دست بدهد.

۸- در کتاب مجالس شیخ طوسی، امام صادق (ع) از علی بن ابی طالب (ع) نقل کرده است که: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: مؤمن ارجمند و بلند نظر، و منافق فریبکار و فرومایه است، و بهترین افراد با ایمان کسانی هستند که با مؤمنین انس می‌گیرند، و آن که با دیگران انس نگیرد و دیگران با او مانوس نشوند

در او خیری نیست. و نیز حضرت علی (ع) فرمود : از رسول خدا شنیدم که فرمود : بدترین مردم کسی است که مؤمنان را دشمن بدارد و آنها هم او را در قلبشان دشمن بدانند. بدترین مردم افراد سخن چین و کسانی هستند که بین دوستان جدایی می‌اندازند، و از مردم عیبجویی می‌کنند، خدا در روز قیامت به آنان به نظر رحمت نمی‌نگرد و مقام آنان را بالا نمی‌برد. سپس حضرت علی (ع) این آیه را تلاوت فرمود :

«اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را پیروز گردانید، و دل‌های مؤمنان را به يك ديگر مهربان ساخت.»

۹- ایوب بن نوح گوید : امام علی النقی (ع) به بعضی از دوستان ما نوشت، فلانی را عتاب کن و به او بگو : وقتی که خدا برای بنده‌ای خیر و خوبی می‌خواهد اگر او را مورد عتاب قرار دهد وی عتاب را می‌پذیرد و متنبه می‌گردد.

۸- باب استحباب همنشینی با خردمند بخشنده

و دوری از نادان فرومایه ۱ - از امام صادق (ع) نقل شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : اشکالی ندارد که با خردمند معاشرت کنی اگر چه بخشنده نباشد، از عقلش بهره‌مند شو، و از اخلاق بدش خود را حفظ کن، و همدمی بخشنده را ترك مکن گرچه از عقلش سود نبری، ولی با خردمندی خود از کرمش بهره‌مند شو، و حتما از فرومایه نادان بگریز.

۹- باب استحباب مشورت با عاقل

۱- ابو هريره گوید : از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود : از خردمند راهنمایی بخواهید، و از او نافرمانی نکنید که پشیمان می‌شوید.

۱۰- باب استحباب دیدار و گفتگو با دوستان ۱- در کتاب الاخوان آمده است که امام صادق (ع) (به یکی از شیعیان) فرمود : آیا (شما دوستان و شیعیان) با يك دیگر همنشینی و گفتگو دارید؟ عرض کردم : بلی، فرمود : این مجلسها را دوست می‌دارم، پس فضایل و سخنان ما را (در مورد احکام دین یا مصایب ما) زنده نگه دارید. کسی که فضایل ما را هر چه بیشتر زنده نگه دارد خدای رحمتش کند. هر که ما را یاد کند یا نزد او ذکری از ما بشود و به اندازه پر مگسی اشک از چشمش خارج شود خدا گناهانش را می‌آمرزد گرچه از کف دریا بیشتر باشد.

۲- میسر گوید : امام محمد باقر (ع) به من فرمود : آیا با يك دیگر خلوت می‌کنید و به گفتگو می‌پردازید؟ عرض کردم : بلی، سوگند به خدا فرمود : به خدا قسم دوست دارم در بعضی از این جلسات با شما شرکت داشته باشم.

۳- امام باقر (ع) فرمود : خدا بیامرزد بنده ای را که یاد ما را زنده نگه دارد. شخص شنونده سؤال می‌کند زنده نگه داشتن یاد شما چگونه است؟ فرمود : به ملاقات يك دیگر رفتن (مؤمنین) و با هم به گفتگو پرداختن در نزد آنان که ثابت قدم هستند.

۴- امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت علی (ع) می‌فرمود : دیدار دوستان غنیمتی ارزنده است.

۵- فضیل بن یسار گوید : امام باقر (ع) فرمود : آیا با يك دیگر مجالست دارید؟ عرض کردم : بلی، فرمود : چه نیکوست این مجالس.

۶- خیثمه گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : به دوستان ما سلام برسان، و آنها را به تقوای الهی سفارش کن، ثروتمندشان از فقیر، و نیرومندشان از ضعیف دیدار کند، و زنده آنها در تشییع جنازه مردگان حاضر و به خانه‌های يك دیگر رفت و آمد نمایند، زیرا ملاقات کردنشان باعث زنده ماندن فضایل ما، و امور دین است. سپس فرمود : خدا رحمت کند بنده‌ای را که فضایل ما و احکام مربوط به دین را زنده نگه دارد.

۷- امام صادق (ع) از پدران نقل می‌کند که : پیامبر (ص) فرمود : سه چیز آسایش مؤمن است : بیدار بودن آخر شب، دیدار دوستان و افطار کردن روزه.

۸- شعیب عرقوفی گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که به دوستانش می‌فرمود : تقوای الهی پیشه کنید، و برای رضای خدا برادرانی نیکوکار و دوستدار يك دیگر، و بهم پیوسته و مهربان باشید، يك دیگر را زیارت و ملاقات کنید، و فضایل ما را ذکر کنید و آن را زنده نگه دارید.

۹- امام باقر (ع) فرمود : گرد هم آید، و با يك دیگر (در امر دین) گفتگو کنید که (در این حال) ملائکه دور شما جمع می‌شوند، خدای بیامرزد کسی را که فضایل ما (و مسائل مربوط به دین را) زنده نگه دارد.

۱۱- باب استحباب معاشرت با مردم خوب و دوستان قدیمی و اجتناب از معاشرت با بدان

۱- در اصول کافی از حضرت علی (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود :
در باره کسانی که با آنها به گفتگو می‌پردازید (و مجالست می‌کنید) دقت کنید، زیرا هر کس مرگش فرا رسد دوستانش در نزد او حاضر می‌شوند، اگر آنها نیک باشند او نیک است، و اگر بد باشند [معلوم می‌شود] او نیز بد است. هیچ کس نمی‌میرد مگر این که در هنگام مردن دوستانش در برابر او مجسم می‌شوند.

۲- ابو الحسن امام موسی کاظم (ع) فرموده است : حضرت عیسی (ع) گفته است : یار بد به دوستش ستم می‌کند، و همنشین سوء او را به هلاکت می‌اندازد، پس نگاه کن با چه کسی همنشینی.

۳- امام صادق (ع) به یکی از دوستانش فرمود : بر تو باد به انتخاب دوست قدیمی، و بپرهیز از هر دوست جدیدی که وفادار، امانتدار، متعهد و پای‌بند به پیمان نباشد، و حتی با مطمئن‌ترین دوستان با احتیاط رفتار کن.

۴- ابن عباس گوید : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترین همنشین کیست؟ فرمود : کسی که دیدار او شما را به یاد خدا، و گفتار او عمل شما را زیاد، و عمل او شما را به یاد آخرت بیندازد.

۵- امام صادق (ع) فرمود : به کسی که منفعت دینی تو را در نظر نمی‌گیرد نزدیک مشو، و علاقه‌ای به همنشینی با او نشان مده، زیرا هر چیزی بجز خداوند از بین رفتنی و پایانش بس خطرناک است.

۱۲- باب استحباب پذیرفتن نصیحت و معاشرت با کسی که انسان عیب او را می‌داند به منظور نصیحت کردن او ۱- ابو العدیس گوید امام باقر (ع) فرمود : ای صالح از آن که دلش برای تو بسوزد و تو را نصیحت کند پیروی کن، و از کسی که تو را بخنداند ولی با تو حيله و نیرنگ نماید پیروی مکن. بزودی همه به سوی خدای خویش باز می‌گردید. آن وقت آگاه می‌شوید [که چه کسی خیرخواه و چه کسی بدخواه شما بوده است.]

۲- امام صادق (ع) فرمود : گرامی‌ترین دوستانم کسی است که عیبهای مرا به من تذکر دهد.

۳- در کتاب (محاسن) برقی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است : از جمله خصلتهایی که مؤمن به آن نیازمند می‌باشد سه چیز است : ۱- توفیق از جانب خدای عزّ و جل ۲- خود و اعظ خویش بودن ۳- پذیرفتن نصیحت.

۱۳- باب استحباب دوستی با کسی که رعایت دوستی را می‌کند

و او را در موقع گرفتاری تنها نمی‌گذارد ۱- امام صادق (ع) فرمود : دوستی دارای شرایطی است، کسی که تمام یا بعضی از این شرایط را رعایت کند می‌توان او را دوست دانست، و کسی که این شرایط در او نباشد نمی‌توان او را دوست به حساب آورد. آن شرایط عبارتند از :

۱- باطن و ظاهرش یکی باشد. ۲- عزت تو را عزت خود و عیب تو را عیب بداند. ۳- اگر به مقام یا مالی رسید تغییری در او ایجاد نشود. ۴- قدرت و توانایی او تو را از رسیدن به چیزی باز ندارد. ۵- کسی

دارای این خصلتهاست که در موقع گرفتاری تو را رها نکند.

۲- سید رضی در (نهج البلاغه) از حضرت علی (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود : دوست حقیقی آن است که برادرش را در سه موضع حفظ کند : در گرفتاری، در غیاب، و در مرگش.

۱۴- باب استحباب کمک و یاری دادن دوستان به يك ديگر

۱- و صافی گوید : امام محمد باقر (ع) به من فرمود : آیا می‌شناسی کسی را که لباسی نداشته باشد و برادرش لباس خود را به او ببخشد یا لباسی که اضافه دارد موقتاً به او بدهد تا وقتی که لباسی برای خویش تهیه کند؟ عرض کردم خیر، امام به عنوان تأسف دست بر زانویش زد و فرمود : چنین کسانی برادر نیستند.

۲- اسحاق بن عمار گوید : نزد امام صادق (ع) بودم، سخن از کمک برادران و وظایف آنها نسبت به يك ديگر به میان آمد. امام مطلبی فرمود که من تعجب کردم. امام فرمود : زمانی که قائم ما ظهور کند بر مؤمنین واجب است که نیاز برادرانشان را برطرف کنند و در شادی آنها بکوشند.

۳- خلاد سندی (در حدیث مرفوعه ای) گوید : مردی دیر به خدمت پیامبر (ص) رسید، پیامبر به او فرمود : چه باعث شده است که تو را کم ملاقات می‌کنم؟

پاسخ داد : ای رسول خدا برهنگی مانع آمدنم بود، پیامبر فرمود : آیا همسایه ات دو جامه نداشت که یکی را به تو عاریه دهد؟ پاسخ داد چرا [داشت]. حضرت فرمود : او برادر تو نیست.

۴- امام صادق (ع) فرمود : از آنچه به دست می‌آوری به برادرانت بده، زیرا

خداوند می‌فرماید : «نیکيها بدیها را از بین می‌برند» .

۵- ابن‌اعین گوید : از امام صادق (ع) در باره حقّ مسلمان نسبت به برادر مسلمانش سؤال کردم، امام پاسخ نداد، چون خواستم با حضرت خداحافظی کنم عرض کردم : به من پاسخ ندادید، فرمود : اگر پاسخ بدهم (و شما بدان عمل نکنید) می‌ترسم کافر شوید، مسلماً از مهمترین چیزهایی که خدا بر بندگان واجب کرده سه چیز است : ۱- رعایت عدالت در باره دیگران و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای برادر مؤمنش نیز روا ندارد. ۲- کمک مالی به برادران مؤمن برای خدا. ۳- به یاد خدا بودن در هر حال و یاد خدا تنها به گفتن «سبحان الله و الحمد لله» نیست، بلکه عبارت است از ترك آنچه خدا حرام کرده است.

۱۵- باب کراهت دوستی با بدکار و نادان و دروغگو

۱- امام صادق (ع) فرمود : امیر المؤمنین (ع) وقتی به منبر می‌رفت می‌فرمود :

شایسته است مسلمان از دوستی با سه گروه اجتناب کند : از بی‌حیای تبه‌کار، نادان، و دروغگو. اما بی‌حیای تبه‌کار کارش را برای خوب جلوه می‌دهد و دوست دارد تو مانند او باشی، و در امر دین و آخرت به تو کمک نمی‌کند، و نزدیک شدن به او ستم و باعث سختدلی، و رفت و آمد با او برای تو مایه بی‌آبرویی است.

اما نادان، امید خیری از او برایت نیست و ضرری از تو دفع نمی‌کند اگر چه خودش را به زحمت افکند، و چه بسا که بخواهد به تو سود برساند ولی زیان می‌رساند، پس مرگ او بهتر از زندگی، و

سکوت او بهتر از سخن گفتنش، و دوری او بهتر از نزدیک بودن اوست.

اما دروغگو، زندگی تو با او گوارا نیست، زیرا خبری را از تو برای دیگران و از دیگران برای تو نقل می‌کند، و هر گاه خبری به پایان رسید خبر دیگری پیش می‌کشد که وانمود کند راست می‌گوید در صورتی که راست نمی‌گوید، و با ایجاد عداوت بین مردم تفرقه می‌اندازد و بذر کینه در دلها می‌کارد، پس از خدا بترسید و در باره خود بیندیشید.

۲- کلینی (در کافی) از امام صادق (ع) نقل کرده است که :

امیر المؤمنین (ع) فرمود : شایسته نیست که مسلمان با بد کار دوست شود زیرا او کارش را نیکو جلوه می‌دهد و دوست دارد دیگران مانند او باشند، دوستش را در امر دنیا و آخرت کمک نمی‌کند و رفت و آمد با او باعث بی‌آبرویی و خواری است.

۳- امام صادق (ع) فرموده : برای مسلمان شایسته نیست که با بد کار، و نادان و دروغگو دوست شود.

۴- زرارة گوید : امام صادق (ع) فرمود : از دوستی با نادان بپرهیز، زیرا هر چه از جانب او شاد باشی او به بدی رساندن به تو نزدیکتر است. (هر چه به دوستی او خوشحالت‌تر باشی، خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو نزدیکتر می‌باشد).

۵- امام صادق (ع) فرمود : حضرت علی (ع) بالای منبر می‌فرمود : برای مسلمان شایسته است که از دوستی با دروغگو دوری جوید، زیرا خبری از تو برای دیگران، و از دیگران برای تو نقل می‌کند زندگی را بر تو تلخ و ناگوار می‌سازد، هر گاه خبری کسب کند آن را به خبر دیگری پیوند می‌دهد تا ثابت کند راست می‌گوید در صورتی که راست نمی‌گوید، پس خبرها را از گروهی

برای گروهی دیگر نقل می‌کند تا بین آنها دشمنی ایجاد کند و بذر کینه در دلها بکارد.

۱۶- باب کراهت شرکت دادن افراد فرومایه و گنهکار در امور

۱۶- باب کراهت شرکت دادن افراد فرومایه و گنهکار در امور ۱- عمّار بن موسی گوید : امام صادق (ع) فرمود : ای عمّار اگر دوست داری که نعمت برای تو دوام داشته، و مروّت تو کامل و بی‌عیب باشد و زندگی‌ات روبراه شود بردگان و افراد فرومایه را در کار خود دخالت نده، زیرا اگر آنها را امین دانستی به تو خیانت کنند و اگر خبری به تو دهند دروغ گویند، اگر مصیبتی برایت پیش آید تو را خوار کنند، و اگر وعده کنند خلف وعده نمایند.

عمّار گفت، از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : نیکان که يك دیگر را دوست بدارند برای آنان ثواب، و بدان که افراد نيك را دوست بدارند برای نیکان فضیلت، و دشمنی بدکاران با نیکان زینت و افتخار برای نیکوکاران، و دشمنی نیکوکاران با بدان ذلّت و خواری بدکاران است.

۲- در کتاب کافی نقل شده است که : لقمان به پسرش گفت : ای پسر، زیاد با مردم نزدیک مشو که موجب دوری از دل‌های آنان می‌شوی و یکسره از آنها دوری مکن که خوار و بی‌مقدار گردی. هر جنبنده‌ای هم‌نوع خود را دوست دارد، انسان نیز هم‌نوع خود را دوست می‌دارد، کارهای پسندیده‌ات را نزد مخالفین آن کارها بازگو مکن، زیرا همان طور که بین گرگ و گوسفند دوستی

برقرار نمی‌شود بین نیکو کار و بد کار دوستی به وجود نمی‌آید، کسی که به قیر نزدیک شود مقداری به او می‌چسبد، همچنین کسی که با تبه‌کار (در زندگی) شریک شود روشهای او را می‌آموزد، کسی که ستیزه و جدال کردن را دوست داشته باشد ملامت می‌شود و آن که در جاهای تهمت آمیز وارد شود متهم می‌گردد، و هر که همنشین بد انتخاب کند سالم نمی‌ماند، و هر کس جلو زبانش را نگیرد پشیمان می‌شود. ۳- عمّار سباطی گوید: امام جعفر صادق (ع) به من فرمود: ای عمّار اگر می‌خواهی نعمت برای تو دوام داشته باشد و دوستی مردم نسبت به تو کامل شود و زندگی‌ات راحت باشد با بردگان و افراد پست در کار خویش مشورت مکن، زیرا اگر به آنها اعتماد کردی به تو خیانت می‌کنند و اگر به تو خبری بدهند دروغ می‌گویند و اگر مصیبتی برای تو پیش آید تو را خوار سازند، و اگر وعده کنند به تو راست نگویند.

۴- امام صادق (ع) فرمود: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: به حق قیام کن، و برای آنچه از دست تو رفته است افسوس مخور، و از آنچه به تو مربوط نیست دوری کن، و از دشمن پرهیز، و با دوستان با احتیاط رفتار نما، مگر افراد امین، و امین کسی است که از خدا بترسد، با بد کار همنشینی مکن و او را بر اسرار خویش آگاه مگردان و امانت به او مسپار، و با آنان که از خدای خویش می‌ترسند در کارهای مشورت کن.

۱۷- باب تحریم همنشینی با دروغگو و گنهکار و بخیل و نادان و قاطع رحم

و ... ۱- امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که : پدرم علی بن الحسین (ع) به من فرمود : ای پسر عزیزم با پنج گروه دوستی و گفتگو و مسافرت مکن؛ امام باقر (ع) سؤال می‌کنند آن پنج گروه را معرفی فرمایید، امام سجّاد (ع) فرمود : ۱- از دوستی با دروغگو پرهیز زیرا دروغگو مانند سراب است که دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌نماید. ۲- از دوستی با فاسق اجتناب کن زیرا تو را به یک وعده غذا و به کمتر از آن می‌فروشد. ۳- از دوستی با بخیل پرهیز زیرا وقتی که خیلی به کمک او نیازمند باشی (کمک نمی‌کند) و تو را خوار می‌گرداند. ۴- از دوستی با کسی که از بستگان بریده و قطع رحم نموده است پرهیز، زیرا در سه جا از قرآن نفرین شده است.

الف : (شما منافقان) اگر (از فرمان خدا و طاعت قرآن) روی بگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید (نجات) دارید؟

ب : (آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را شکستند و نیز آنچه را خدا به پیوند آن امر کرده بریدند، و در روی زمین فساد و فتنه برانگیختند، برای آنهاست لعنت خدا، و منزلگاهشان دوزخ است)».

ج : و در سوره بقره فرموده است : «کسانی که عهد خدا را پس از پیمان بستن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوند آن امر کرده می‌برند، و در روی زمین فساد می‌کنند به حقیقت زیانکارند.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از دوستی با نادان پرهیز زیرا هر چه به او نزدیکتر شوی به بدی نزدیک شده‌ای [و از جانب او جز بدی به تو نمی‌رسد.]

۳- سیّد رضی (در نهج البلاغه) گوید : پیشوای مؤمنان علی (ع) فرمود : ای فرزندانم از دوستی با نادان پرهیز، زیرا

او می‌خواهد به تو سود برساند ولی زیان می‌رساند، از دوستی با بخیل اجتناب کن زیرا هنگام شدیدترین حاجت تو را رها می‌سازد، و از دوستی با بد کار بر حذر باش زیرا تو را به چیز کمی می‌فروشد، و از دوستی با دروغگو پرهیز زیرا او مانند سراب است، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نمایاند.

۴- امام محمد باقر (ع) فرمود : به چهار شخص نزدیک مشو و دوستی مکن :

نادان، بخیل، ترسو و دروغگو، اما نادان می‌خواهد به تو سود برساند ولی ضرر می‌زند، اما بخیل چیزی از تو می‌گیرد ولی چیزی به تو نمی‌دهد، اما ترسو از تو و از پدر و مادر خویش می‌گریزد، اما دروغگو راست می‌گوید ولی کسی سخن او را تصدیق نمی‌کند. ۵- امام جعفر صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که امام باقر (ع) فرمود :

خواستم به سفر بروم، پدرم علی بن الحسین (ع) به من سفارش کرد : ای پسرم از دوستی و معاشرت با احمق پرهیز و با او معاشرت نکن زیرا احمق در حضور و غیاب به دنبال عیبجویی است.

اگر سخن بگوید نادانی‌اش او را رسوا گرداند، و اگر سکوت کند ناتوانی در گفتار او را کوچک می‌کند و اگر کاری انجام دهد آن را تباه سازد، و اگر مسئولیتی به عهده گیرد آن را ضایع می‌کند، دانش او باعث بی‌نیازی او نیست و دانش دیگران هم به وی سود نمی‌رساند، نصیحت ناصحان را نمی‌پذیرد، دوستش از او آسایشی نمی‌یابد، مادرش دوست دارد در عزایش بنشیند، و همسرش می‌خواهد او را از دست بدهد، همسایه‌اش می‌خواهد از او دور باشد، و دوست وی تنهایی را بر مجالسش ترجیح می‌دهد، اگر در مجلسی از دیگران

کوچکتر باشد آنها از دست او در رنج و عذابند، و اگر بزرگتر از دیگران باشد آنان را به فساد می‌کشاند.

۱۸- باب کراهت همنشینی با فرومایگان و ثروتمندان و گفتگو با زنان

۱- امام جعفر صادق (ع) از اجدادش نقل می‌کند که : رسول خدا (ص) فرمود : همنشینی با سه گروه دل را می‌میراند : ۱- همنشینی با فرومایگان.
۲- گفتگو با زنان. ۳- همنشینی با ثروتمندان.

۲- امام محمد باقر (ع) به شخصی فرمود : با ثروتمندان معاشرت نکن زیرا انسان وقتی که با آنها معاشرت می‌کند از نعمتی که خدا به خودش داده است قدردانی نمی‌کند و به مرحله‌ای می‌رسد که تصور می‌کند خدا به وی نعمتی نداده است.

۱۹- باب کراهت وارد شدن به مکانهای تهمت آمیز ۱- امام جعفر صادق (ع) گوید : امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد کسانی که به او بد گمان می‌شوند نباید ملامت کند، و کسی که رازش را پنهان دارد اختیار در دست خودش می‌باشد [و رازش آشکار نمی‌شود].

۲- امام صادق (ع) فرمود : کسی که به جاهای تهمت آمیز برود و متهم گردد باید خودش را ملامت کند.

۳- امام باقر (ع) از پدر بزرگوارش نقل کرده است که حضرت امیر (ع) فرمود : شخصی که خودش را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او بد گمان می‌شوند ملامت کند.

۴- حضرت علی (ع) در وصیّت به فرزندش امام حسن (ع) فرمود : از مکانهای تهمت آمیز، و جاهایی که مردم به آن بدگمانند بپرهیز، زیرا همنشین بد انسان را گول میزند. ۵- امام موسی کاظم (ع) گوید : امام صادق (ع) فرمود : از جاهای مشکوک [و تهمت آمیز] بپرهیزید، و حتّی نباید کسی با مادرش راه برود زیرا همه مردم نمی‌دانند که وی مادر اوست.

۶- سیّد رضی (در نهج البلاغه) از امیر المؤمنان (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود : شخصی که خود را در معرض تهمت قرار دهد کسانی را که به او بد گمان می‌شوند نباید ملامت کند.

۷- و نیز آن حضرت فرمود : کسی که شمشیر تجاوز و ستم بروی مردم بکشد با آن شمشیر کشته می‌شود، و کسی که مکر و حيله ورزد هلاک شود، و هر که بی‌باکی پیشه سازد غرق گردد، و شخصی که وارد مکانهای تهمت آمیز شود متهم گردد.

۲۰- باب استحباب پرهیز و ترس از زیرکی مؤمن ۱- امام باقر (ع) در تفسیر آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» فرمود : منظور از «متوسّمین» ائمه هستند (چون) رسول خدا (ص) فرمود : از زیرکی مؤمن بپرهیزید زیرا او در گفتارش از نور الهی استفاده می‌کند.

۲- سلیمان جعفری گوید : عده‌ای در نزد امام موسی کاظم (ع) بودیم که فرمود : از زیرکی مؤمن بترسید زیرا او با نور الهی به امور می‌نگرد.

۳- سیّد رضی (در نهج البلاغه) گوید : علی (ع) فرمود : از گمانهایی که مؤمنان نسبت به شما می‌برند بر حذر باشید زیرا خدا حقّ را بر زبان آنها جاری می‌سازد.

۲۱- باب استحباب مشورت با اشخاص صاحب نظر ۱- امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل کرده که به پیامبر اکرم (ص) گفته شد : ای رسول خدا، هوشیاری و دوراندیشی در چیست؟ فرمود : مشورت کردن با صاحبان نظران و پیروی از آنها.

۲- امام صادق (ع) فرمود : رسول اکرم (ص) در وصیّت به حضرت علی (ع) فرمود : هیچ کمک و پشتیبانی محکمتر از مشورت، و هیچ خردی بهتر از تدبیر و چاره اندیشی نیست.

۳- امام باقر (ع) فرمود : در تورات چهار عبارت نوشته شده است : ۱- کسی که مشورت نکند پشیمان می‌شود. ۲- فقر و تنگدستی بزرگترین مرگ است.

۳- هر گونه رفتار کنی با تو رفتار می‌کنند. ۴- کسی که چیزی را مالک شود منافع خود را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هرگز انسان با مشورت کردن هلاک نمی‌شود.

۵- سید رضی (در نهج البلاغه) از حضرت امیر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود : هیچ ثروتی مانند عقل، و هیچ فقری مانند نادانی، و هیچ میراثی مانند ادب، و هیچ پشتیبانی مانند مشورت کردن نیست.

۶- و آن حضرت فرموده است : کسی که خود رأی باشد نابود می‌شود، و هر که با بزرگان مشورت کند در عقل آنها شریک است. ۷- و آن حضرت فرمود : مشورت راهیابی است.

۸- و نیز آن حضرت فرمود : کسی که به رأی و فکر خود اکتفا کند خود را به خطر افکنده است.

۲۲- باب استحباب مشورت با شخص پرهیزگار خردمند و اطاعت از او و کراهت

مخالفت با وی ۱- امام جعفر صادق (ع) فرمود : کسی که نصیحت‌کننده‌ای از باطن، و بازدارنده‌ای از درون، و همنشین راهنما نداشته باشد دشمن را بر خود چیره کرده است.

۲- امام هادی از پدران‌ش نقل کرده است که حضرت علی (ع) فرمود : کسی که به رأی و فکر خود اکتفا کند خود را به خطر افکنده است.

۳- امام صادق (ع) فرمود : در کار خود با کسانی مشورت کن که از پروردگارشان می‌ترسند.

۴- امام صادق (ع) نقل کرده است که حضرت علی (ع) فرمود : در کاری که برای تو پیش می‌آید با کسانی که از خدا می‌ترسند مشورت کن.

۵- سلیمان بن خالد گوید : از امام جعفر صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : با مردم خردمند با تقوا مشورت کن زیرا آنها جز به نیکی راهنمایی نمی‌کنند، و بپرهیز از مخالفت با آنان زیرا مخالفت با شخص پرهیزگار خردمند باعث تباهی دین و دنیا است. ۶- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : مشورت با خردمند اندرزگو باعث پیشرفت و برکت و موفقیت از جانب خداست، وقتی که شخص دلسوز عاقل تو را راهنمایی کند از مخالفت با او بپرهیز، زیرا این مخالفت باعث هلاکت می‌شود.

۷- امام جعفر صادق (ع) فرمود : چرا وقتی کار مهمی برای شما پیش می‌آید و خود قادر به حل آن نیستید با افراد خردمند متدین و پارسا مشورت نمی‌کنید؟

سپس امام صادق (ع) فرمود : آگاه باشید هر کس این کار را انجام دهد خدا او را خوار نمی‌گرداند بلکه مقام او را بالا

می‌برد و به بهترین کارها و نزدیکترین آنها به خداوند هدایتش می‌کند.

۸- امام صادق (ع) فرمود: مشورت دارای حدودی است که اگر آن حدود شناخته و رعایت نشود ضررش برای مشورت‌کننده از نفعش بیشتر است.

آن حدود عبارتند از: کسی که با او مشورت می‌شود: ۱- عاقل باشد. ۲- آزاده دیندار باشد. ۳- دوست مهربان و مانند برادر باشد. ۴- اگر از راز تو آگاه شد مثل این که خودت به آن آگاهی و آن را مکتوم و پوشیده می‌دارد. زیرا تو زمانی از راهنمایی مشاور سود می‌بری که او عاقل باشد، و وقتی که وی آزاد مرد متدین بود نهایت کوشش را برای نصیحت کردن تو به کار می‌برد، وقتی که دوست مهربان و مانند برادر باشد و او را از راز خویش آگاه کردی راز تو را پوشیده نگاه می‌دارد، و آگاهی او مانند این است که خودت به آن آگاهی، [اگر این شرایط رعایت شود] مشورت جامع و نصیحت کامل می‌گردد.

۲۳- باب وجوب راهنمایی کسی که تقاضای مشورت می‌کند ۱- امام جعفر صادق (ع) فرمود: مردی به نزد امیر المؤمنین (ع) آمد و عرض کرد برای مشورت به خدمت شما آمده‌ام.

حسن و حسین [دو فرزند شما] و عبدالله بن جعفر از دخترم خواستگاری کرده‌اند (کدامیک را قبول کنم)؟ حضرت علی (ع) فرمود: کسی که با او مشورت کند مورد اعتماد است، [فرزندم] حسن زنان را طلاق می‌دهد، دختری را به همسری حسین درآور که او برای دختری مناسبتر است.

۲- امام صادق (ع) فرمود: کسی که با برادر مؤمنش مشورت کند و او نظرش را

خالصانه بازگو ننماید خدای عزّ و جلّ قدرت
فکر و اندیشه را از وی می‌گیرد.

۲۴- باب جواز مشورت کردن با کسی که مرتبه او پایین‌تر است

۱- معمر بن خلّاد گوید : یکی از غلامان
امام رضا (ع) به نام سعد وفات یافت؛
امام به معمر فرمود : شخصی با فضیلت و
امانتدار به من معرفی کن، در پاسخ گفتم
: من کسی را به شما معرفی کنم؟ حضرت با
حالت شبیه شخص غضبناکی فرمود : پیامبر
خدا با یارانش مشورت می‌کرد و بعد در
باره آنچه که می‌خواست تصمیم می‌گرفت.

۲- فضیل بن یسار گوید : امام صادق (ع)
در باره کاری با من مشورت کرد، به امام
گفتم : خدا شما را یاری دهد، کسی مانند
من مشاور شما باشد؟ امام فرمود : آری هر
زمانی که با تو مشورت کنم.

۳- حسن بن جهم گوید : جمعی در خدمت
امام رضا (ع) بودیم. ایشان یادی از پدر
بزرگوارش نمود و فرمود : هیچ عقلی با
عقل او برابری نمی‌کرد، در عین حال در
بسیاری اوقات با یکی از غلامان سیاه پوست
خود مشورت می‌کرد، به آن حضرت گفته شد
آیا با چنین کسی مشورت می‌فرمایی؟ در
پاسخ فرمود : چه بسا خدای تبارک و تعالی
مشکل را به زبان چنین شخصی برطرف کند،
بسیاری اوقات در باره مزرعه یا باغ آن
حضرت را راهنمایی می‌کردند و آن حضرت به
آن عمل می‌فرمود.

۴- سیّد رضی (در نهج البلاغه) از حضرت
علیّ (ع) نقل کرده است که عبد الله بن عباس
نظر خود را به عنوان يك مشاور برای امام
علی (ع) بیان کرد، امّا امام با عقیده او
موافق نبود؛ فرمود : تو باید نظر مشورتی

خود را به من بگویی، اما اگر بر خلاف نظر تو تصمیم بگیرم باید نظر مرا بپذیری.

۵- علی بن مهزیار گوید: امام جواد (ع) به من نوشت به فلانی بگو با ما مشورت کند و پس از مشورت آنچه نظر خودش است انتخاب کند زیرا او از آنچه در سرزمینش [اهواز] می‌گذرد و از این که چگونه با سلاطین رفتار کند آگاهتر است. مشورت باعث برکت و خوشبختی است، خدا به پیامبرش در قرآن کریم می‌فرماید: «در کارها با مردم مشورت کن، لیکن آن چه خودت تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده» (حضرت فرمود) پس هر چه می‌گذرد به من گزارش دهد بهترین نظر را برایش می‌نویسم و اگر رأی و نظر من بهتر نباشد امیدوارم او را به راه روشن حق راهنمایی کرده باشم ان شاء الله «در کارها با مردم مشورت کن» منظور طلب خیر از مردم است.

۲۵- باب کراهت مشورت با زنان و نیکو بودن مشورت با مردان

۱- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که پیامبر (ص) در وصیتش به حضرت علی (ع) فرمود: یا علی بر زنان، نماز جمعه و مسئولیت قضاوت، و طرف مشورت قرار گرفتن نیست.

یا علی، تندخویی ناپسند و اطاعت از زن موجب پشیمانی است. یا علی، از جمله چیزهایی که نامبارک است زبان زنان است. [زنانی که رعایت شؤون اسلامی را نمی‌نمایند.]

۲- امیر المؤمنین (ع) در وصیت به فرزندان‌شان محمد بن حنفیه فرموده است: آرای مردان را جمع کن، سپس آن رأی را که به حق نزدیکتر است انتخاب کن و آرائی را که شک داری رها کن... تا این که فرمود: کسی که به رأی خود عمل کند خودش

را به خطر می‌افکند و هر که آرای مختلف را مورد توجه قرار دهد به راههای خطا و اشتباه پی می‌برد.

۲۶- باب کراهت مشورت با شخص ترسو، بخیل، آزمند، برده، فرومایه و بدکار

۱- امام رضا (ع) از پدراناش از حضرت علی (ع) نقل کرده است که پیامبر (ص) فرموده است: یا علی با شخص ترسو مشورت نکن زیرا او راه خروج [از گرفتاریها] را برای تو سخت جلوه می‌دهد و حتما با بخیل مشورت نکن، زیرا تو را از هدف باز می‌دارد، با حریص مشورت نکن زیرا او کار بد را زیبا جلوه می‌دهد، و بدان که ترس و بخل و آزمندی غریزه‌ای است که از سوء ظن ناشی می‌شود.

۲- عمار سباطی گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای عمار اگر می‌خواهی نعمت برایت با دوام، و مردانگی‌ات کامل، و زندگی‌ات اصلاح گردد در کار خویش با بردگان و اشخاص فرومایه مشورت مکن، زیرا اگر به آنها اعتماد کنی به تو خیانت می‌کنند، و اگر خبری به تو بدهند دروغ می‌گویند و اگر گرفتار شوی تو را خوار می‌سازند و اگر به تو وعده‌ای دهند به آن وفا نمی‌کنند.

۳- امام جعفر صادق (ع) فرمود: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: حق را بپادار و برای آنچه از تو فوت شده افسوس مخور و از آنچه به تو مربوط نیست کناره‌گیر، از دشمن دوری کن، و از دوست خویش بر حذر باش، (با احتیاط با او برخورد کن) و با مردم امین همنشین و دوست باش، و امین کسی است که از خدا بترسد، و با بدکار همنشینی مکن، و او را بر راز خویش آگاه مگردان، و امانت خود را به او مسپار، و

در کارهایت با کسانی که از پروردگار خویش می‌ترسند مشورت نما.

۲۷- باب تحریم همنشینی و دوستی با اهل بدعت

۱- امام صادق (ع) فرمود : با کسانی که در دین بدعت می‌گذارند دوستی و همنشینی نکنید زیرا در نظر مردم یکی از آنان به شمار می‌آید.
و پیامبر (ص) فرمود : انسان بر دین دوست و همنشین خود می‌باشد.

۲۸- باب کسانی که معاشرت و سلام کردن بر آنها شایسته نیست ۱- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده که در وصیّت حضرت رسول (ص) به علی علیه السلام آمده است : یا علی کسی که از دین و دنیایش توشه‌ای بر نگیرد برای تو خیری در همنشینی با او نیست، و کسی که خواسته تو را اجابت نکند تو نیز خواسته او را اجابت نکن، زیرا او شایسته تکریم نیست.

۲- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که در حدیث منهیّات پیامبر (ص) فرمود : سخن گفتن با شخص جذامی مکروه است مگر این که بین آنها به اندازه یک ذراع [تقریباً نیم متر] فاصله باشد.
و آن حضرت فرمود : از جذامی فرار کن مانند گریختن از شیر.

۳- در کتاب خصال شیخ صدوق از امیر المؤمنین (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود : پیامبر (ص) [مردم را] از سلام کردن بر چهار گروه نهی کرده است : ۱- شخص باده‌گسار در حال مستی. ۲- کسی که مجسمه می‌سازد. ۳- آن که با نرد بازی می‌کند. ۴- کسی که دوز بازی می‌کند. و من

گروه پنجمی را اضافه می‌کنم، نهی می‌کنم شما را از سلام کردن بر شطرنج باز.
۴- رسول خدا (ص) فرمود: از پنج گروه در هر حال باید دوری کرد:
جذامی، پیس، دیوانه، زنازاده، و عرب بیابانگرد.

۵- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است که بر شش گروه نباید سلام کرد:
یهودی، مسیحی، و کسی که برای رفع حاجت نشسته است و آن که بر سر سفره‌ای می‌نشیند که در آن مشروبات الکلی است و شاعری که به زنان عقیف تهمت می‌زند و کسانی که فحش دادن به مادران اشخاص را وسیله شوخی قرار می‌دهند.

۶- حضرت علی (ع) در حدیثی فرمود: بر شش گروه سلام کردن شایسته نیست: ۱- یهودی و مسیحی ۲- افرادی که با نرد و با شطرنج بازی می‌کنند. ۳- باده‌گسار. ۴- اهل ساز و طنبور. ۵- کسانی که فحش دادن به مادران اشخاص را وسیله شوخی قرار می‌دهند ۶- شاعران [درباری و چاپلوس]

۷- امام جعفر صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: بر یهود، و نصاری و زردشتی، و بت پرست، و باده‌گسار و کسانی که کارشان بازی شطرنج و نرد است، و مرد زن صفت [مردی که خود را در اختیار مردان دیگر می‌گذارد] و شاعری که زنان عقیف را مَثَم می‌کند، و کسی که در حال نماز است سلام نکنید. بر نمازگزار بدین سبب که نمی‌تواند پاسخ سلام را بدهد، با توجه به این که سلام برای مسلمان امری مستحب و پاسخ آن واجب است، و بر رباخوار و کسی که برای رفع حاجت نشسته است، و در حمام، و هر فاسقی که آشکارا مرتکب معصیت می‌شود.

۲۹- باب استحباب اظهار دوستی و محبت نسبت به مردم

۱- امام محمد باقر (ع) فرمود : عربی بادیه‌نشین از بنی تمیم به نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد : مرا نصیحت فرمایید. از جمله مطالبی که پیامبر (ص) به او فرمودند این بود : نسبت به مردم اظهار دوستی کن تا تو را دوست بدانند.

۲- امام موسی کاظم (ع) فرمود : اظهار محبت و دوستی نسبت به مردم نیمی از عقل است.

۳- ابن ادریس در کتاب سرائر مشابه این حدیث را نقل کرده است با این تفاوت : و مدارا کردن با دیگران نیمی از وسیله زندگی است، و کسی که میانه‌روی کند فقیر نمی‌شود.

۴- امام صادق (ع) از امام حسن مجتبی (ع) نقل فرموده است : خویشاوند کسی است که از لحاظ دوستی به انسان نزدیک باشد اگر چه از لحاظ نسب دور باشد و بیگانه کسی است که از جهت محبت و دوستی بیگانه باشد گرچه از لحاظ نسب نزدیک باشد، هیچ چیز نزدیکتر به چیزی از دست به بدن نیست، و دست خیانت می‌کند و قطع می‌شود، و پس از قطع درمان می‌گردد. [یعنی اعتماد به نزدیکی خویشاوند نیست، اگر دوست نباشد، و گاهی عملاً از انسان دور و بیگانه است. یا منظور این است که دست دزد به صاحبش خیانت می‌کند و در عین نهایت نزدیکی قطع می‌گردد. یا انسان دشمن دستش هست و باعث قطعش می‌گردد. یا این که اعتمادی به قرب جسمانی نیست و نفع حقیقی و پایدار قرب معنوی است.]

۵- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : اظهار دوستی نسبت به مردم نصف عقل است.

۳۰- باب استجاب خوشرفتاری و گشاده‌رویی و احترام به مردم و خودداری از مزاحمت آنان

۱- امام صادق (ع) فرمود : خوشرویی با مردم يك سوّم عقل است.

۲- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است که سه چیز دوستی انسان را برای برادر مسلمانش خالص می‌گرداند : ۱- با خوشرویی او را ملاقات کند. ۲- در مجلس به او جا دهد. ۳- او را با بهترین نامها بخواند.

۳- حذیفة بن منصور گوید : از امام جعفر صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : کسی که از مزاحمت مردم دست بردارد، گرچه او يك نفر است که از مزاحمت آنان دست برداشته لکن در مقابل افراد زیادی از مزاحمت او دست برمی‌دارند.

۳۱- مستحبّ است برای کسی که مؤمنی را دوست دارد او را از دوستی خود با خبر کند

۱- امام صادق (ع) فرمود : زمانی که کسی را دوست داری او را از این امر با خبر کن، زیرا باعث استواری محبّت بین شما می‌گردد.

۲- نصر بن قابوس گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : زمانی که یکی از برادرانت را دوست می‌داری او را از این دوستی آگاه کن، همان طور که حضرت ابراهیم (ع) گفت : «پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده می‌کنی، خدا فرمود : آیا به

[زنده شدن مردگان] اطمینان ندادی؟
ابراهیم پاسخ داد: ایمان دارم اما
می‌خواهم قلبم مطمئن شود»

۳- شخصی به امام باقر (ع) عرض کرد:
من این مرد را دوست دارم، امام به او
فرمود: او را از این امر با خبر کن،
زیرا دوستی را پایدارتر و مهربانی را
نیکوتر می‌سازد.

۴- امام جعفر صادق (ع) فرمود: زمانی
که کسی را دوست می‌داری به او بگو.

۵- امام صادق (ع) از پیامبر خدا (ص)
نقل فرموده است: هر گاه یکی از شما هم
صحبت یا برادر ایمانی‌اش را دوست می‌دارد
او را آگاه سازد.

۳۲- باب استحباب آغاز کردن سلام قبل از سخن گفتن و استحباب پاسخ ندادن قبل از سلام

۱- امام صادق (ع) فرمود: آغازکننده
به سلام به خدا و رسولش نزدیکتر است.

۲- علی بن الحسین (ع) فرمود: از صفات
مؤمن انفاق کردن به اندازه توانایی و
وسعت دادن [به اهل و عیال] در حد قدرت،
و با عدالت و انصاف رفتار کردن با مردم،
و آغاز به سلام نمودن بر آنان می‌باشد.

۳- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا
(ص) نقل فرمود: شایسته‌ترین مردم نزد
خدا و رسولش کسی است که سلام را آغاز
کند.

۴- با همین اسناد نقل شده که رسول خدا
(ص) فرمود: کسی که قبل از سلام سخن آغاز
کند به او پاسخ ندهید. و نیز فرمود:
قبل از سخن گفتن سلام کنید، اگر کسی قبل
از سلام گفتن سخن گوید به او پاسخ ندهید.

۵- امام صادق (ع) فرمود: فرشته‌ای
مردی را بر در خانه‌ای دید، فرشته به او

گفت چرا بر در این خانه ایستاده‌ای؟ پاسخ داد یکی از برادرانم در این خانه است می‌خواهم بر او سلام کنم، فرشته به او گفت : آیا بین شما خویشاوندی است یا حاجتی به او داری؟ پاسخ داد : قرابتی بین ما نیست، و نیازی جز اخوت اسلامی و احترام آن مرا به اینجا نکشانده بلکه برای پروردگار جهان به او سلام و محافظتش می‌کنم، فرشته به او گفت : من فرستاده خدایم به سوی تو، پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید : مرا زیارت کردی، و برای من تعهد نمودی، حتما بهشت را بر تو واجب کردم و تو را از خشم خویش معاف داشتم، و از آتش نجات دادم.

۶- امام صادق (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : کسی که قبل از سلام کردن سخن آغاز کند به او پاسخ ندهید. و نیز امام صادق (ع) فرمود : هیچ کس را به طعام خویش دعوت نکنید مگر این که سلام کند.

۳۳- باب لزوم سلام و کراهت ترك آن و وجوب پاسخ سلام

۱- امام صادق (ع) فرمود : جواب دادن به نامه مانند پاسخ سلام واجب است و آغازکننده به سلام [از جواب دهنده] نزد خدا و رسولش شایسته‌تر است.

۲- امام صادق (ع) نقل کرده : خدای عزّ و جلّ فرمود : بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.

۳- امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : سلام کردن مستحب، و پاسخ آن واجب است.

۳۴- باب استحباب بلند گفتن سلام و سخن نیکو گفتن ۱- امام محمد باقر (ع) فرمود

: خدای عزّ و جلّ بلند سلام کردن را دوست می‌دارد.

۲- امام باقر (ع) فرموده : سلمان (که رحمت خدا بر او باد) می‌گفت : سلام خدا را آشکارا بگویید، زیرا درود خدا به ستمکاران نمی‌رسد.

۳- امام جعفر صادق (ع) در حدیثی نقل فرموده است که حضرت علیّ (ع) می‌فرمود : خشمگین نشوید، و [کاری نکنید که] مورد خشم قرار گیرید، آشکارا سلام کنید، و سخن نیکو بگویید، نماز شب بخوانید در حالی که مردم در خوابند، تا به سلامتی به بهشت روید، سپس این گفتار خدای عزّ و جلّ را برای آنان خواند :

«خدایی که سالم از هر گونه عیب و نقص، و امان دهنده و نگهبان است»

۴- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‌های فروتنی این است که کسی را که ملاقات می‌کنی بر او سلام نمایی.

۵- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است که در وصیّت پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) آمده است : سه چیز باعث پوشاندن گناهان است، آشکارا سلام کردن، طعام دادن، خواندن نماز شب در حالی که مردم خوابند.

۶- امام صادق (ع) فرمود : بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.

۷- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : در بهشت خانه‌هایی است که بیرون آنها از داخل، و داخل آنها از خارج دیده می‌شود، کسانی از امت من در آن سکونت می‌کنند که سخن نیکو گویند، و مردم را اطعام کنند، و بلند سلام کنند و روزه را ادامه دهند، نماز شب بخوانند در حالی که مردم در خوابند. حضرت علیّ (ع) سؤال کرد : ای رسول خدا چه کسی از امت شما توانایی انجام این اعمال را دارد؟

پیامبر (ص) فرمود : یا علی میدانی
نیکویی سخن چیست؟ کسی که صبح و شام ده
مرتبه بگوید :
«سبحان الله، و الحمد لله، و لا اله الا الله، و
الله اکبر»

، و اطعام کردن عبارت است از انفاق
کردن مرد به خانواده اش، اما منظور از
ادامه روزه آن است که شخص ماه رمضان و
از هر ماه دیگر سه روز روزه بگیرد، روزه
عمر برای او نوشته می شود. اما منظور از
نماز شب در حالی که مردم خوابند، هر کس
نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد
با جماعت بخواند مانند آن است که تمام
شب را به عبادت مشغول باشد و مقصود از
افشای سلام آن است که از سلام کردن بر هیچ
مسلمانی بخل نوزد.

۸- امام محمد باقر (ع) فرمود : سه چیز
باعث قرب و منزلت است : آشکارا سلام
کردن، طعام دادن، و نماز شب خواندن در
حالی که مردم در خوابند.

۹- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از
نشانه های تواضع سلام کردن به هر کسی است
که او را ملاقات کنی.

۱۰- پیامبر خدا (ص) فرمود :
ناتوانترین مردم کسی است که از دعا کردن
عاجز باشد، و بخیلترین مردم آن است که
از سلام کردن بخل ورزد.

۱۱- امام صادق (ع) فرمود : هر کس چهار
چیز برای من تعهد کند من چهار خانه در
بهشت برای او تضمین می کنم، ۱- انفاق
کردن و نترسیدن از فقر و تنگدستی. ۲-
رعایت عدالت در باره مردم در مقابل
منافع خویش. ۳- آشکارا سلام کردن در همه
جا. ۴- ترك مجادله و نزاع اگر چه حق با
او باشد.

۳۵- باب استحباب سلام کردن بر کودکان

- ۳۵- باب استحباب سلام کردن بر کودکان
- ۱- امام رضا (ع) از پدراناش نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: پنج چیز را تا آخر عمر رها نخواهم کرد: ۱- غذا خوردن با بردگان بر روی زمین.
 - ۲- سوار شدن بر الاغ بی‌پالان. ۳- دوشیدن شیر از پستان بز با دست خودم.
 - ۴- پوشیدن لباس پشمین. ۵- سلام کردن بر کودکان تا بعد از من سنت [رسم] باشد.
 - ۲- امام صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: پنج چیز را تا لحظه مرگ ترك نخواهم کرد: ۱- پوشیدن لباس پشمین. ۲- سوار شدن بر الاغ بی‌پالان. ۳- غذا خوردن با بردگان. ۴- وصله کردن کفش با دست خودم.
 - ۵- سلام کردن بر کودکان تا این که بعد از من سنت [رسم] باشد.

۳۶- باب حرمت تبعیض بین فقیر و ثروتمند در نحوه سلام کردن و وجوب رعایت مساوات بین آن دو

- ۱- امام رضا (ع) فرمود: هر کس فقیر مسلمانی را ملاقات کند و به گونه‌ای بر او سلام نماید که با سلام بر ثروتمند فرق داشته باشد در روز قیامت خدا را درحالی ملاقات می‌کند که خدا بر وی خشمگین است.
- ۲- حجاج گوید: به جمیل بن ذراج گفتم آیا پیامبر خدا (ص) فرمود: زمانی که بزرگ قومی نزد شما آمد او را احترام کنید؟ جمیل گفت: آری، پیامبر فرموده است. از جمیل پرسیدم: [در این حدیث] منظور از شریف کیست؟ پاسخ داد:

از امام صادق (ع) در این باره پرسیده‌ام، آن حضرت فرمود: منظور از شریف در این حدیث شخص ثروتمند است.

۳۷- باب استحباب شکرگزاری خدا برای نعمت اسلام و تندرستی

۱- امام جعفر صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است: پیامبر (ص) فرمود: هر کس یهودی یا مسیحی یا زردشتی یا یکی از غیر مسلمانان را ببیند بگوید:

«سپاس خدایی را که مرا بر تو فضیلت داد و اسلام را دین من و قرآن را کتابم و محمد (ص) را پیامبر، و حضرت علی (ع) را امام و پیشوای من، و مؤمنین را برادرانم، و کعبه را قبله من قرار داده است» خدا بین آن مؤمن و غیر مسلمان در دوزخ هرگز جمع نکند.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود: هر کس آفت زده‌ای (مانند جذامی و امثال آن) یا مثله شده یا گرفتاری را ببیند مخفیانه بطوری که او نشنود سه مرتبه بگوید:

«سپاس خدایی را که مرا سلامت داشت از آن چه تو را بدان مبتلا ساخته است، و اگر خدا می‌خواست می‌توانست مرا نیز گرفتار سازد» هرگز آن بلا به او نرسد.

۳۸- باب لزوم بلند سلام کردن و پاسخ دادن به نحوی که مخاطب بشنود

۱- امام صادق (ع) فرمود: هر گاه کسی سلام می‌کند بلند سلام کند و نگوید سلام کردم اما پاسخ ندادند، شاید نشنیده باشند، جواب سلام را نیز باید بلند گفت تا آن مسلمان سلام‌کننده نگوید: پاسخ سلام مرا نگفتند.

۳۹- باب نحوه سلام گفتن و استحباب انتخاب کلمات مناسب

- ۱- حسن بن منذر گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : کسی که بگوید : «السلام علیکم» برای او ده حسنه، و کسی که بگوید :
- «سلام علیکم و رحمة الله» برایش بیست حسنه، و هر که بگوید :
- «سلام علیکم و رحمة الله و برکاته» برایش سی حسنه است.
- ۲- امام صادق (ع) نقل کرده است که امیر المؤمنین (ع) فرمود : کراهت دارد انسان بگوید :
- «حیاک الله» (خدا تو را زنده بدارد) سپس ساکت شود مگر آن که پس از آن، سلام کند.
- ۳- عمار سباطی در باره نحوه سلام کردن زنان از امام صادق (ع) سؤال کرد و امام فرمود : زن بگوید :
- «علیکم السلام» و مرد پاسخ دهد :
- «السلام علیکم» .
- ۴- وهب یمانی در حدیثی نقل کرده است که : خدا به آدم فرمود : به جانب این گروه از فرشتگان برو و به آنان بگو «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» (سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد). حضرت آدم بر آنان سلام کرد، ملائکه پاسخ دادند :
- «و علیک السلام و رحمة الله و برکاته» . چون به حضور پروردگار خویش برگشت، پروردگار تبارک و تعالی به او فرمود : این درود تو و فرزندان تا روز قیامت در بین آنها باقی می‌ماند.

۴۰- باب استحباب تکرار سلام تا سه مرتبه در صورت عدم دریافت پاسخ و اجازه ورود ۱- امام محمد باقر (ع) فرموده است که : امیر المؤمنین (ع) به مردی از طایفه بنی سعد فرمود : آیا در باره خود و فاطمه برایت سخن نگویم؟ تا این که فرمود : يك روز صبح زود در حالی که هنوز در رختخواب بودیم پیامبر به نزد ما آمد و فرمود :

«السلام علیکم» ما سکوت کردیم و حیا نمودیم از جایمان بلند شویم، سپس فرمود :

«السلام علیکم» باز هم سکوت کردیم، مجدداً فرمود :

«السلام علیکم» ترسیدیم اگر پاسخ سلام حضرت را ندهیم برگردد، و این عادت آن حضرت بود که سه مرتبه سلام می‌کرد و اگر اجازه ورود به وی داده نمی‌شد برمی‌گشت، پس گفتیم «و علیک السّلام» یا رسول الله ، داخل خانه شوید، حضرت داخل شدند، سپس تسبیح حضرت فاطمه را پیامبر برای آن دو در موقع خوابیدن مانند تعقیبات نماز بیان فرمود.

۲- امام صادق (ع) در حدیث دوازده درهمی که (حضرت رسول (ص) به علی (ع) دادند تا برای آن حضرت پیراهن بخرد) فرمود که پیامبر خدا (ص) به کنیزی که (چهار درهم صاحبش را گم کرده بود) فرمود : جلو من حرکت کن و مرا به سوی خانواده ات راهنمایی کن، پیامبر چون به در خانه رسید، فرمود :

«السلام علیکم» پاسخ ندادند، دو مرتبه سلام کرد، پاسخ ندادند، برای سومین بار که سلام کرد گفتند : «ای رسول خدا سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد». پیامبر (ص) سؤال فرمود : چرا بار اول و دوم

جواب سلام را ندادید، گفتند : ای رسول خدا ما سلام شما را شنیدیم ولی دوست داشتیم بیشتر بشنویم ...

۴۱- باب استحباب مورد خطاب قرار دادن يك مؤمن با ضمیر جمع در موقع سلام کردن و دعا برای او در هنگام عطسه و غیر آن ۱- امام صادق (ع) فرمود : در سه مورد فرد به صورت جمع خطاب می‌شود :
۱- در موقع عطسه که می‌گویی «یرحمکم الله» اگر چه کسی با وی نباشد. ۲- در سلام کردن می‌گویی «السلام علیکم» . ۳- هنگام دعا برای دیگران می‌گویی :
«عافکم الله» . ۲- مانند این حدیث در خصال نیز نقل شده است.

۴۲- **عدم استحباب سلام بر کسی که همراه جنازه است یا به نماز جمعه می‌رود یا در حَمَام است**
امام صادق (ع) فرمود : بر سه کس سلام لازم نیست ۱- بر کسی که با جنازه همراه است ۲- بر آن که به نماز جمعه می‌رود ۳- بر کسی که داخل حَمَام باشد.

۴۳- **باب چگونگی پاسخ سلام دادن به حاضر و غایب**

۱- امام باقر (ع) فرمود که : امیر المؤمنین علیه السلام بر قومی گذشت و بر آنان سلام کرد، آنها پاسخ دادند «سلام و رحمت و برکات و مغفرت و خشنودی خدا بر تو باد». حضرت به آنان فرمود : بر ما بدان گونه که فرشتگان به پدر ما ابراهیم (ع) سلام کرده اند سلام کنید. آنان به حضرت ابراهیم (ع) گفتند «رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت».

۲- حکم بن عیینه گوید : روزی در خدمت امام باقر (ع) بودم و خانه پر از جمعیت بود که پیرمردی آمد و بر در خانه ایستاد و گفت : «السَّلامُ علیک یا ابن رسول الله و رحمة الله و برکاته» (ای پسر رسول خدا سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد) و ساکت شد. امام باقر (ع) فرمود :
«و علیک السَّلام و رحمة الله و برکاته» .
سپس به مردم سلام کرد و همه جواب سلام او را دادند.

۳- ابو کهمش گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم عبد الله بن ابی یعفر شما را سلام رساند، امام فرمود :
«و علیک و علیه السَّلام» (بر تو و بر او سلام باد)، هر گاه عبد الله را دیدی به او سلام برسان.

۴- امام محمد باقر (ع) فرمود :
فرشته ای از خدا درخواست کرد که قدرت شنوایی دعای بندگان خویش را به او ببخشد، خدا دعای وی را مستجاب کرد و از آن زمان هر مؤمنی که می گوید :
«صلی الله علی محمد و آله و سلّم» (درود و سلام خدا بر محمد و آل او)، آن فرشته در پاسخ می گوید :

«و علیک السَّلام» سپس آن فرشته به پیامبر (ص) عرض می کند فلانی بر شما درود فرستاد، رسول خدا در جواب می فرماید «و درود بر او باد».

۵- امام باقر (ع) فرمود : روزی حضرت علی (ع) در رحبة (محلّه ای در کوفه) نشسته بود و مردم دور او جمع بودند که مردی بلند شد و گفت : «السَّلامُ علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته» (سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیشوای مؤمنان) حضرت به او نگاه کرد و فرمود :
«و علیک السَّلام و رحمة الله و برکاته» ،
تو کیستی؟ آن مرد خود را معرفی کرد سپس

سؤالات خود را مطرح کرد که از جمله آنها ده سؤال بود که هر کدام از دیگری دشوارتر بود.

۶- پیامبر (ص) فرمود : ناقص کردن نماز یا سلام جایز نیست، امّا نقصان نماز ناتمام گذاشتن رکوع یا سجود و نقصان توقّف در رکعت دیگر می‌باشد، و نقصان در سلام آن است که در سلام کردن بگوید «السّلام عليك»

و یا در پاسخ سلام بگوید «و عليك» و نگوید «و عليكم السّلام» .

۷- علی بن ابراهیم در تفسیرش در ذیل قول خدای تعالی که (یا محمّد) «اهلت را به نماز امر کن و بر آن شکیبا باش» گوید : رسول خدا (ص) هر روز هنگام نماز صبح به در خانه حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) می‌آمد و می‌فرمود :

«السّلام عليكم و رحمة الله و برکاته» (سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد). آنها می‌گفتند :

«و عليكم السّلام یا رسول الله و رحمة الله و برکاته» سپس پیامبر می‌فرمود : وقت نماز است خدا شما را رحمت کند.

۴۴- باب استحباب مصافحه با مقیم و در آغوش گرفتن مسافر

۱- امام صادق (ع) فرمود : کامل شدن سلام و تحیت برای مقیم، دست دادن و برای مسافر، يك دیگر را در آغوش گرفتن است.

۴۵- باب استحباب سلام کردن کوچک بر بزرگ و جمعیت کم بر جمعیت زیاد و عابر بر نشسته و ...

۱- امام جعفر صادق (ع) فرمود : باید کوچک بر بزرگ، و عابر بر نشسته، و جمعیت کم بر جمعیت زیاد سلام کند.

۲- امام صادق (ع) فرمود : وقتی گروهی در مجلسی باشند آنها که وارد می‌شوند باید سلام کنند.

۳- امام صادق (ع) فرمود : عده کم بر عده زیاد، و سواره بر پیاده، و کسانی که بر استر سوار هستند بر الاغ سوار، و اسب سواران بر استر سواران سلام کنند.

۴- ابن بکیر از یکی از دوستانش نقل می‌کند که شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود : سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته سلام کند و زمانی که دو گروه یک دیگر را ملاقات نمایند گروه کمتر بر گروه بیشتر، و فرد بر جماعت سلام کند.

۵- امام صادق (ع) فرمود : سواره بر پیاده و ایستاده بر نشسته سلام کند.

۶- اگر یک نفر از گروهی سلام کند از همه آنها کفایت می‌کند و نیز کافی است که یک نفر پاسخ دهد ۱- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه یک نفر از جماعتی سلام کند برای همه آنها کفایت می‌کند.

۲- امام صادق فرمود : اگر یک نفر از گروهی سلام کند برای همه آنها کافی است و نیز اگر یکی پاسخ دهد از دیگران ساقط است.

۳- ابن بکیر از یکی از یاراناش نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود : اگر عده‌ای بر جماعتی بگذرند کافی است

یکی از آن عده بر جماعت سلام کند، و نیز اگر يك نفر جواب دهد کافی است.

۴- زید بن اسلم گوید: رسول خدا (ص) فرمود: باید سواره بر پیاده سلام کند، و اگر يك نفر از بین گروهی سلام کند از همه ساقط است.

۴۷- کراهت ترك سلام بر مؤمن حتی در حال تقيّه

۱- اسحاق بن عمّار گوید: به سبب تقيّه در مسجد کوفه بر دوستانم سلام نمی‌کردم، چون به خدمت امام صادق (ع) رسیدم به من فرمود: چرا بر دوستانت ستم می‌کنی و در موقع ملاقات بر آنها سلام نمی‌کنی؟ پاسخ دادم این امر بخاطر تقيّه است، فرمود: وظیفه نداری بخاطر تقيّه سلام را ترك کنی، بلکه وظیفه تو نشر سلام است، مؤمن وقتی مردم با ایمان را می‌بینند و بر آنها سلام می‌کند ملائکه پاسخ می‌دهند: «سلام عليك و رحمة الله و برکاته ابداء».

۴۸- باب جواز سلام کردن مرد بر زن ۱- ربیع بن عبد الله از قول امام صادق (ع) گوید: پیامبر خدا (ص) بر زنان سلام می‌کرد و آنان پاسخ سلام وی را می‌دادند، امیر المؤمنین (ع) نیز بر زنان سلام می‌کرد ولی کراهت داشت از این که بر زنان جوان سلام کند، و می‌فرمود: می‌ترسم از این که از صدای آنها مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود.

۴۹- باب تحریم سلام کردن بر کفار و اهل لهُو و لعب و امثال آن مگر در حال ضرورت و چگونگی پاسخ دادن به سلام آنان ۱- امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) نقل فرموده است: شما اول بر اهل کتاب سلام

نکنید، و اگر آنان بر شما سلام کنند
بگویید :

«و علیکم»

۲- امام صادق (ع) فرمود : در پاسخ سلام
یهودی و نصرانی می‌گویی، سلام .

۳- امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید : هر
گاه یهودی یا مسیحی یا مشرک بر تو سلام
کند بگو «علیک»

۴- امام محمد باقر (ع) فرمود : مردی
یهودی بر پیامبر (ص) وارد شد و عایشه
آنجا بود، یهودی گفت «السّام علیکم» (که
معنایش «مرگ بر تو» است).
پیامبر (ص) فرمود :

«علیکم» ، یهودی دیگری وارد شد و
مانند اولی سلام کرد، حضرت همان پاسخ را
به او دادند، یهودی سوّم وارد شد و مانند
دو نفر اول سلام کرد، پیامبر همان جواب
را به او دادند، عایشه خشمگین شد و گفت
: مرگ و غضب و لعنت بر شما باد ای گروه
یهود، ای برادران میمونها و خوکها، رسول
خدا (ص) به عایشه فرمود : اگر فحش به
صورتی مجسم می‌شد بد صورتی داشت، نرمش و
مدارا بر هیچ چیز نهاده نشده جز این که
آن را آراسته، و از هیچ چیز برداشته
نشده مگر این که آن را زشت کرده است،
عایشه گفت : ای رسول خدا مگر سخن آنها
را نشنیدی که گفتند «السّام علیکم» (یعنی
مرگ بر شما). پیامبر فرمود : چرا شنیدم،
آیا تو نشنیدی پاسخی را که به آنها
دادم، گفتم

«علیکم» (یعنی مرگ بر خودتان).

سپس پیامبر فرمود : هر گاه مسلمانی بر
شما سلام کند بگویید :

«سلام علیکم» . و اگر کافری سلام کند،
بگویید :

«علیک»

۵- امام جعفر صادق (ع) فرمود : شخصی
یهودی به نزد پیامبر (ص) آمد و گفت :
«السَّامَ عَلَیْكُمْ» ، پیامبر (ص) فرمود
«عَلَيْكَ» یاران پیامبر گفتند : او گفت مرگ
بر تو، پیامبر (ص) فرمودند : همچنان
پاسخ دادم .

۶- سماعه گوید : از امام صادق (ع)
پرسیدم اگر مسلمانی نشسته باشد و یهودی
یا مسیحی یا مشرکی بر وی سلام کند چگونه
باید پاسخ دهد؟ حضرت فرمود : بگوید
«علیکم»

۷- امام باقر (ع) فرمود : ابو جهل و
عده‌ای از قریش به نزد ابو طالب آمدند و
گفتند : پسر برادر تو [حضرت محمد (ص)]
ما را اذیت می‌کند، از او بخواه که از
خدایان ما دست بردارد، ما نیز به خدای
او کاری نداریم، ابو طالب پیامبر (ص) را
خواست، چون پیامبر (ص) وارد شد و دید
مشرکین در آن جلسه هستند فرمود :
«السَّلَامُ عَلَی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى» [و صیغه
مخصوص سلام را به کار نبرد .]

۸- اصبغ بن نباته گوید : از علی (ع)
شنیدم که می‌فرمود : شش گروه شایسته سلام
نیستند : ۱- یهود، ۲- نصاری، ۳- اهل نرد
و شطرنج، ۴- اهل مشروبات الکلی و
موسیقی، ۵- کسانی که فحش دادن به مادران
را وسیله شوخی خود قرار می‌دهند، ۶-
شاعران [شاعرانی که افراد نالایق را مدح
می‌کنند .]

۹- امام صادق (ع) نقل می‌کند که پیامبر
(ص) فرمود : شما بر اهل کتاب
یعنی یهود و نصارا سلام را آغاز نکنید،
و اگر آنها بر شما سلام کنند بگویید :
«علیکم» و با آنان مصافحه نکنید و با
کنیه آنها را صدا نزنید مگر این که
مجبور باشید .

۵۰- باب عدم جواز ورود به خانه غیر بدون اجازه و خبر دادن و سلام کردن و ...

۱- عبد الرحمن بن ابی عبد الله گوید : از امام صادق (ع) در باره قول خدای عزّ و جلّ : «به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر این که مأنوس شوید و بر اهل خانه سلام کنید» پرسیدم، امام فرمود : منظور از استیناس در موقع ورود به خانه صدا را بلند کردن و سلام نمودن است.

۲- ابو الصباح گوید از امام محمد باقر (ع) در باره قول خدای عزّ و جلّ که «چون به خانه‌هایی وارد شوید بر خودتان سلام کنید» پرسیدم، امام فرمود : منظور سلام کردن بر اهل خانه است و آنها که پاسخ سلام او را می‌دهند، پس این سلام بر او می‌باشد.

۳- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه وارد خانه خویش می‌شوید اگر کسی در خانه باشد بر او سلام کنید، و چنانچه کسی نباشد بگویید

«السّلام علینا من عند ربّنا»

(سلام بر ما از جانب پروردگار ما) چرا که خدای عزّ و جلّ فرمود : «تحیتی با برکت و پاکیزه از نزد خدا است.»

۵۱- باب کسانی که رفت و آمد به خانه آنها شایسته است

۱- امیر المؤمنین (ع) فرمود : حکمای روزگاران گذشته گفته‌اند : لازم است انسان از روی ده انگیزه رفت و آمد داشته باشد :

اول خانه خدا برای انجام عبادت و ادای حقّ و واجبات. دوّم- خانه فرمانروایانی که اطاعت آنها در ارتباط با اطاعت خداست، و رعایت حقّشان واجب و منفعتشان فراوان و ضررشان سهمگین است. سوّم- خانه دانشمندانی که علمشان نفع دینی و دنیوی

دارد. چهارم- خانه اهل جود و بخشش که اموالشان را برای شکرگزاری خدا و اجر آخرت انفاق می‌کنند. پنجم- افرادی که از خرد بهره زیادی ندارند و در حوادث و پیش آمدها به آنها نیاز هست و برای رفع گرفتاریها از آنها کمک گرفته می‌شود. ششم- خانه اشراف و بزرگان که دارای بخشش و مردانگی و حاجت برآورنده هستند. هفتم- کسانی که فکر و اندیشه‌شان و نیز مشورت با آنها باعث رشد فکری انسان است. هشتم- برادران ایمانی که پیوند و رعایت حقوقشان واجب است. نهم- دشمنانی که شرّ و دشمنی آنها با مدارا و نرمی کردن و مهربانی نسبت به آنها برطرف می‌شود. دهم- کسانی که دیدار و گفتگوی با آنها بر ادب و فرهنگ انسان می‌افزاید.

۵۲- باب استحباب سلام کردن هنگام بلند شدن از مجلس

۱- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است که هر کس از مجلسی بلند شود و در حال جدا شدن از برادرانش به آنها سلام کند اگر آنها در امر خیری مشغول بحث و گفتگو باشند او در آن امر خیر شریک است و اگر در امر باطلی مشغول بحث باشند به او گناهی نمی‌رسد.

۲- در مکارم الاخلاق از رسول خدا (ص) نقل شده است که هر گاه یکی از شما بخواهد از مجلس خارج شود، سلام کند زیرا سلام اول مجلس اولویتی نسبت به سلام آخر مجلس ندارد.

۵۳- باب جواز سلام و دعا کردن بر ذمی در صورت نیاز داشتن به او

۱- عبد الرّحمان بن حجّاج گوید : به ابو الحسن امام موسی کاظم (ع) عرض کردم : نظر شما در باره مراجعه به پزشکی مسیحی که به او احتیاج دارم چیست، آیا می‌توانم بر او سلام کنم و برایش دعا نمایم؟ فرمود : آری ولی دعای تو به او سود نمی‌رساند.

۲- امام رضا (ع) فرمود : به امام صادق (ع) گفته شد چگونه به یهودی و مسیحی دعا کنم؟ امام فرمود : بگو خدا در امور دنیایت برکت دهد.

۵۴- باب جواز مکاتبه مسلمان با اهل ذمه ۱- عبد الله بن سنان گوید : از امام صادق (ع) سؤال شد : مردی به یکی از کارگزاران مهم زردشتی نامه می‌نویسد، آیا جایز است نام او را قبل از اسم خویش بنویسد؟ امام فرمود : به منظور جلب منفعت اشکالی ندارد.

۲- ابو بصیر گوید : از امام صادق (ع) سؤال شد : شخصی به فردی زردشتی یا یهودی یا مسیحی یا به کسی که کارگزار و از بزرگان ایالتی از سرزمین اوست نیازی دارد وی با توجه به احتیاجی که دارد ناچار است به او نامه بنویسد، آیا در نامه اش نام آن کافر را بنویسد و برای برآوردن حاجتش بر او سلام کند.

امام فرمود : نوشتن نام او در اوّل نامه جایز نیست ولی در نامه‌ات بر او سلام کن، پیامبر خدا (ص) به پادشاه ایران و روم نامه می‌نوشت.

۵۵- باب استحباب سلام کردن بر خضر (ع) هر گاه نام وی برده شود

۱- حسن بن علی بن فضال گوید : از ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) شنیدم که می‌فرمود : خضر آب حیات نوشیده و تا نفخه صور نمی‌میرد، او به نزد ما می‌آید و بر ما سلام می‌کند، و صدای او را می‌شنویم اما خودش را نمی‌بینیم، هر جا نام او برده شود حاضر است، هر کس از شما نام او را ببرد بر او سلام کند.

۵۶- باب استحباب چشم پوشی و گذشت نسبت به دوستان

۱- ثعلبة بن میمون گوید : عده‌ای در خدمت امام صادق (ع) بودند و امام بر ایشان حدیث می‌فرمود، یکی از آنان نام شخصی را ذکر کرد و به او بدگفت و نزد امام شکایت کرد، امام فرمود : کجا می‌توانی کسی را پیدا کنی که در دوستی کامل باشد، و کو مردان کاملاً وارسته؟

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : در باره [باطن و جزئیات روحی] اشخاص زیاد تحقیق نکن که بی‌دوست باقی خواهی ماند.

۳- ضحاک بن مخلد گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که : انصاف نیست که از دوستان عدالت کامل را انتظار داشته باشید.

۵۷- باب استحباب دعا برای عطسه‌کننده مسلمان

۱- امام صادق (ع) فرموده : فرد مسلمان نسبت به برادر مسلمان خود دارای حقوقی است. ۱- وقتی او را ملاقات می‌کند سلام کند. ۲- در موقع بیماری از او عیادت کند. ۳- در غیاب او دوستی خالص باشد. ۴- هنگام عطسه کردن برایش دعا کند، عطسه‌کننده بگوید «الحمد لله رب العالمین، لا شریک له». و برادر مسلمانش بگوید : «یرحمک الله» و او در پاسخ بگوید «یهدیکم الله و یصلح بالکم» (خدا شما را هدایت کند و زندگی شما را بهبود بخشد). ۵- دعوتش را بپذیرد. ۶- وقتی بمیرد جنازه اش را تشییع کند.

۲- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : هر گاه شخصی عطسه کرد به او دعا کنید و لو از پشت جزیره [از راه دور] باشد.

۳- در روایت دیگری آمده است : اگر چه از آن طرف دریا باشد.

۴- اسحاق بن یزید و معمر بن اَبی زیاد و ابن رثاب گویند : در نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم که مردی عطسه کرد هیچ کس دعا نکرد، حضرت برایش دعا کرد و فرمود : «سبحان الله» چرا دعا نکردید؟ از حقوق مسلمان بر برادرش این است که ۱- وقتی مریض شود از او عیادت کند. ۲- دعوت او را بپذیرد. ۳- در تشییع جنازه اش حاضر شود. ۴- موقع عطسه کردن به او دعا کند.

۵- داود بن حصین گوید : با چهارده نفر نزد امام صادق (ع) بودیم امام (ع) عطسه کرد هیچ کس سخن نگفت، امام فرمود : چرا دعا نکردید؟ از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن آن است که ۱- هر گاه مریض شود از او

عیادت کند. ۲- وقت مرگ در تشییع جنازه اش شرکت نماید. ۳- موقع عطسه کردن به او دعا کند. ۴- دعوت او را بپذیرد.

۵۸- باب نحوه دعا کردن برای عطسه و پاسخ دادن

۱- سعد بن ابی خلف گوید : امام باقر (ع) عطسه کرد به آن حضرت گفته شد «یرحمک الله» (رحمت خدا بر تو باد). امام در پاسخ فرمود : « یغفر الله لکم و یرحمکم » (خدا شما را بیامرزد و رحمت کند). هر گاه شخصی در نزد او عطسه می‌کرد می‌فرمود :

«یرحمک الله عزّ و جلّ»

۲- امام محمد باقر (ع) فرمود : هر گاه شخصی عطسه کند باید بگوید :

« الحمد لله لا شریک له » (سپاس خدایی را که شریکی برای او نیست) و کسی که برای او دعا می‌کند باید بگوید :

«یرحمک الله» (خدا تو را رحمت کند). و عطسه‌کننده در پاسخ بگوید :

« یغفر الله لك و لنا » (خدا تو و ما را بیامرزد). (و آن حضرت فرمود) از رسول خدا در باره آیه‌ای از قرآن یا چیزی که در آن نام خدا باشد سؤال شد، فرمود : هر چه نام خدا و یاد خدای عزّ و جلّ در آن باشد نیکوست.

۳- در کتاب خصال شیخ صدوق از حضرت علی (ع) نقل شده است : هر گاه کسی از شما عطسه کرد پس برایش دعا کنید و بگویید :

«یرحمکم الله» (خدا شما را بیامرزد). و او بگوید :

« یغفر الله لکم و یرحمکم » (خدا شما را بیامرزد و رحمت کند). زیرا خداوند فرموده است : «چون کسی به شما تحیت گفت، پس تحیت دهید به خوبتر از آن یا ردّ کنید همان را»

۵۹- باب جواز دعای کودک برای زن وقتی که عطسه کند

۱- نسیم خادم امام حسن عسکری (ع) گوید : يك شب بعد از تولد صاحب الزمان (ع) بر آن حضرت وارد شدم و در حضورش عطسه کردم، فرمود : «یرحمک الله» از این سخن خوشحال شدم. سپس فرمود : تو را در باره اثر عطسه بشارت می‌دهم که عطسه سه روز امان از مرگ است.

۶۰- باب استحباب عطسه کردن و کراهت عطسه‌های زشت

۱- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید : از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود : خمیازه و دهن درّه از شیطان [زشت] و عطسه از خدای عزّ و جلّ است. (خیر است).
۲- امام صادق (ع) فرمود : عطسه برای تمام بدن مفید است در صورتی که از سه مرتبه تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد نشانه درد و بیماری است.
۳- ابو بکر حضر می‌گوید : در باره قول خدای عزّ و جلّ که «إِنَّ أُنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» از امام صادق (ع) سؤال کردم، فرمود : منظور عطسه زشت است.
۴- مردی از اهل سنّت از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود : عطسه مانند نطفه از تمام بدن خارج می‌شود گرچه نطفه از آلت مردی خارج می‌گردد، دیده‌ای که وقتی انسان عطسه می‌کند تمام اعضایش تکان می‌خورد؟ و کسی که عطسه می‌کند تا هفت روز از مرگ در امان است.

۶۱- باب استحباب تکرار دعای عطسه‌های پی در پی تا سه مرتبه

۱- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه شخصی تا سه مرتبه عطسه کند به او دعا کن و اگر بیشتر شد دعا لازم نیست.

۲- امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است که حضرت علی (ع) فرمود : برای عطسه‌کننده تا سه مرتبه «یرحمکم الله» بگو و اگر از سه مرتبه تجاوز کند نیازی به دعا نیست.

۳- در حدیث دیگری آن حضرت فرموده است : اگر از سه عطسه تجاوز کند به او گفته شود «شفاک الله» (خدا تو را شفا دهد) زیرا آن عطسه در اثر بیماری است.

۶۲- باب استحباب «الحمد لله» گفتن در موقع عطسه

۱- صالح بن ابی حمّاد گوید : از عالم آل محمد امام موسی کاظم (ع) در باره عطسه و علت «الحمد لله» گفتن پرسیدم، فرمود : سلامتی بدن و اعضا و جوارح نعمتی است از جانب خدا برای بنده اش، که ممکن است بنده این نعمت را فراموش کند لذا خدا بادی را امر می‌کند که از بدنش به صورت عطسه از بینی او خارج شود و بنده در موقع عطسه خدا را ستایش کند؛ بنا بر این گفتن «الحمد لله» در موقع عطسه شکر و سپاسی است برای نعمتی که فراموش کرده بود.

۲- امام صادق (ع) فرموده : نوجوانی که به حد بلوغ نرسیده بود در نزد پیامبر (ص) عطسه زد و گفت «الحمد لله» پیامبر (ص) به او فرمود :

«بارک الله فیک» خدا مبارک کند بر تو.

۳- مسمع بن عبد الملك گوید : امام صادق (ع) عطسه کرد، پس فرمود :

«الحمد لله رب العالمين»

سپس انگشت روی بینی گذاشت و گفت :
بینی من با تواضع و فروتنی در مقابل خدا
بر خاک است.

۴- امام صادق (ع) فرمود : وقتی عطسه
کسی را بشنوید اول به او دعا کنید
[یرحمکم الله بگویید سپس با او سخن بگویید.
۵- امیر المؤمنین (ع) فرمود : هر کس
موقع عطسه زدن بگوید :

«الحمد لله رب العالمین علی کل حال»

(در هر حال سپاس و ستایش خدای را که
پروردگار جهانیان است)، به درد گوش و
دندان مبتلا نخواهد شد.

۶- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا
نقل فرموده است : هر گاه شخص مسلمان
عطسه کند و به واسطه دردی که دارد سکوت
کند

[الحمد لله نگوید] فرشتگان از جانب او
می‌گویند «الحمد لله رب العالمین» ، و
اگر خودش گفت «الحمد لله رب العالمین»
ملائکه می‌گویند «یغفر الله لك» خدا تو را
بیامرزد. و نیز امام از پیامبر (ص) نقل
کرده که : عطسه برای مریض نشانه سلامتی و
راحتی بدن است.

۶۳- باب استحباب صلوات بر محمد و خاندانش برای کسی که عطسه می‌کند یا می‌شنود

۱- ابن ابی عمیر از یکی از دوستانش نقل کرده است : مردی نزد امام باقر (ع) عطسه کرد و گفت «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» امام (ع) به او دعا نکرد و فرمود : «از حق ما کاست». سپس گفت هر گاه کسی از شما عطسه کند بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ». . آن مرد این دعا را گفت و امام برای او دعا کرد.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر که عطسه‌ای بشنود و

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید و صلوات بفرستد به درد چشم و درد دندان گرفتار نخواهد شد؛ سپس فرمود : اگر عطسه‌ای بشنوی این دعا را بگو اگر چه بین تو و او دریایی فاصله باشد.

۳- جابر گوید : امام باقر (ع) فرمود : عطسه نیکوست، به جسم فایده می‌رساند و خدای عز و جل را به یاد می‌آورد، به امام گفتم در نزد ما گروهی هستند که می‌گویند : برای پیامبر نصیبی از دعای عطسه نیست، امام فرمود : اگر دروغ بگویند شفاعت محمد (ص) به آنها نخواهد رسید.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هر کس عطسه کند و دستش را بر تیغه بینی بگذارد و بگوید

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَمْدًا كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» سپاس و ستایش فراوان خدای را که پروردگار جهانیان و شایسته حمد است،

و درود خدا بر پیامبر و خاندانش، پرنده کوچکی از بینی او خارج شده تا زیر عرش پرواز می‌کند و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می‌نماید.

۶۴- درود بر محمد (ص) و خاندانش هنگام عطسه، و ذبح حیوانات و جماع مکروه نیست بلکه مستحب است

۱- فضیل بن یسار گوید : به امام باقر (ع) عرض کردم : مردم در سه مورد صلوات بر محمد و خاندانش را نمی‌پسندند : ۱- هنگام عطسه ۲- در موقع سر بریدن حیوانات. ۳- هنگام جماع. امام فرمود : چه شده است آنها را؟ وای بر آنان، منافق شده‌اند، لعنت خدا بر آنان باد.

۲- در کتاب عیون اخبار الرضا نقل شده است : در نامه‌ای که امام رضا (ع) به مأمون نوشت، فرمود : صلوات بر پیامبر (ص) در هر جا لازم است از جمله هنگام عطسه کردن و سر بریدن حیوانات و غیر آن.

۶۵- باب جواز دعای عطسه برای ذمی و دعا برای هدایت وی

۱- ابن ابی نجران از بعضی از دوستانش نقل کرده است که : مردی مسیحی در نزد امام صادق (ع) عطسه کرد، مردم به او گفتند «هداک الله» خدا تو را هدایت کند، امام فرمود :

«یرحمک الله» خدا تو را بیامرزد، اصحاب گفتند : او مسیحی است، امام پاسخ داد : تا خدا او را نیامرزد هدایت نمی‌کند.

۶۶- اگر گفتاری با عطسه مقارن باشد جایز است آن عطسه را دلیل بر راستی سخن گوینده دانست

۱- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : عطسه دلیل بر راستی گفتار گوینده است.

۲- و نیز آن حضرت از پیامبر (ص) نقل فرموده است : اگر کسی سخن بگوید و در همان حال فردی عطسه بزند گواه بر درستی گفتار اوست.

۶۷- باب استحباب احترام و بزرگداشت شخص مسنّ مؤمن

۱- عبد الله بن سنان گوید : امام جعفر صادق (ع) به من فرمود : تجلیل از پیر مرد تجلیل از خدای عزّ و جلّ است.

۲- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‌های تجلیل از خدای عزّ و جلّ تجلیل و بزرگداشت مسلمانی است که [در اثر پیری] دارای موی سفید باشد.

۳- امام جعفر صادق (ع) فرمود : کسی که به بزرگ ما احترام و به کوچک ما رحم نکند از ما نیست.

۴- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‌های تجلیل از خدای عزّ و جلّ تجلیل از مؤمنی است که [در اثر پیری] موی او سفید شده، و هر کس مؤمنی را گرامی بدارد خدا را احترام کرده است و، کسی که به مؤمن پیر اهانت کند خدا قبل از مرگش کسی را می‌فرستد که به او توهین نماید.

۵- امام جعفر صادق (ع) فرمود : سه کس حقشان ناشناخته نمی‌ماند مگر از جانب منافقی که به نفاق شناخته شده باشد [در حدّ اعلای نفاق باشد - ۱]. کسی که مویش را

- در اسلام سفید کرده باشد. ۲- حافظ قرآن.
- ۳- پیشوای عادل.
- ۶- امام صادق (ع) فرمود: بزرگان خویش را احترام کنید و صله رحم نمایید.
- ۷- با اسنادی مانند این حدیث از آن حضرت نقل شده و در آن اضافه شده است: بهترین صله رحم خودداری از آزار و اذیت نزدیکان است.
- ۸- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرمود: تجلیل از مسلمان پیر تجلیل از خداست.
- ۹- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است: هر کس شخص مسنی را بخاطر پیری او احترام کند خدا او را از ترس و وحشت روز قیامت در امان خواهد داشت.
- ۱۰- و نیز آن حضرت فرموده است: هر کس پیری را که مویش را در اسلام سفید کرده است احترام کند خدا او را از وحشت روز قیامت در امان دارد.
- ۱۱- پیامبر (ص) فرموده: کسی که نسبت به فضیلت شخص مسن شناخت داشته باشد و او را احترام کند خدا او را از وحشت روز قیامت در امان می‌دارد.
- و نیز فرمود: تجلیل از پیرمرد مؤمن احترام به خداست.
- ۱۲- امام صادق (ع) فرمود: کسی که برای اشخاص فضیلتی قائل نباشد از بابت اندیشه خویش مغرور است.
- ۱۳- رسول خدا (ص) فرمود: پیران را تجلیل کنید زیرا احترام به بزرگسالان تجلیل از خداست.

۶۸- باب استحباب احترام کریم و شریف ۱- حَجَّال گوید

: از جمیل بن درّاج سؤال کردم درست است که رسول خدا (ص) فرموده است : هر گاه شرافتمند قومی به نزد شما بیاید او را احترام کنید؟

گفت : بلی، پرسیدم شریف کیست؟ گفت از امام صادق (ع) در این باره پرسیدم، امام فرمود : شریف کسی است که دارای مال باشد، از امام پرسیدم حسب چیست؟ فرمود : آن که به وسیله مال و غیر آن کارهای پسندیده انجام دهد، سؤال کردم کرم چیست؟ فرمود : پرهیزگاری.

۲- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده : وقتی سخاوتمندی به نزد شما بیاید او را احترام کنید.

۳- امام جعفر صادق (ع) از پیامبر نقل فرمود : هر گاه سخاوتمند قومی به نزد شما بیاید او را گرامی بدارید.

۴- عبد الله علوی از جدش نقل کرده است که امیر المؤمنین (ع) فرمود :

وقتی که عدی پسر حاتم به خدمت پیامبر (ص) رسید پیامبر او را به خانه خویش برد و تنها حصیر و بالشی از پوست که در خانه داشت برایش پهن کرد و او را روی آن نشانده.

۶۹- باب کراهت نپذیرفتن تکریم و احترام مانند نپذیرفتن متکا و بوی خوش

۱- امام صادق (ع) فرمود : دو نفر بر حضرت علی (ع) وارد شدند، حضرت برای هر کدام تشکی گذاشت، یکی روی آن نشست و دیگری امتناع کرد، حضرت به او فرمود : روی آن بنشین زیرا هیچ کس از پذیرفتن احترام خودداری نمی‌کند مگر الاغ.

۲- ابو الحسن امام موسی کاظم (ع) فرمود : امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمود :

از پذیرفتن احترام خودداری نمی‌کند مگر الاغ، پرسیدم مقصود از احترام چیست؟ فرمود : جا دادن به شخص در مجلس، و بوی خوش که به او تعارف می‌شود.

۳- علی بن جهم گوید : از ابو الحسن امام کاظم (ع) شنیده‌ام که می‌فرمود : از پذیرفتن احترام خودداری نمی‌کند مگر الاغ، سؤال کردم منظور از احترام چیست؟ فرمود : چیزی مانند بوی خوش و هر چه انسان بدان احترام می‌شود. ۴- ابو زید مکی گوید : از امام موسی کاظم (ع) شنیدم که می‌فرمود : از پذیرفتن احترام خودداری نمی‌کند مگر الاغ، و منظور امام از آن بوی خوش و متکا بود.

۵- بزندی از ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) نقل کرده است که حضرت علی (ع) فرمود : از پذیرفتن احترام خودداری نمی‌کند مگر الاغ، از امام رضا (ع) پرسیدم : منظور چیست؟ فرمود : آن کرامت [احترام] شامل بوی خوش و جا دادن در مجلس می‌شود که هر کس این دو را نپذیرد چنان است که گفته شد.

۶- سماعة بن مهران گوید : از امام صادق (ع) پرسیدم اگر کسی عطری را که به او تعارف می‌شود ردّ کند چگونه است؟ فرمود

: شایسته نیست کرامت و احترام را رد نماید.

۷- در کتاب قرب الاسناد از حضرت علی (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمود : هر گاه کرامتی بر شما عرضه شد آن را رد نکنید زیرا الاغ است که احترام را رد می‌کند.

۷۰- باب استحباب استقبال و بدرقه از مهمان و اطاعت مهمان از صاحب خانه ۱-
امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : از جمله حقوق مهمان بر صاحب خانه آن است که : صاحب خانه با آرامش و وقار در موقع ورود و خروج مهمان چند قدمی با وی برود.
و نیز آن حضرت از رسول خدا (ص) نقل فرموده است هنگامی که کسی به خانه برادر مسلمانش وارد می‌شود تا زمانی که از آنجا خارج شود صاحب خانه بر او فرمانرواست.

۷۱- کسی که دوستش را برای مطلبی امین دانسته است جایز نیست آن مطلب را بدون اجازه اش بازگو کند مگر به عنوان ذکر خیر یا شهادت برای کار حرامی که انجام شده است ۱- امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : مجلسها امانت است [یعنی سخنی که در مجلسی گفته می‌شود حکم امانت دارد و نباید برای دیگران گفته شود].

۲- ابن ابی عوف گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : مجلسها امانت است.
۳- امام جعفر صادق (ع) فرمود : مجلسها امانت است، و جایز نیست سخن کسی را که می‌خواهد پوشیده بماند برای دیگران نقل کنند مگر با اجازه او، یا برای فرد مورد اطمینان، یا برای ذکر خیر او.

۴- جابر بن عبد الله انصاری گوید : پیامبر خدا (ص) فرمود : مجلسها امانت است مگر در سه مورد : ۱- مجلسی که در آن خونی به ناحق ریخته شده باشد.
۲- جایی که در آن مرتکب زنا شده‌اند.
۳- مجلسی که در آن به ناحق مال حرامی را حلال کنند.

۷۲- هر گاه سه نفر با هم باشند کراهت دارد دو نفر از آنها در گوشی صحبت کنند
۱- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه سه نفر با هم باشند نباید دو نفر از آنان با یک دیگر در گوشی صحبت کنند زیرا این کار نفر سوم را اندوهگین و آزرده خاطر می‌کند.

۲- امام کاظم (ع) فرمود : هر گاه سه نفر در خانه‌ای باشند نباید دو نفر از آنان با هم در گوشی صحبت کنند زیرا این کار دوستشان را غمگین می‌سازد.

۷۳- باب کراهت قطع کردن سخن مسلمان ۱-
امام جعفر صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : کسی که سخن برادر مسلمانش را قطع کند مانند آن است که صورت او را بخرشد.

۷۴- باب استحباب یا کراهت کیفیت نشستن

۱- عبد العظیم بن عبد الله علوی (در حدیث مرفوعه) گوید : پیامبر سه جور می‌نشست :
۱- سر پا به این ترتیب که ساقهای پا را بلند می‌کرد و دو زانو را در میان دو دست خویش حلقه‌وار می‌گرفت [و رانها را به شکم می‌چسباند - ۲]. دو زانو می‌نشست. ۳- يك پا را خم می‌کرد و پای دیگر را روی آن می‌انداخت، و هرگز دیده نشد که آن حضرت چهار زانو بنشیند.

۲- ابو حمزه ثمالی گوید : علی بن الحسین (ع) را در حالی نشسته دیدم که یک پایش را روی ران دیگر گذاشته بود؛ عرض کردم مردم [قوم یهود به استناد حدیث بعد] این گونه نشستن را نمی‌پسندند و می‌گویند مانند نشستن پروردگار است، امام فرمود : این نحوه نشستن من در اثر خستگی است، در صورتی که پروردگار خسته نمی‌شود و چرتش نمی‌گیرد و در خواب نمی‌رود.

۳- حماد بن عثمان گوید : امام صادق (ع) نشسته بود در حالی که پای راست آن حضرت روی ران چپ بود، شخصی عرض کرد : فدایت شوم این گونه نشستن مکروه است، امام فرمود : نه، این سخن یهود است که می‌گویند وقتی خدا از خلقت آسمانها و زمین فارغ شد بر عرش جای گرفت و این گونه نشست تا استراحت کند، پس خدا این آیه را نازل کرد : «خدا نیست خدایی جز او که زنده و قائم به ذات خویش است، او را چرت و خواب نمی‌گیرد». و امام صادق (ع) همان طور که نشسته بود باقی ماند.

۴- در کتاب مکارم الاخلاق آمده است که رسول خدا هر گاه می‌نشست ساقهای پا را از زمین بلند می‌کرد و زانوهای او را در میان دو دست خود حلقه وار می‌گرفت.

۷۵- مستحب است در مجلس انسان به عنوان تواضع جایی پایین‌تر از شأن خود بنشیند

۱- امام صادق (ع) فرمود : کسی که راضی شود در پایین مجلس بنشیند تا وقتی که از جایش بلند شود ملائکه بر او درود می‌فرستند.

۲- امام جعفر صادق (ع) نقل فرموده است که پیامبر (ص) هر گاه وارد منزلی می‌شد در پایین مجلس می‌نشست.

۳- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‌های تواضع این است که انسان در جایی پایین‌تر از شأن خود بنشیند.

۴- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‌های تواضع آن است که ۱- به نشستن در پایین مجلس خوشنود باشی. ۲- به کسی که او را ملاقات می‌کنی سلام نمایی.

۳- مجادله و بگو و مگو را رها کنی اگر چه حق با تو باشد. ۴- دوست نداشته باشی به خاطر تقوایی که دارای ستایش شوی.

۵- ابن عباس گوید : رسول خدا (ص) روی زمین می‌نشست، روی زمین غذا می‌خورد، و با دست خویش گوسفندان را می‌بست، و دعوت بردگان را حتی برای نان جو می‌پذیرفت.

۶- مصعب بن شیبه گوید : پیامبر خدا (ص) فرمود : وقتی گروهی در مجلسی نشسته‌اند و کسی وارد می‌شود اگر به وی جا دهند باید بپذیرد زیرا بدین وسیله به او احترام گذاشته‌اند، و اگر به او جا ندهند در هر جا خالی هست بنشیند.

۷۶- باب استحباب رو به قبله نشستن

۱- حماد بن عثمان گوید : امام صادق (ع) را می‌دیدم که در خانه‌اش رو به قبله می‌نشاند.

۲- امام صادق (ع) فرمود : پیامبر خدا (ص) اکثراً رو به قبله می‌نشست.

۳- شیخ بهایی در کتاب «مفتاح الفلاح» روایت کرده که از ائمه علیهم السلام روایت شده است : بهترین نوع نشستن آن است که رو به قبله باشد.

۷۷- باب کراهت نشستن روبروی خورشید ۱-

سهل بن زیاد در حدیثی که سند آن به حضرت علی (ع) می‌رسد از آن حضرت نقل کرده است روبروی خورشید ننشینید زیرا آن آتشدانی است که باعث رنگ پریدگی و کهنه شدن لباس، و آشکار شدن دردهای پنهانی می‌گردد.

۲- امام موسی کاظم از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: در خورشید چهار خصلت است:

- ۱- رنگ را تغییر می‌دهد. ۲- باد را گندیده می‌کند. ۳- لباس را کهنه می‌سازد. ۴- ایجاد درد می‌کند.
- ۳- حضرت علی (ع) «در حدیث اربعمائه» فرموده است: پشت به آفتاب بنشینید زیرا خورشید دردهای پنهانی را آشکار می‌سازد.

۷۸- باب استحباب نشستن در خانه غیر در هر جایی که صاحب خانه بخواهد

۱- امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل فرموده است: هر گاه کسی وارد خانه برادر مؤمنش شود هر جا صاحب خانه امر کند بنشیند زیرا صاحب خانه آشناتر است به خانه و محرم بودن آن.

۷۹- باب استحباب نشستن روی دو پا و در

بغل گرفتن زانوها ۱- ابو الحسن امام کاظم (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: روی پا نشستن و زانوها را در بغل گرفتن به منزله دیوار عربهاست.

۲- سماعة گوید: از امام صادق (ع) در باره مردی که خودش را با يك جامه بپوشاند سؤال کردم، امام فرمود: اگر لباس عورتش را بپوشاند اشکال ندارد.

۸۰- باب استحباب شوخی و خنده کم ۱-

معمر بن خلّاد گوید : به ابو الحسن امام کاظم (ع) عرض کردم فدایت شوم عده‌ای با هم هستند و شوخی می‌کنند و می‌خندند، امام فرمود : اشکال ندارد اگر در آن نباشد؛ فهمیدم منظور امام این است که در آن شوخی، فحش و هرزه گویی نباشد. سپس فرمود : عرب صحرائشینی هدیه‌ای برای پیامبر (ص) آورد، و به پیامبر (ص) عرض کرد : پول هدیه مرا بدهید، رسول خدا (ص) خندید، و هنگامی که غمگین می‌شد می‌فرمود : آن عرب چه شد؟ ای کاش به نزد ما می‌آمد.

۲- ابو الحسن اول امام موسی کاظم (ع) فرمود : یحیی بن زکریّا گریه می‌کرد و نمی‌خندید، اما عیسی بن مریم می‌خندید و گریه هم می‌کرد و عمل حضرت عیسی (ع) بهتر از عمل حضرت یحیی (ع) بود.

۳- فضل بن ابی قرّة گوید : امام صادق (ع) فرمود : هر مؤمنی دارای دعابه است، پرسیدم دعابه چیست؟ فرمود : شوخی.

۴- یونس بن شیبانی گوید : امام صادق (ع) سؤال کرد : چگونه است وضع شوخی کردن شما مؤمنین با يك دیگر؟ عرض کردم کم است فرمود : شوخی را ترك نکنید زیرا شوخی نشانه خوش خلقی است، و بدین وسیله برادرت را خوشحال می‌کنی، رسول خدا (ص) با مردم شوخی می‌کرد و می‌خواست آنها را خوشحال کند.

۵- عبد الله بن محمد جعفری گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود :

کسی را که در بین مردم شوخی می‌کند خدا دوست دارد در صورتی که به فحش نینجامد.

۶- حمران بن اعین گوید : به خدمت امام محمد باقر (ع) رسیدم و عرض کردم مرا نصیحت کنید، فرمود : تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، از شوخی بپرهیز زیرا احترام و آبروی شخص را می‌برد.

۷- امام جعفر صادق (ع) از پدراناش (ع) نقل فرموده است که پیامبر (ص) در وصیتش به علی (ع) فرمود: «یا علی شوخی نکن زیرا آبرویت را می‌برد و دروغ مگو که نورانیت را از تو می‌گیرد. (مرحوم علامه می‌فرمایند منظور در این احادیث شوخی زیاد است).

۸۱- باب کراهت قهقهه زدن و استحباب تبسم
۱- امام صادق (ع) فرمود: قهقهه زدن از شیطان است.
۲- امام محمد باقر (ع) فرمود: اگر قهقهه زدی پس از آن بگو «خدایا مرا دشمن مدار».
۳- امام صادق (ع) فرمود: خنده مؤمن تبسم است.

۸۲- باب کراهت خنده بدون علت
۱- امام صادق (ع) فرمود: خنده بدون سبب نشانه نادانی است. و می‌فرمود:
در موقع خنده نباید دندانهای جلو دهان دیده شود، که در این صورت عمل ناپسندی انجام داده‌ای، کسی که بدی مرتکب می‌شود از شبیخون در امان نمی‌ماند.
۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود: چه بسیارند کسانی که خنده بیهوده می‌کنند و گریه آنها در روز قیامت زیاد است، و چه بسیارند کسانی که از خوف خدا زیاد گریه می‌کنند و در روز قیامت در بهشت خنده و شادی آنان زیاد است.
۳- امام صادق (ع) فرمود: سه چیز مورد غضب شدید خداست: ۱- خوابیدن بدون شبزنده‌داری. ۲- خنده بدون علت. ۳- غذا خوردن از روی سیری.
۴- امام صادق (ع) فرمود: در مدینه مردی بیکاره مردم را می‌خندانید و می‌گفت علی بن الحسین (ع) مرا خسته کرد چرا که

نتوانستم او را بخندانم در همین حدیث آمده است که امام زین العابدین (ع) فرمود : به او بگویید : «مسلم برای خدا روزی است که بیکاره‌ها در آن روز [قیامت] زیان می‌کنند.

۸۳- باب کراهت شوخی و خنده زیاد ۱-

امام صادق (ع) فرمود : از شوخی پرهیزید زیرا آبرو را می‌برد.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خنده زیاد قلب را می‌میراند.

و نیز فرمود : خنده زیاد دین را ذوب می‌کند همچنان که آب نمک را در خود حل می‌نماید.

۳- امام صادق (ع) فرمود با کسی که او را دوست داری شوخی و مجادله مکن.

۴- عنبسه عابد گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : خنده زیاد آبرو را می‌برد.

۵- عنبسه نیز می‌گوید : از آن حضرت شنیدم که فرمود : شوخی دشنام کوچک است.

۶- امام صادق (ع) فرمود : مجادله نکن، زیرا آبروی تو می‌رود، و شوخی نکن که نسبت به تو گستاخ می‌شوند.

۷- امام باقر (ع) فرمود : شوخی زیاد آبرو را می‌برد، و خنده زیاد ایمان را به يك سو پرتاب می‌کند [از بین می‌برد]

۸- ابو الحسن امام موسی کاظم (ع) در وصیت به بعضی از فرزندان فرموده است : از شوخی پرهیز زیرا نور ایمان را از تو می‌برد و مروّت و مردانگی تو را سبک می‌سازد.

۹- امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) نقل فرموده است : از شوخی پرهیز زیرا شوخی باعث کینه و دشمنی شده و فحش کوچک است.

- ۱۰- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از شوخی بپرهیز زیرا آبرو و شکوه و عظمت اشخاص را از بین می‌برد.
- ۱۱- امام صادق (ع) فرمود : شوخی نکن چون نسبت به تو گستاخ می‌شوند.
- ۱۲- امام صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است : که پیامبر خدا (ص) فرموده : شوخی زیاد آبرو را می‌برد، و خنده زیاد ایمان را نابود می‌کند، و دروغ زیاد نور ایمان را می‌برد.
- ۱۳- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که حضرت علی (ع) فرموده است : خنده پیامبر (ص) تبسم بود، روزی بر گروهی از انصار گذشت و دید با يك ديگر صحبت می‌کنند و دهانشان پر از خنده است فرمود : ای گروه دست بازدارید. اگر کسی را آرزویش مغرور کند و او را از عمل خیر بازدارد به گورستان سری بزند، و رستاخیز را به یاد آورد، مرگ را به یاد آورد زیرا مرگ درهم شکننده لذتهاست.
- ۱۴- عبد الله بن جعفری گوید : از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود : خدا کسی را که در حضور جمعی شوخی می‌کند دوست دارد مشروط بر این که شوخی به فحش کشانده نشود، و کسی را که در تنهایی بیندیشد، و در خلوت پند و اندرز گیرد، و به نماز خواندن افتخار ورزد دوست دارد.
- ۱۵- امام صادق (ع) از پدرش نقل فرموده است که داود به سلیمان (ع) گفت : پسر من از خنده زیاد بپرهیز، زیرا خنده زیاد انسان را در روز قیامت تهیدست رها می‌کند.
- ۱۶- سید رضی در نهج البلاغه از امیر المؤمنین (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود : شخص شوخی نمی‌کند مگر این که چیزی از عقلش پریده باشد.

۸۴- باب استحباب تبسم بر چهره مؤمن ۱-

در کتاب «الاخوان» از حضرت رضا (ع) نقل شده است: هر کس بر صورت خود گلاب بپاشد و برای حاجتی از خانه خارج شود دچار تنگدستی و خواری نگردد، و هر کس از بقیه آبی که برادر مؤمنش آشامیده به منظور تواضع بنوشد خدا حتما او را وارد بهشت می‌کند، و کسی که بر چهره برادر مؤمنش تبسم زند خدا برایش حسنه می‌نویسد، و کسی که خدا برایش حسنه بنویسد او را عذاب نخواهد کرد.

۲- امام باقر (ع) فرمود: تبسم مؤمن بر چهره برادرش حسنه است، و پاک کردن گرد و غبار از چهره مؤمن نیز حسنه می‌باشد، و هیچ عبادتی مانند خوشحال کردن مؤمن نیست.

۳- امام صادق (ع) فرمود: هر که از چهره برادر مؤمنش گرد و غبار غم بزدايد خدا برای او ده حسنه می‌نویسد، و کسی که بر چهره برادرش تبسم زند برای او حسنه‌ای است.

۸۵- باب استحباب صبر کردن بر اذیت

همسایه و دیگران

۱- عمرو بن عکرمه گوید: به خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم همسایه‌ای دارم که مرا اذیت می‌کند، امام فرمود: با او مهربان باش گفتم: خدا به او رحم نکند، آن حضرت صورتش را از من برگرداند، من نخواستم با آن وضع از امام جدا شوم، لذا توضیح دادم که وی به صورتهای مختلف مرا اذیت می‌کند، فرمود: گمان می‌کنی اگر آشکارا با او دشمنی کنی می‌توانی از او انتقام بگیری؟

گفتم او را به اطاعت خود وامی‌دارم، فرمود این همسایه تو از اشخاصی است که نسبت به کسانی که خدا به آنها چیزی

بخشیده حسد می‌ورزد، پس هر گاه نعمتی برای کسی دید اگر اهل و عیالی داشته باشد آنها را اذیت می‌کند و اگر اهل و عیالی ندارد به خدمتگزارش اعتراض می‌نماید و اگر خدمتگزار نداشته باشد شبها را به بیداری و روزها را به جوش و خروش به سر می‌برد.

۲- عبد صالح (امام موسی کاظم (ع) فرمود: تنها خوشرفتاری با همسایه خودداری از اذیت او نیست، بلکه تحمل اذیت و آزار اوست.

۳- امام صادق (ع) فرمود: مؤمن از یکی از سه چیز خلاصی ندارد و گاهی هر سه در او جمع می‌شود، یا بعضی از افراد خانه در را به رویش می‌بنند و بدین وسیله او را اذیت می‌کنند، یا همسایه او را اذیت می‌کند، یا کسی در راه برآوردن نیازمندیهایش به او آزار می‌رساند، و اگر مؤمن بر قلّه کوهی باشد خدای عزّ و جلّ شیطانی را می‌فرستد تا او را اذیت کند و در عین حال او را با ایمانش مأنوس می‌کند که از هیچ کس وحشت نداشته باشد.

۴- امام جعفر صادق (ع) فرمود: در عالم نبوده و نمی‌باشد و نخواهد بود مؤمنی مگر این که دارای همسایه‌ای باشد که او را اذیت کند و اگر مؤمن در جزیره‌ای از جزیره‌های دریا باشد خدا کسی را می‌فرستد که او را اذیت نماید.

۵- امام صادق (ع) فرمود: در گذشته و در آینده و زمانی که شما در آن به سر می‌برید مؤمنی نبوده و نمی‌باشد مگر این که دارای همسایه‌ای است که او را اذیت می‌کند.

۶- معاویّه بن عمّار گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود مگر

این که دارای همسایه‌ای باشد که به او آزار رساند.

۷- امام محمد باقر (ع) فرمود : مردی به نزد پیامبر (ص) آمد و شکایت کرد که همسایه‌اش او را اذیت می‌کند، رسول خدا (ص) به او فرمود : صبر کن، مجدداً آمد و از همسایه‌اش شکایت کرد، باز هم پیغمبر فرمود : صبر کن ...

۸- امام صادق (ع) فرمود : خوشرفتاری با همسایه روزی را زیاد می‌کند.

۹- امام جعفر صادق (ع) فرمود : اگر مؤمن در قلّه کوهی ساکن باشد خدا کسی را برای آزار او می‌فرستد تا از این طریق پاداشی از جانب خدا به او برسد.

۱۰- علی بن الحسین (ع) از پدر بزرگوارش امام حسین (ع) نقل کرده است که پیامبر خدا (ص) فرمود : من و پیامبران قبل از من پیوسته گرفتار کسانی بودیم که ما را اذیت می‌کردند، و اگر مؤمن بر سر کوهی باشد خدای عزّ و جلّ کسی را می‌رساند که او را آزار رساند و بدین طریق اجری به او برسد. و امیر المؤمنین (ع) فرمود : از زمانی که مادر مرا زاد پیوسته مظلوم بودم تا آنجا که عقیل [برادرم] مبتلا به درد چشم شد و می‌گفت مرا به دوش نکشید مگر این که علی را بر دوش حمل کنید در صورتی که چشم من درد نمی‌کرد.

۱۱- حضرت رضا (ع) از پدرانش نقل فرموده است که رسول خدا (ص) فرمود : هیچ مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود مگر این که دارای همسایه‌ای باشد که او را اذیت نماید.

۱۲- امام علی الثقی (ع) از پدرانش نقل کرده است که امام صادق (ع) فرمود : هیچ مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود مگر این که همسایه‌ای خواهد داشت تا او را اذیت کند. (و نیز) از امام صادق (ع)

نقل فرموده است که هر کس دنیایش گوارا و بدون گرفتاری باشد در دین او شك کنید. (و نیز امام علی النقی (ع) گوید : امام صادق (ع) فرمود : هر گاه دوستی از تو به امارت و ریاستی برسد و یکدهم قبل از ریاستش به تو توجه کند دوست بدی نیست. و امام باقر (ع) فرمود : بپرهیزید از فراست و زیرکی مؤمن، زیرا با نور الهی [حقایق را] می‌نگرد.

سپس این آیه را تلاوت فرمود «به تحقیق در این نشانه‌هاست برای صاحبان فراست»
۱۳- امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) نقل فرموده است : سه چیز از کارهای نیک است : سخاوتمندی، نیکویی در گفتار، و صبر بر اذیت و آزار.

۸۶- باب وجوب خودداری از آزار همسایه

۱- امام صادق (ع) (در حدیثی) فرموده است : مردی از انصار به نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد : از شخصی خانه‌ای خریده‌ام و نزدیکترین همسایه‌ام کسی است که امیدی به خیر او ندارم و از شرش در امان نیستم، رسول خدا (ص) به علی و سلمان و ابا ذر و یک نفر دیگر که گمان می‌کنم مقدار بود دستور داد در مسجد با صدای بلند اعلان کنند : ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از ظلم او در امان نباشد، آنها به مسجد رفته سه مرتبه با صدای بلند گفتند، سپس پیامبر (ص) با دستش به چهل منزل از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ اشاره کرد.

۲- امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل فرموده است که در کتاب علی (ع) خواندم که رسول خدا (ص) بین مهاجرین و انصار و کسانی از مردم یثرب [مدینه] که

ملحق به انصار هستند نوشت : همسایه به منزله خود انسان است که نباید زیان و گناهی به او برسد، و احترام همسایه نسبت به همسایه مانند احترام نسبت به مادر است.

۳- امام صادق (ع) فرمود : حضرت فاطمه (س) به نزد پیامبر (ص) آمد تا در باره بعضی امور شکایت کند، پیامبر لوحی به وی داد و فرمود : آنچه را که در آن نوشته شده است یاد بگیر. در آن لوح نوشته شده بود : هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه اش را اذیت نکند، هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را احترام کند، و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا باید سخن خیر بگوید یا سکوت کند.

۴- ابو حمزه گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : مؤمن کسی است که همسایه اش از بوائق او در امان باشد، پرسیدم «بوائق» چیست فرمود : ظلم و ستم او.

۵- امام صادق (ع) از پدراناش، از حضرت علی (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : هر کس همسایه اش را اذیت کند خدا بوی بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است، و بد جایگاهی است، و هر کس حق همسایه اش را ضایع کند از ما نیست، جبرئیل پیوسته مرا نسبت به همسایه سفارش می کرد به طوری که گمان کردم همسایه ارث می برد، و پیوسته مرا نسبت به بردگان سفارش می کرد تا این که گمان کردم زمانی برای آن در نظر گرفته شده که چون آن زمان فرا رسد آزاد شوند، و نیز مرا به مساواک کردن سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم واجب است، و به اندازه ای مرا به شبزنده داری سفارش می کرد که گمان کردم نیکان امت من هرگز نمی خوابند. ۶- امام

رضا (ع) فرمود : از صفات مؤمن این است که وقتی نیکی کند خوشحال می‌شود، و زمانی که دست به کار بدی بزند استغفار می‌کند، و مسلمان [حقیقی] کسی است که سایر مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، و آن که همسایه‌اش از ظلم او در امان نباشد از ما نیست.

۷- امام جعفر صادق (ع) فرمود : هر که از اذیت و آزار همسایه‌اش خودداری کند خدا در روز قیامت از لغزش وی صرف نظر می‌کند، و کسی که شکم و فرجش را پاک نگه دارد بهشت را برای او زینت می‌کنند، و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند خدا در بهشت برایش خانه‌ای بنا می‌کند.

۸۷- باب استحباب خوشرفتاری با همسایه

۱- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : خوشرفتاری با همسایه خانه‌ها را آباد و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خوشرفتاری با همسایه روزی را زیاد می‌کند.

۳- ابو مسعود گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : خوشرفتاری با همسایه باعث زیادی عمر و آبادی سرزمین گردد.

۴- امام صادق (ع) فرمود : خوشرفتاری با همسایه خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.

۵- ابو ربیع شامی گوید : امام صادق (ع) در حالی که خانه‌اش پر از جمعیت بود فرمود : آگاه باشید از ما نیست کسی که با همسایه‌اش خوشرفتاری نکند.

۸۸- باب استجاب طعام دادن به
همسایگان و وجوب آن در صورت ضرورت ۱-
امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل
فرموده است: کسی که شب را سیر بخوابد و
همسایه‌اش گرسنه باشد به من ایمان
نیآورده است.

و نیز فرمود: اگر در منطقه‌ای يك نفر
شب‌ی را گرسنه بخوابد خدا در روز قیامت
به اهل آن منطقه نظر نمی‌کند.

۲- کاهلی [یکی از اصحاب امام صادق
(ع)] گوید: از آن حضرت شنیدم که
می‌فرمود: زمانی که بنیامین از نزد
یعقوب رفت، یعقوب ندا کرد خدایا به من
رحم نمی‌کنی؟ بینایی مرا گرفتی، و دو
فرزندم [یوسف و بنیامین] را بردی، خدا
به یعقوب وحی کرد: اگر روح آن دو را
گرفته بودم برایت زنده‌شان می‌کرد تا به
سوی تو بازگردند، اما به یاد آور
گوسفندی را که کشتی و بریان نمودی و
خوردی و همسایه تو روزه‌دار بود و از آن
گوسفند هیچ به او ندادی.

۳- در روایت دیگری فرموده است: پس از
آن هر روز صبح کسی از طرف حضرت یعقوب تا
فاصله يك فرسخ از خانه آن حضرت ندا
می‌داد هر کس صبحانه یا نهار می‌خواهد به
خانه یعقوب بیاید، و چون شب می‌شد اعلان
می‌کرد هر که شام می‌خواهد به نزد یعقوب
بیاید.

۸۹- باب کراهت همسایگی با اشخاص بد ۱-

امام محمد باقر (ع) فرمود : از بلاهایی که پشت انسان را می‌شکند همسایه بد است که اگر خوبی ببیند آن را پنهان می‌کند و اگر کار بدی مشاهده نماید آن را پخش می‌کند.

۲- امام جعفر صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : به خدا پناه می‌برم از همسایه بدی که در خانه‌ای زندگی می‌کند با چشمانش تو را زیر نظر دارد و با دلش به تو توجه دارد، اگر تو را در خوشی ببیند ناراحت شود و اگر در بدی مشاهده کند خوشحال گردد.

۳- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است که : پیامبر (ص) در وصیّتش به علی (ع) فرمود : یا علی چهار چیز کمر شکن است : ۱- پیشوایی که مردم امرش را اطاعت کنند اما خود نافرمانی خدا کند. ۲- زنی که شوهر در عفت و پاکدامنی او بکوشد ولی به شوهرش خیانت کند. ۳- فقری که صاحب آن دستگیر و یاوری نیابد. ۴- همسایه بدی که در خانه‌ای ساکن باشد.

۹۰- باب استحباب رعایت حدّ همسایگی که از هر طرف چهل خانه است ۱- امام باقر (ع) فرمود : حدّ همسایگی چهل خانه است از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ. ۲- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : هر چهل خانه از روبرو، و پشت سر و سمت راست و سمت چپ همسایه است. ۳- معاویه بن عمّار گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : فدایت شوم حدود همسایگی چقدر است؟ فرمود : از هر طرف چهل خانه.

۴- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که امیر المؤمنین (ع) فرمود :

حریم مسجد چهل ذراع [تقریباً ۲۰ متر] و حریم همسایگی چهل خانه از چهار جانب است.

۹۱- استحباب مدارا کردن با همسفر ۱-

امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: از جمله حقوق مسافر بر همراهانش این است که اگر مریض شود سه روز برای او توقّف کنند.

۲- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: دو نفر که با یک دیگر معاشرت می‌کنند آن که نسبت به دوستش بیشتر مدارا می‌کند اجرش بیشتر و در نزد خدا گرامی‌تر است.

۳- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: هر گاه در سفر یکی از همراهان شما مریض شود سه روز بخاطر او توقّف کنید.

۴- امام صادق (ع) فرمود: رساندن سخن به گوش شخص ناشنوا در حدی که باعث ملال و خستگی نگردد صدقه پسندیده‌ای است.

۹۲- باب استحباب بدرقه همسفر هنگام جدا شدن هر چند ذمی باشد

۱- امام صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است که امیر المؤمنین (ع) با مردی ذمی همسفر شد، ذمی به آن حضرت گفت: قصد کجا داری؟ حضرت فرمود:

می‌خواهم به کوفه بروم، چون ذمی جدا شد و به راه خود رفت امیر المؤمنین (ع) نیز با او رفت تا این که ذمی پرسید چرا مسیر خود را به جانب من تغیر دادید؟

حضرت گفتند: این نشانه کمال حسن رفاقت است که انسان هنگام جدا شدن چند قدمی همراهش را بدرقه کند، این دستور پیامبر ماست. در دنباله همین مطلب آمده است که آن ذمی به همین جهت اسلام آورد.

۹۳- باب استحباب نامه نوشتن در سفر و وجوب پاسخ دادن به نامه ۱- امام صادق (ع) فرمود : پاسخ دادن به نامه مانند جواب دادن به سلام واجب است.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : پیوند بین دوستان، در حضر به دیدن يك ديگر رفتن و در سفر نامه نوشتن به يك ديگر است.

۳- در کتاب الاخوان از امام صادق (ع) نقل شده است : پیوند بین دوستان، به دیدن يك ديگر رفتن، و در سفر، نامه نوشتن است.

۹۴- باب استحباب شروع نامه با بسم الله و نوشتن آن به بهترین خط ۱- امام صادق (ع) فرمود : در نوشتن [نامه] «بسم الله الرحمن الرحيم» را فراموش مکن اگر چه بعد از آن شعر باشد.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : «بسم الله الرحمن الرحيم» را (در اول نامه) با نیکوترین خط بنویس، و حرف «ب» را کشیده ننویس مگر زمانی که «سین» را با دندانه نوشته باشی.

۳- علی بن موسی الرضا (ع) از پدرانش در حدیثی نقل فرموده است که از امیر المؤمنین (ع) سؤال شد چرا تبع، تبع نامیده شده؟ امام فرمود : او جوانی کاتب بود که برای ملک قبل از خود نامه می‌نوشت، و در اول نامه‌ها می‌نوشت به نام خدایی که رعد و باد را آفرید، ملک به او گفت : در آغاز نامه بنویس بنام فرشته رعد، جوان گفت جز به نام خدای خویش آغاز نمی‌کنم، سپس فرمانهای تو را می‌نویسم، خدا بدین جهت از او سپاسگزاری کرد و حکومت آن سرزمین را به او داد، و مردم

از او اطاعت کردند، بدین سبب تبع نامیده شد.

۹۵- باب چگونگی نوشتن عنوان نامه ۱-

امام صادق (ع) فرمود: [در مکاتبات] بعد از

بسم الله الرحمن الرحيم

بلافاصله ننویس «برای فلانی» ولی اشکال ندارد که بر پشت پاکت بنویسی «برای فلانی».

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود: داخل نامه ننویس: «برای ابی فلان» بلکه بنویس «به سوی ابی فلان» و بر پشت نامه بنویس «برای فلان».

۹۶- باب استحباب آغاز نامه به نام کسی

که نامه برایش فرستاده می‌شود ۱- امام صادق (ع) فرمود: اشکال ندارد که شخص نام دوستش را در آغاز نامه قبل از اسم خود بنویسد.

۲- سماعه گوید: از امام صادق (ع) در باره کسی که نام شخص را در آغاز نامه بنویسد پرسیدم، فرمود: اشکال ندارد، این فضیلتی است که شخص به وسیله آن به دوستش احترام می‌گذارد.

۹۷- باب استحباب نوشتن «ان شاء الله» در

نامه هر جا که مناسب باشد ۱- مرازم بن حکیم گوید: امام صادق (ع) دستور داد برای کاری نامه بنویسند، نامه را نوشتند و به نظر آن حضرت رساندند و در آن کلمه «ان شاء الله» نبود، امام فرمود: چگونه امید دارید این نامه به نتیجه برسد در صورتی که «ان شاء الله» در آن نیست؟ دقت کنید هر جا لازم است بنویسید.

۹۸- باب استحباب خشك كردن خطهای نامه

۱- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید : ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) روی نامه [برای خشك شدن] خاك می‌پاشید، و می‌فرمود : اشكال ندارد.

۲- علی بن عطیه [از اصحاب امام موسی کاظم (ع)] گوید : نامه‌هایی را از امام کاظم (ع) دیده است که خاك بر آن پاشیده بوده است.

۳- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید : امام رضا (ع) روی نامه خاك می‌پاشید.

۴- امام رضا (ع) از پدراناش نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود :

برای حاجات خود صبح زود از خانه بیرون روید تا آن حاجتها انجام شود، و روی نامه خاك بپاشید [برای خشك شدن نامه و مخدوش نشدن خطوط آن] که در برآوردن حاجت مؤثر است، و خیر را در نزد خوشرویان جستجو کنید.

۹۹- باب عدم جواز سوزاندن کاغذهایی که

در آن آیات قرآن یا نام خدا باشد ۱- عبد

الملک بن عتبه گوید : از ابو الحسن اوّل امام موسی کاظم (ع) در باره

کاغذهایی که جمع می‌شود و در آن نام خدا هست پرسیدم که آیا می‌شود آنها را سوزاند؟

امام فرمود : نه، اوّل آنها را با آب بشویید سپس بسوزانید.

۲- عبد الله بن سنان گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : کاغذها را نسوزانید بلکه خطوط آنها را محو و سپس پاره کنید.

۳- زراره گوید : از امام صادق (ع) در باره نامی از نامهای خدا که به وسیله آب دهان محو شود سؤال شد، امام فرمود : با

پاکترین چیزی که به آن دسترسی دارید از بین ببرید.

۴- محمد بن اسحاق بن عمار گوید : از ابو الحسن، موسی بن جعفر (ع) در باره نامه‌هایی که در آن نام خدای عز و جل نوشته شده است سؤال شد، امام فرمود : آنها را بشویید.

۵- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : آیات قرآن و نام خدا را با پاکترین چیزی که دسترسی دارید محو کنید، (و نیز فرمود) پیامبر مسلمانان را از سوزاندن و از بین بردن آنها با لگدمال کردن یا قلم کشیدن روی آنها نهی فرموده است.

۶- جعفر بن محمد (ع) از پدرانش نقل کرده است که پیامبر (ص) [مسلمانان را] از محو کردن یا نوشتن آیات قرآن با آب دهان نهی فرموده است.

۷- حسن بن علی و شاء گوید : عباس بن جعفر بن اشعث از من خواست که از امام رضا (ع) در باره سوختن نامه‌هایش بعد از این که آنها را می‌خواند از ترس این که به دست دیگران نیفتد سؤال کنم، و شاء گوید : قبل از این که بپرسم حضرت نامه‌ای به من نوشت و فرمود : به دوست خود بگو : من وقتی که نامه‌هایش را می‌خوانم آنها را می‌سوزانم. (شیخ حرّ عاملی فرماید : این حمل بر جواز یا

ضرورت است، یا به نامه‌های مربوط می‌شود که [آیات] قرآن یا نام خدا در آن نیست) ۸- علی بن جعفر گوید : از برادرم امام موسی کاظم (ع) در باره سوزاندن کاغذی که در آن چیزی نوشته باشد سؤال کردم، امام فرمود : اگر بترسی که در آن چیزی باشد [و به دست دشمن بیفتد] سوزاندنش اشکال ندارد.

۱۰۰- استحباب تقسیم وقت بین دوستان به

طور مساوی ۱- امام صادق (ع) فرمود :
رسول خدا (ص) وقتش را بین دوستانش تقسیم می‌کرد، و به این و آن به يك چشم نگاه می‌کرد، و نیز فرمود : پیامبر (ص) هرگز پاهایش را در مقابل یارانش دراز نمی‌کرد، و وقتی مصافحه می‌نمود دستش را از دست طرف نمی‌کشید تا او دست پیامبر را رها نماید، چون اصحاب این مطلب را دانستند وقتی که به آن حضرت دست می‌دادند آنها دستشان را می‌کشیدند.

۲- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از زمانی که خدا پیامبر (ص) را مبعوث کرد تا آخر عمر در حال تکیه کردن غذا نخورد، و هرگز پیش همنشین خویش پا روی پا نمی‌انداخت، و در موقع مصافحه هرگز دستش را پس نمی‌کشید تا طرف دستش را پس بکشد، و هیچ وقت سائل را رد نمی‌کرد اگر چیزی داشت به او می‌داد و اگر نمی‌داشت می‌فرمود : خدا می‌دهد.

۳- امام باقر (ع) فرمود : وقتی که شخص با دوستش مصافحه می‌کند آن که دست دادن را ادامه می‌دهد اجرش بیشتر است و گناهان آنها آمرزیده می‌شود تا حدی که هیچ گناهی باقی نمی‌ماند.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هرگز رسول خدا با کسی مصافحه نکرد که دستش را از دست آن شخص بکشد تا این که شخص دستش را از دست پیامبر (ص) می‌کشید.

۱۰۱- باب استحباب سؤال کردن از نام و نام خانوادگی و نسب و حال دوست و همنشین

۱- علی بن الحسین (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) روزی به دوستانش فرمود : می‌دانید ناتوانی چیست؟ گفتند : خدا و رسولش داناترند، فرمود :

سه چیز نشانه ناتوانی است : اول این که کسی دوستش را دعوت کند، غذایی تهیه نماید اما آن دوست خلف وعده کند و نیاید، دوم این که : یکی دوست یا همنشین کسی باشد و علاقمند باشد بداند او کیست و از کجاست، اما از وی جدا شود و سؤال نکند، سوم : در باره زنهاست که کسی به زن خود نزدیک شود و از وی لذت برد اما زن بهره‌اش را از همسرش نبرد. عبد الله پسر عمر و عاص عرض کرد : چه باید کرد؟ فرمود : یک دیگر را تحریک نمایند تا هر دو لذت ببرند.

۲- علی بن الحسین (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : ناتوانترین افراد کسی است که شخصی را ملاقات کند و از رفتار او خوشش آید اما از نام و نسب و محل زندگی او نپرسد.

۳- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است : اگر کسی از شما برادر مسلمانش را دوست دارد از نام او و نام پدر و نام قبيله و خاندانش سؤال کند، این از حقوق واجب و صدق و صفای در دوستی است، و الا شناختی نادرست می‌باشد.

۴- امام جعفر صادق (ع) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : سه چیز جور و ستم است : ۱- شخصی با کسی معاشرت کند و از نام و نام خانوادگی او نپرسد. ۲- کسی او را برای صرف غذا دعوت کند و او نپذیرد یا دعوت را بپذیرد ولی

غذا نخورد ۳- قبل از این که با همسرش شوخی و بازی کند جماع نماید.

۱۰۲- باب کراهت از بین رفتن شرم و حیا بین دوستان

۱- امام جعفر صادق (ع) فرمود : به برادر مسلمانان کاملاً اطمینان مکن، زیرا به زمین خوردن در اثر اطمینان و انس زیاد جبران پذیر نیست.

۲- سماعه گوید : از ابو الحسن امام موسی (ع) شنیدم که می‌فرمود : از بین تو و برادر مسلمانان احترام برداشته نشود، احترام يك ديگر را نگه دارید زیرا رعایت نکردن احترام حیا را از بین می‌برد.

۳- امام جعفر صادق (ع) فرمود : دوستی دارای شرایطی است هر کس آن شرایط را رعایت نکند او را دوست کامل به حساب نیاورد، و هر کس هیچ کدام از آن شرایط را ندارد دوستش مخوان. (آن شرایط عبارتند از) ۱- نهان و آشکارش یکی باشد. ۲- خوبی تو را خوبی خود و بدی تو را بدی خود بداند. ۳- دارایی و پست و مقام او را نسبت به تو دگرگون نسازد. ۴- هر چه در توان و قدرت اوست از تو باز ندارد. ۵- در گرفتاریها تو را رها نکند.

۴- امام صادق (ع) به بعضی از یارانش فرمود : به دوست خود اطمینان کامل نداشته باشید زیرا به زمین خوردن از راه اطمینان و زیاد انس گرفتن جبران پذیر نیست.

۵- و نیز امام صادق (ع) به بعضی از دوستانش فرمود : هر کس سه مرتبه از تو خشمگین شود و در باره تو بدی نگوید او را برای خود دوست انتخاب کن.

۶- امام صادق (ع) فرمود : دوستت را از راز خود آگاه مکن مگر تا حدی که اگر

دشمن تو بر آن راز آگاه شود نتواند به تو زیان رساند، چون ممکن است دوست روزی دشمن گردد.

۷- علی بن موسی الرضا (ع) از پدرانیش از امیر المؤمنین (ع) نقل فرموده است : با دوست خویش در دوستی زیاده روی مکن، زیرا شاید روزی دشمن تو شود و با دشمنت در دشمنی میانه روی کن چون ممکن است روزی دوست تو گردد.

۸- طبرسی در تفسیر مجمع البیان در باره قول خدای متعال : «در محفلتان ناپسند وارد می‌شوید» فرموده است : در آن وجوهی است، یکی این است که اعراب وقتی دور هم می‌نشستند بدون این که از یک دیگر شرم کنند از خود باد خارج می‌کردند.

۱۰۳- باب انتخاب دوستانی که نمازشان را بموقع می‌خوانند و نسبت به دوستان نیکی می‌کنند

۱- امام صادق (ع) فرمود : دوستانتان را به دو خصلت آزمایش کنید، اگر دارای آن دو خصلت نباشند از آنها دوری گزینید، دوری گزینید، دوری گزینید، آن دو خصلت عبارتند از : خواندن نماز در وقتش، و نیکی به دوستان در سختی و رفاه.

۱۰۴- باب استحباب خوشخویی با مردم

۱- امام محمد باقر (ع) فرمود : با ایمانترین مردم خوشخوترین آنهاست.
۲- امام صادق (ع) فرمود : چهار چیز در هر کس باشد ایمانش کامل است و اگر از سر تا پا گناه باشد آسیبی به او نرساند، آنها عبارتند از : راستگویی، ادای امانت، شرم، و خوشخویی.

- ۳- امام صادق از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: برای شخص خوشخو اجری مانند اجر روزه‌دار شب زنده‌دار است.
- ۴- امام صادق (ع) فرمود: خوشخویی به صاحبش اجر روزه‌دار شب زنده‌دار را می‌رساند.
- ۵- از امام صادق (ع) نقل شده است: نیکی و خوشخویی باعث آبادی خانه‌ها و زیادی عمر می‌شود. ۶- امام صادق (ع) فرمود: خوشخویی گناهان را ذوب می‌کند همچنان که آفتاب یخ را آب می‌کند.
- ۷- امام صادق (ع) فرمود: تا می‌توانی با کسانی معاشرت کن که نفع تو به آنها برسد، زیرا گاهی بنده در عبادت کوتاهی می‌کند ولی اخلاقش نیکوست و خدا به سبب حسن خلقش او را به درجه روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رساند.
- ۸- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: بیشترین چیزی که امت مرا وارد بهشت می‌کند تقوای الهی و خوشخویی است.
- ۹- امام جعفر صادق (ع) فرمود: عاقلترین مردم خوشخوترین آنهاست.
- ۱۰- عنبسه عابد گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: مؤمن بعد از انجام واجبات پیش خدای عزّ و جلّ چیزی محبوبتر از این ندارد که مردم را از لحاظ خلقش در وسعت گذارد.
- ۱۱- بحر (بن کثیر) سقّاء گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای بحر سقّاء خوش خلقی مایه آسانی امور است. سپس حضرت حدیثی نقل فرمود که: پیامبر (ص) خوش خلق بود. ۱۲- امام صادق (ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی به بعضی از پیامبرانش وحی فرمود: خوی نیکو خطاها را از بین می‌برد همان طور که آفتاب یخ را ذوب می‌کند.

۱۳- علی بن الحسین (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: در روز قیامت چیزی بهتر از خوشخویی در میزان اعمال انسان گذاشته نمی‌شود.

۱۴- امام صادق (ع) فرمود: خلق و خوی بخشی است که خدا به مخلوقش عطا می‌کند، برخی از آن فطری و برخی مربوط به نیت وارده می‌باشد [شخص از

راه اراده و قصد می‌تواند آن را به دست آورد]، [عرض کردم: کدام بهتر است؟

فرمود: آنچه فطری است انسان بر آن سرشته شده و جز آن نمی‌تواند انجام دهد و آنچه مربوط به نیت و اراده می‌باشد باید برای تحقق آن صبر و سختی را تحمل کند، پس این بهتر است. ۱۵- امام صادق (ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی مانند ثواب کسی را که صبح و شام در راه خدا جهاد کند به بنده خوش خلق می‌بخشد.

۱۶- امام رضا (ع) از پدرانش نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: جبرئیل از جانب پروردگار عالم بر من نازل شد و گفت: ای محمد بر تو باد به خوشخویی، چون باعث خیر دنیا و آخرت می‌شود، آگاه باشید شبیه‌ترین شما به من خوشخوترین شماست.

۱۷- امام رضا (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: بر شما باد به خوشخویی، زیرا خوشخو ناگزیر جایش در بهشت است، و بپرهیزید از بد خوی چون بدخو ناگزیر در آتش است.

۱۸- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: خوی بد عمل را فاسد می‌کند همچنان که سرکه عسل را فاسد می‌نماید.

۱۹- امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است: بنده به واسطه خوشخویی پاداش روزه دار شب زنده دار را دریافت می‌کند.

- ۲۰- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : در میزان اعمال هیچ چیز سنگین‌تر از خوشخویی نیست.
- ۲۱- امام رضا (ع) از حضرت علی (ع) نقل فرموده است : کاملترین شما از حیث ایمان خوشخوترین شماست.
- ۲۲- حضرت رضا (ع) از علی بن ابی طالب نقل فرموده است : خوشخویی بهترین همنشین است.
- ۲۳- حضرت رضا (ع) از حضرت علی (ع) نقل فرموده است : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترین وسیله برای ورود به بهشت چیست؟ فرمود :
- پرهیزگاری و خوشخویی.
- ۲۴- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود :
- در روز قیامت نزدیکترین شما به من خوشخوترین و مهربانترین شما نسبت به خانواده اش می‌باشد.
- ۲۵- نیز آن حضرت از پیامبر (ص) نقل فرموده است : بهترین مردم از لحاظ ایمان خوشخوترین آنها، و مهربانترینشان به خانواده خویش می‌باشد، و من مهربانترین شما به خانواده ام هستم.
- ۲۶- امام حسن (ع) فرمود : بهترین خوبیه‌ها خوی نیکو است.
- ۲۷- پیامبر (ص) فرمود : خوشخویی نصف دین است.
- ۲۸- زیاد بن علاقه بن شریک گوید : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترین چیزی که به مسلمان عطا شده چیست؟ فرمود : خوش خلقی.
- ۲۹- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خدا اسلام را به عنوان دین شما پسندید، شما با سخاوت و خوشخویی آن را زینت بخشید.
- ۳۰- ام سلمه به پیامبر (ص) عرض کرد : پدر و مادرم فدای تو، اگر زنی دو

شوهر داشته باشد که هر دو اهل بهشت باشند، زن در بهشت به کدام يك تعلق خواهد داشت؟ پیامبر فرمود: آن را که خوشخوتر و برای خانواده اش بهتر است انتخاب کند، ای ام سلمه خوشخویی باعث خیر دنیا و آخرت است.

۳۱- موسی بن ابراهیم گوید: از ابو الحسن اول [امام موسی کاظم (ع)] شنیدم که می‌فرمود: خدا بنده اش را به بهترین صورت و بهترین خلق و خوی آفریده است و حیا می‌کند از این که گوشت او را در روز قیامت طعمه آتش قرار دهد. ۳۲- علی بن میمون صائغ گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: هر کس می‌خواهد رحمت خدا شامل حال او شود و او را در بهشت ساکن گرداند باید خلقتش را نیکو، و عدالت را رعایت کند، و به یتیم رحم، و به ضعیف کمک، و به بندگان خدا تواضع نماید.

۳۳- در کتاب معانی الاخبار نقل شده که: لقمان به پسرش گفت: پسر عزیزم با صد نفر دوست باش و با يك نفر دشمن مباش، پسر هر چه هست خلاق و خلق توست، خلاق تو همان دینت و خلق تو همان خوی و نحوه برخورد تو با مردم است، مردم را با خود دشمن نکن، و اخلاق پسندیده را بیاموز، پسر بنده نیکان باش و فرزند بدان مباش، پسر امانت را به صاحبانش برگردان تا دنیا و آخرت تو سالم باشد، امین باش تا بی‌نیاز گردی.

۳۴- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است: کاملترین مؤمنین از لحاظ ایمان خوشخوترین آنهاست.

۳۵- پیامبر (ص) فرمود: کاملترین مؤمنین از جهت ایمان خوشخوترین آنهاست، و بهترین شما کسی است که با همسرش بهترین رفتار را داشته باشد.

۳۶- امام جعفر صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: در روز قیامت اولین چیزی که در میزان اعمال بنده گذاشته می‌شود حسن خلق است.

۱۰۵- باب استحباب انس و الفت با مردم

۱- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است برترین شما خوشخوترین و بخشنده‌ترین شماست و آنان که با مردم انس می‌گیرند، و دیگران با آنان مأنوس می‌شوند و با مردم رفت و آمد دارند (کنایه از مردم داری و خوشرویی با مردم است).

۲- امام صادق (ع) فرمود: مؤمن انس پذیر است. کسی که با دیگران انس نگیرد، و دیگران با او مأنوس نشوند خیری ندارد.

۳- علی (ع) فرمود: دل‌های مردم رمنده است هر که به آنها محبت کند، به او رو آورند.

۱۰۶- باب استحباب خوشرفتاری با مردم

۱- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است آیا خبر ندهم شما را از کسی که فردا (روز قیامت) آتش دوزخ بر او حرام می‌شود؟ گفتند چرا یا رسول الله، فرمود: کسی که خوشخو و خوشرفتار باشد.

۲- ابوالبختری در حدیث مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: مؤمنان خوشرفتار، و نرم‌خوینند. همچون شتر رام، اگر مهار شود فرمان بردار است، و اگر بر روی سنگ خوابانده شود می‌خوابد.

۳- امام صادق (ع) فرمود: از نشانه‌های ایمان آگاهی در دین است، و از علایم آگاهی در دین بردباری، و از نشانه‌های بردباری مدارا نمودن با مردم است، و از

نشانه‌های مردم دارای نرم‌خویی، و از نشانه‌های نرم‌خویی آسان‌گیری و ملایمت است.

۴- امام رضا (ع) از پدران‌ش نقل می‌کند، که علی (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: مؤمن نرم‌خو، خوشرفتار، با سخاوت، و خوش اخلاق است. و کافر خشن، تندخو، بد اخلاق و متکبر است.

۱۰۷- باب استحاب خوشرویی و خوش برخوردی

۱- امام صادق (ع) فرمود: نیکی به دیگران، و خوشرویی محبت می‌آورد و آدمی را به بهشت داخل می‌کند بخل و ترشرویی انسان را از خدا دور وارد دوزخ می‌نماید.

۲- امام باقر (ع) فرمود: شخصی نزد پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد یا رسول الله مرا سفارشی فرمایید. از جمله سفارشات حضرت به آن شخص این بود:

برادرت را با چهره باز دیدار و ملاقات کن.

۳- یکی از یاران امام صادق (ع) نقل می‌کند که به آن حضرت عرض کردم:

میزان و معیار خوش اخلاقی چیست؟ فرمود:

این که فروتنی نشان دهی، خوش سخن باشی، و با برادرت با چهره باز برخورد کنی.

۴- حسن بن حسین گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود:

پیغمبر (ص) خطاب به فرزندان عبد المطلب فرمود: ای فرزندان عبد المطلب، شما هرگز نمی‌توانید یا اموالتان در زندگی مردم گشایشی حاصل کنید. پس با چهره باز و خوشرویی با آنها برخورد کنید (حدیث ۵ مانند حدیث ۴ است).

۵- امام صادق (ع) فرمود: سه چیز است که اگر کسی برای خدا یکی از آنها را

انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند :

۱- انفاق در حال فقر و تنگدستی، ۲- خوشرویی با همه مردم، ۳- رعایت انصاف نسبت به دیگران.

۶- موسی بن جعفر (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : خوشرویی کینه را از بین می‌برد.

۷- امام جواد (ع) از پدران‌ش نقل می‌کند : که حضرت علی (ع) فرمود : شما که نمی‌توانید با مالتان به مردم کمک کنید پس با چهره باز و دیدار خوش آنان را خشنود سازید، زیرا از پیغمبر (ص) شنیدم که می‌فرمود : شما که هرگز نمی‌توانید در زندگی مردم با اموالتان گشایشی حاصل کنید، پس با اخلاقتان آنان را خوشنود سازید.

۱۰۸- باب وجوب راستگویی

۱- امام صادق (ع) فرمود : مردم را به نیکی دعوت کنید به غیر زبانتان (یعنی با عمل و کردارتان) تا این که آنان کوشش در عبادت، و راستگویی و پرهیزکاری را از شما ببینند.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر که زبانش راست باشد عملش پاک است.

۳- ابو بصیر گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : بنده خدا راست می‌گوید تا این که نزد خداوند جزء راستگویان محسوب گردد، و دروغ می‌گوید تا این که نزد خدا از دروغگویان نوشته شود، پس هر گاه راست گوید خدای عزّ و جلّ فرماید : این بنده راست گفت و نیکوکار است، و هنگامی که دروغ بگوید خداوند می‌فرماید : این بنده دروغ گفت، و بدکار است.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هر که زبانش راست باشد عملش پاک است، و هر که نیتش خوب باشد روزی اش زیاد شود، و هر که به خانواده اش نیکی کند عمرش طولانی گردد.

۵- عمرو بن ابی مقدم گوید : نخستین بار که خدمت امام باقر (ع) رسیدم آن حضرت فرمود : پیش از سخن گفتن راستگویی بیاموزید.

۶- امام صادق (ع) فرمود : ای فضیل نخستین کسی که راستگو را تصدیق

می‌کند خدای عزّ و جلّ است، که می‌داند او راستگو است. و خود شخص نیز خویشتن را تصدیق می‌کند، زیرا می‌داند که صادق است.

۷- ربیع بن سعد گوید : که امام باقر (ع) به من فرمود : ای ربیع شخص راست می‌گوید، تا آن جا که خداوند او را صدیق (بسیار راستگو) می‌نویسد ۸- پیغمبر (ص) فرمود : فردای قیامت آن که از همه شما به من نزدیکتر، و شفاعتش بر من واجبتر است، کسی است که در سخنانش راستگوتر و در ردّ امانت درستکارتر و خوش اخلاقتر، و به مردم نزدیکتر باشد.

۹- در حدیث مرفوعه ای امام صادق (ع) : از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود : ای علی تو را به چند خصلت سفارش می‌کنم، خداوند علی را در داشتن این خصال یاری ده، نخستین آنها راستگویی است، هرگز از دهانت دروغی خارج نشود.

۱۰۹- باب استحباب صدق وعده، گرچه يك سال طول بکشد

۱- امام صادق (ع) فرمود : اسماعیل (ع) را صادق الوعد گفتند برای این که به شخصی در محلی وعده داد، و يك سال برایش منتظر ماند، در نتیجه خداوند او را صادق الوعد نامید، و پس از يك سال آن شخص پیش اسماعیل آمد، اسماعیل به او گفت من پیوسته منتظر تو بودم .

۲- امام صادق (ع) فرمود پیغمبر (ص) فرموده است که کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده‌ای که می‌دهد وفا کند.

۳- هشام بن سالم گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : وعده دادن مؤمن به برادر دینی نذری است که کفاره ندارد . کسی که خلف وعده کند خلف وعده با خدا را شروع کرده و خود را مورد خشم او قرار داده است . و همین است معنای آیه شریفه، که می‌فرماید : «ای کسانی که به زبان ایمان آورده‌اید، چرا به زبان چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید، دشمنی بزرگی است در نزد خدا این که بگویید آنچه را عمل نکنید .

۴- سلیمان جعفری گوید : امام رضا (ع) فرمود : آیا می‌دانی که چرا اسماعیل (ع) صادق الوعد نامیده شد عرض کردم نه، حضرت فرمود : اسماعیل به شخصی وعده داد . و يك سال به انتظارش نشست.

۵- عبد الله بن سنان گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود :

پیغمبر (ص) کنار تخته سنگی به مردی وعده داد، فرمود : من این جا منتظر تو هستم تا برگردی، امام می‌فرمود تابش آفتاب بر حضرت رسول شدید شد، یارانش عرض

کردند : یا رسول الله چه خوب است که به مکانی سایه دار تشریف ببرید، فرمود :
من در همین جا به آن شخص وعده داده ام
و اگر نیاید در روز رستاخیز باید پاسخگو
باشد.

۱۱۰- باب مستحب بودن حیا

- ۱- امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) فرمود : حیا و ایمان هر دو به يك رشته بسته شده اند، هر گاه یکی از آنها برود دیگری نیز در پی آن می رود.
- ۲- امام صادق (ع) فرمود : حیا بخشی از ایمان، و ایمان وسیله رفتن به بهشت است.
- ۳- امام صادق (ع) فرمود : کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد.
- ۴- امام صادق (ع) فرمود : حیا، و پاکدامنی، و کند زبانی (کم گویی) نه کند دلی، از نشانه های ایمان است.
- ۵- پیغمبر (ص) فرمود : هر که چهار خصلت داشته باشد، اگر از سر تا پا غرق گناه باشد، خداوند گناهانش را مبدل به حسنات گرداند. ۱- راستگویی، ۲- داشتن حیا، ۳- خوش خلقی، ۴- سپاسگزاری. ۶- علی (ع) فرمود : جامه حیا هر که را بپوشاند مردم عیب او را نمی بینند.
- ۷- پیغمبر (ص) فرمود : فخر در هر چیزی که باشد از مقام و منزلت صاحبش می کاهد، و حیا در هر چیزی که باشد زینت بخش صاحبش است.
- ۸- از کلمات قصار پیغمبر (ص) است : حیا همه اش خیر و نیکی است.
- ۹- از جمله سفارش های علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه است : جامه حیا هر که را بپوشاند، عیبش از نظرها پنهان می ماند.

۱۰- پیغمبر (ص) فرمود : حیا و شرم همه اش خیر و نیکی است. یعنی حیا دیندار و بدین را از کارهای زشت باز می‌دارد، شرم و حیا جامع همه زیباییها است.

۱۱- پیغمبر (ص) فرمود : حیا و ایمان هر دو بسته به يك رشته‌اند، اگر یکی از بین برود، دیگری نیز از بین خواهد رفت.

۱۲- پیغمبر (ص) فرمود : اگر خداوند حیا را از بنده اش بگیرد در آن صورت بنده دشمن خدا و مورد نفرت قرار می‌گیرد، پس کسی که حیا از او برداشته شود، رحمت خدا از او سلب و رشته اسلام نیز از او گسسته می‌شود، و چنین بنده مبدل به شیطانی می‌گردد که دور از رحمت خداست.

۱۱۱- باب جایز نبودن شرم و حیا داشتن از پرسش کردن در باره احکام دین

۱- امام صادق (ع) فرمود : هر که در پرسیدن از چیزی خجالت کشد، در علمش سستی پدید آید.

۲- در حدیث مرفوعه‌ای هست که پیغمبر (ص) فرمود :

حیا دو گونه است، ۱. حیای عقل ۲. حیای حماقت، حیای عقل دانش و حیای حماقت نادانی است.

۱۱۲- باب استحباب عفو و گذشت

۱- ابن فضال گوید : از امام موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می‌فرمود :

هیچ گاه دو گروه با هم ملاقات نکنند (به جنگ يك دیگر برنخاستند)، مگر این که هر کدام گذشتش بیشتر بود، پیروز شد.

۲- پیغمبر (ص) فرمود :

بر شما باد به گذشت و عفو، زیرا گذشت بر عزت بنده می‌افزاید، پس همدیگر را عفو کنید. تا خداوند شما را عزیز گرداند.

۳- امام باقر (ع) فرمود: آن زن یهودی را که گوشت گوسفندی زهر آلود کرده بود تا پیامبر بخورد به نزد آن حضرت آوردند، فرمود: انگیزه تو از این کار چه بود؟ زن پاسخ داد با خود گفتم اگر پیغمبر باشد زهر به او ضرری نمی‌رساند و اگر پادشاه باشد مردم را از دستش راحت می‌کنم - راوی گوید: پیغمبر (ص) او را بخشید.

۴- امام باقر (ع) فرمود: پشیمانی بعد از عفو برتر و آسانتر است از پشیمانی بعد از کیفر.

۵- از کلمات قصار رسول الله (ص) است: گذشت سلطان حکومت او را بیشتر دوام می‌بخشد.

۶- امام رضا (ع) در توضیح آیه **فَاَصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ** (با خوی خوش آنان را به حق دعوت کن) فرمود: عفو کردن بدون نکوهش و سرزنش. (حدیث ۷ مانند حدیث ۶ می‌باشد).

۸- علی (ع) فرمود: چون بر دشمنت پیروز شدی گذشتت از او را شکرانه پیروزیات قرار بده.

۹- علی (ع) فرمود: سزاوارترین مردم به گذشت کسی است که بر کیفر توانمندتر باشد.

۱۰- امام باقر (ع) در حدیثی از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر (ص) فرمود چون روز رستاخیز شود منادی اعلان می‌کند طوری که همه مردم می‌شنوند، وی می‌گوید: صاحبان فضیلت کجایند؟ گروهی از مردم برمی‌خیزند، آنگاه فرشتگان از آنان استقبال می‌کنند و می‌پرسند، فضیلت و برتری شما چیست که به سبب آن شما را

خواستند؟ آنان می‌گویند، در دنیا ما را نادان خواندند تحمل کردیم، به ما بدی نمودند عفو کردیم، آنگاه از طرف خدا خطاب شود بندگانم راست گویند، راهشان را باز کنید تا بدون حساب به بهشت درآیند.

۱۱۳- باب استحباب عفو از ستمگر، صله رحم، احسان و نیکی ...

۱- امام صادق (ع) فرمود : پیغمبر (ص) در خطبه‌ای فرموده است. آیا بهترین اخلاق دنیا و آخرت را به شما خبر ندهم، عفو از کسی که به تو ستم کرده پیوستن با کسی که از تو بریده، نیکی با کسی که به تو بدی کرده، عطا و بخشش به کسی که تو را محروم ساخته است.

۲- ابو حمزه ثمالی گوید از علی بن حسین (ع) شنیدم که فرمود : چون روز رستاخیز شود خداوند اولین و آخرین را در يك سرزمین گردآورد منادی فریاد کشد صاحبان فضیلت کجایند؟ گروهی از مردم برمی‌خیزند، فرشتگان آنها را ملاقات می‌کنند و می‌پرسند فضیلت شما چه بوده است؟ پاسخ می‌دهند، به کسی که از ما می‌برید می‌پیوستیم، و به کسی که ما را محروم می‌ساخت بخشش می‌نمودیم، و کسی که به ما ستم روا می‌داشت درمی‌گذشتیم، به آنان گفته می‌شود : راست گفتید وارد بهشت شوید.

۳- امام صادق (ع) فرمود : سه چیز از صفات خوب دنیا و آخرت است. عفو از کسی که به تو ستم روا داشته، پیوستن به کسی که از تو بریده، خویشتن داری زمانی که با تو نادانی کنند.

۴- امام باقر (ع) فرمود : سه چیز است که خدا به وسیله آنها بر عزت مسلمان می‌افزاید، عفو کسی که به او ستم کرده

است، و بخشش بر کسی که وی را محروم ساخته است، پیوستن با کسی که از او بریده است.

۵- پیغمبر (ص) فرمود : آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ پیوستن به کسی که از تو بریده، بخشیدن کسی که محروم ساخته گذشتن از کسی که به تو ستم کرده است.

۶- علی بن موسی الرضا (ع) از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر (ص) فرمود : شما را به صفات خوب سفارش می‌کنم، چون خداوند مرا برای آن مبعوث نموده است. از جمله صفات خوب آن است. که انسان عفو کند کسی را که به او ستم روا داشته، و ببخشد کسی را که وی را محروم نموده، و بپیوندد با کسی که از او بریده، و دیدن کند از کسی که به دیدن وی نیامده است.

۷- علی (ع) در وصیت به فرزندش محمد حنفیه فرمود : بریدن برادرت از تو از پیوستن تو با او، و بدی کردنش از نیکی تو نباید افزونتر باشد.

۸- زراره گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : ما خاندانی هستیم که جوانمردی ما گذشت از کسی است که به ما ستم کرده است. ۹- علی بن جعفر بن محمد گوید : هنگامی که محمد بن اسماعیل می‌خواست به عراق مسافرت کند از عمویش امام موسی کاظم (ع) اجازه خواست حضرت اجازه فرمود : محمد برخاست و گفت ای عم بزرگوار دوست دارم مرا نصیحت فرمایی، حضرت فرمود : سفارش می‌کنم ترا به این که در ریختن خون من از خدا پروا کنی، محمد گفت خدا لعنت کند کسی را که در ریختن خون تو کوشش نماید، سپس گفت ای عم بزرگوار مرا نصیحت بفرما، حضرت مجدداً فرمود : سفارشت می‌کنم به این که در ریختن خون من از خدا پروا داشته باشی،

راوی گوید : آنگاه حضرت کیسه پولی را که در آن صد و پنجاه دینار بود به وی داد، محمد آن را گرفت، سپس حضرت کیسه دیگری را که صد و پنجاه دینار داشت به او عطا فرمود. محمد آن را نیز گرفت، برای سومین بار کیسه دیگری را که صد و پنجاه دینار داشت به او عطا فرمود، سپس هزار و پانصد درهم را که نزد محمد بود نیز به او بخشید. راوی گوید : عرض کردم پول زیادی به او بخشیدی، حضرت فرمود : اینها مطمئنترین دلیل و حجّت من باشد بر او وقتی که او از من قطع رحم کند و من نسبت به او صلّه رحم کنم. آنگاه راوی می‌گوید : محمد پیش هارون الرشید از عمویش موسی بن جعفر (ع) سعایت کرد که وی ادعای خلافت دارد، برایش خراج می‌رسد، هارون دستور داد صد هزار درهم به محمد بدهند و او در همان شب درگذشت. کلینی عین همین روایت را نقل کرده با این تفاوت گفته است در آن کیسه صد دینار و در آخر روایت گفته است که در کیسه سه هزار درهم بوده است.

۱۱۴- باب استحباب فروخوردن خشم

۱- امام صادق (ع) فرمود : چه خوب جرعه‌ای است خشم برای کسی که بر آن صبر کند، زیرا پاداش بزرگ در برابر بلای بزرگ است، چون خداوند هر گروهی را که دوست دارد گرفتارشان می‌کند.

۲- امام سجّاد (ع) فرمود : دوست ندارم که به جای نرمخویی و فروتنی شتران سرخ مویی داشته باشم، و هیچ جرعه‌ای نیاشامیدم که برایم محبوبتر باشد از جرعه

خشمی که طرف را به آن کیفر ندهم. [یعنی چنین صفت خوبی را با مال دنیا معاوضه نمی‌کنم و هرگز راضی نمی‌شوم که

تندخو باشم و بهترین چهار پایان و زیور
دنیا داشته باشم

۳- امام باقر (ع) فرموده که پدرم به
من فرموده : هیچ چیزی بهتر از فرو خوردن
خشمی که عاقبتش صبر و شکیبایی است روشنی
بخش چشم پدرت نیست، و داشتن شتران سرخ
مو با ذلت نفس مرا شاد نمی‌کند.

۴- پیغمبر (ص) فرمود :
محبوبترین راه بنده به سوی خدای عزّ و
جل نوشیدن دو جرعه است جرعه خشمی که با
خویشتن داری از آن جلوگیری کنی ۲- جرعه
مصیبتی که با شکیبایی خود برگردانی.

۵- امام صادق (ع) فرمود : هیچ بنده‌ای
خشمی فرو نخورد مگر این که خداوند در
دنیا و آخرت بر عزّت او بیفزاید، چون
خدای عزّ و جل در قرآن فرموده :

«آنان که خشمشان را فرو می‌خورند و مردم را عفو می‌کنند، خداوند
نیکوکاران را دوست می‌دارد خداوند در عوض فرو خوردن خشم این پاداش
به وی عطا می‌فرماید، (او را دوست بدارد).»

۶- امام صادق (ع) فرمود : بنده خدا
هیچ جرعه‌ای ننوشد که در نزد خدا محبوبتر
باشد از جرعه خشمی که وقتی در دلش به
گردش در آمد با صبر و خویشتن داری آن را
بنوشد. «منظور از گردش جرعه در دل،
هیجان و جوششی است که برای شخص خشمگین
دست می‌دهد و در کیفر کردن و بخشیدن مردّد
است.»

۷- برقی در کتاب محاسن از وشاء مثل
روایت فوق را نقل کرده جز این که در اوّل
آن چنین آمده است : هیچ قطره‌ای نزد
خداوند محبوبتر نیست از قطره اشکی که
بنده‌ای در سیاهی شب فقط از ترس خدا فرو
می‌ریزد.

۸- امام صادق (ع) می‌فرمود : هر کس
خشمی را فرو خورد که قدرت دارد آن را
اعمال کند خداوند روز قیامت قلب او را
از رضای خود پر می‌کند.

۹- امام باقر (ع) فرمود : هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را به کار برد خداوند در روز قیامت دل او را از آرامش و ایمان پر می‌کند.

۱۰- از فرمایشات رسول الله (ص) است : هر که خشمش را فرو خورد خدا پاداشش دهد، و هر که بر مصیبتی صبر نماید خداوند عوضش دهد.

۱۱- در وصایای پیغمبر (ص) به علی (ع) آمده است. که آن حضرت فرمود :
یا علی ترا سفارشی می‌کنم آن را به خاطر بسپار و تا وقتی که وصیت مرا عمل کنی در خیر هستی، یا علی هر که خشمی را فروخورد که قادر بر اعمال آن هست، خداوند پاداشی از آرامش و ایمان به او عطا فرماید که مزه اش را دریابد.

۱۲- امام صادق (ع) از اجدادش نقل می‌کند. که در حدیث مناهی رسول الله (ص) آمده است : آن حضرت فرمود :
هر که خشمی را فروخورد که قادر بر اعمال آن است و خویشتن‌داری کند. که گفتنش روا نیست خداوند اجر شهید به او عطا فرماید.

۱۳- ربیع بن عبد الرحمن گوید : به خدا سوگند موسی بن جعفر (ع) از فراست و هوشیاری برخوردار بود و کسانی را که بر علیه او ایستادگی و رهبری امام بعد از او را انکار می‌کنند می‌شناخت با این حال خشمش را نسبت به آنها فرو می‌خورد و آنچه را که در باره آنها می‌دانست بر آنان اظهار نمی‌کرد، بنا بر این کاظم نامیده شد.

۱۴- پیغمبر (ص) در آخر یکی از خطبه‌هایش فرمود : هر که خشمش را فرو خورد و از برادر مسلمانش گذشت کند، خداوند اجر شهید به او عطا فرماید.

۱۵- امام صادق (ع) فرمود : هر که دارای سه خصلت باشد خداوند برایش حور العین تزویج می‌کند هر طور که دلش بخواهد، آن سه خصلت عبارتند از : ۱- فروخوردن خشم، ۲- صبر بر شمشیرها در راه خدا، ۳- کسی که بر مال حرام دست یابد ولی برای خدا از آن درگذرد.

۱۱۵- باب استحباب فروخوردن خشم از دشمنان دین در زمان حکومتشان

۱- امام صادق (ع) فرمود : فروخوردن خشم از دشمن زمان حکومت و اقتدار آنان تقیه و احتیاط است برای کسی که دوران‌دیشی کند، و در معرض بلای دنیا در نیاید، و خصومت و دشنام دادن دشمنان در زمان اقتدارشان بدون رعایت تقیه ترك کردن دستور خدای عزّ و جل است، پس با مردم مدارا کنید. تا کردار شما نزد آنان بزرگ جلوه‌گر شود. - و از شما به نیکی یاد کنند- و با آنان عداوت و دشمنی نورزید، که برگردنتان سوارشان کنید و خوار و زبون گردید.

۱۱۶- باب استحباب صبر در برابر حسودان و مانند آن

۱- امام صادق (ع) فرمود : در برابر دشمنان نعمت (حسودان) صبر پیشه کن. زیرا کسی را که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده هرگز نتوانی بهتر از فرمانبرداری خدا نسبت به او جبران کنی. ۲- پیغمبر (ص) فرمود : خداوند در مورد چهار بلا از مؤمن پیمان گرفته که سخت ترین آنها بر مؤمن این است که مؤمنی ظاهراً با او هم عقیده است ولی بر او رشک برد، یا این که منافقی در صدد کشف نقطه

ضعفهای او باشد یا شیطان گمراهش کند، یا کافری به جنگ با او برخیزد، برای مؤمن با اینها بقایی نیست.

(یعنی با این گرفتاریها مؤمن چقدر میتواند تحمل داشته باشد) ۳- داود بن سرحان گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که میفرمود: چهار چیز است که مؤمن از آن چهار چیز یا یکی از آنها بر کنار نیست، مؤمنی که مؤمن دیگر بر او رشک برد و این از همه گرفتاریها سختتر است، منافقی که مؤمن را دنبال کند، تا نقطه ضعفی از او پیدا کند، یا دشمنی که با او در ستیز باشد، یا شیطانی که او را گمراه نماید.

توضیح این که حدیث ۴ مانند حدیث یک است و از امام موسی کاظم (ع) نقل شده، و حدیث ۵ نیز مانند حدیث یک است، به اضافه جملاتی در ذیل حدیث به این شرح که امام (ع) خطاب به زید شخام میفرماید: ای زید خداوند اسلام را انتخاب فرموده، پس همنشینی و مصاحبت او را با خوشرویی و سخاوت نیکو بدارید.

۱۱۷- باب استحباب سکوت، مگر در امور

خیر

۱- امام رضا (ع) فرمود: دانش، سکوت، و بردباری از نشانه‌های دانایی است. همانا سکوت یکی از درهای حکمت است، محققا سکوت محبت می‌آورد و راهنمای هر امر خیری است.

۲- امام رضا (ع) فرمود: سکوت و بردباری از علایم دانایی است.

۳- ابو حمزه گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که میفرمود: همانا پیروان ما بی‌زبانند. (کم گوی گزیده گو هستند)

۴- امام صادق (ع) فرمود: که پیغمبر (ص) به مردی که خدمتش آمده بود فرمود:

نمی‌خواهی ترا به امری راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن ترا به بهشت برده، عرض کرد چرا، یا رسول الله، حضرت فرمود: از آنچه که خدا به تو عطا فرموده بده، گفت: اگر خودم از آن که به او دهم نیازمندتر باشم چه کنم؟ فرمود: ستمدیده را یاری کن، گفت: اگر خودم ناتوانتر از او باشم چه کنم؟ فرمود: کاری برای نادان بکن. یعنی او را راهنمایی کن. گفت اگر خودم نادانتر از او بودم چه کنم؟ فرمود: زبانت را جز از خیر خاموش دار، آیا شادمان نیستی که یکی از این خصلت‌ها را داشته باشی که ترا به بهشت برده.

۵- امام صادق (ع) فرمود: لقمان حکیم به پسرش گفت: پسر جان اگر گمان می‌کنی که سخن گفتن نقره است، بدان که خاموشی طلاست.

۶- و شاء گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود: هر گاه مردی از بنی اسرائیل می‌خواست عبادت نماید. ده سال قبل از آن سکوت اختیار می‌کرد. (یعنی سخن بیهوده نمی‌گفت)

۷- امام صادق (ع) در نصایحش به یاران خود فرمود: از این که زبان‌تان به ذکر سخن دروغ و ناحق و بهتان، و گناه و دشمنی مشغول باشد بپرهیزید. زیرا اگر زبان‌تان را از آنچه که خدا زشت دانسته و نهی فرموده است ننگه دارید، این کار برای‌تان بهتر خواهد بود از این که زبان‌تان به ذکر سخنان زشت مشغول باشد، چون چیرگی زبان به پلیدی‌هایی که خدا نهی کرده است دلیل پستی شخص در نزد خدا و دشمنی با پروردگار است، و هم چنین نوعی کوری و کوری است که خداوند در روز قیامت نصیبش گرداند.

- ۸- در حدیث مرفوعه‌ای. پیغمبر (ص) فرمود: زبانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه‌ای است که به خود بخشیده‌ای، سپس فرمود: هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نمی‌شناسد، تا این که زبانش را حفظ کند (یعنی آنچه را که سود دنیا و آخرت دارد بگوید و زبان را از بقیه باز دارد).
- ۹- امام صادق (ع) فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که خاموش است از نیکوکاران نوشته می‌شود، و چون لب به سخن گشاید، نیکوکار یا بدکار نوشته شود (- یعنی نیکی و بدی او بسته به کلامش است-)
- ۱۰- امام صادق (ع) فرمود: سخن گفتن در راه حق بهتر است از سکوت بر باطل.
- ۱۱- امام صادق (ع) فرمود: سکوت گنجی وسیع است که برای بردبار زینت، و برای نادان پرده و پوشش است.
- ۱۲- امام صادق (ع) فرمود: با هیچ چیز همانند سکوت، و رفتن به زیارت خانه خدا نمی‌توان خدا را عبادت کرد.
- ۱۳- در حدیث مرفوعه‌ای پیغمبر (ص) فرمود: زمانی برای مردم پیش می‌آید، که در آن زمان سلامتی دارای ده جزء است، نه جزء آن در کناره‌گیری از مردم، و جزء دیگرش در خاموشی است. و در خصال از محمد بن حسن از صفار از عباس بن معروف نظیر همین روایت نقل شده است.
- ۱۴- حدیث ۱۴ مانند حدیث شماره يك است از امام رضا (ع)
- ۱۵- امام صادق (ع) فرمود: خواب، راحتی بدن، سخن گفتن، راحتی روح، و سکوت، راحتی برای عقل است.
- ۱۶- علی بن حسین (ع) فرمود: گفتار نیک ثروت را زیاد و روزی را افزون می‌کند، و اجل را به تأخیر می‌اندازد، و محبت خاندان را جلب، و انسان را داخل بهشت می‌کند.

۱۷- امام صادق (ع) به نقل از اجدادش فرمود: حضرت داود (ع) به سلیمان (ع) گفت: «پسرم، بر تو باد به سکوت طولانی، زیرا يك بار پشیمانی بر سکوت دراز مدت، بهتر از پشیمانی متعدّد بر گفتار زیاد است، فرزندم، اگر سخن گفتن نقره است سزاوار است که خاموشی طلا باشد.»

۱۸- علی (ع) فرمود: خاموشی از اندرز دادن خیری ندارد. چنان که در سخن گفتن از روی نادانی بهره‌ای نیست.

۱۹- علی (ع) فرمود: سکوت زیاد، شکوه و بزرگی می‌آورد.

۲۰- علی (ع) فرمود: هر که گفتارش زیاد شود، لغزشش بیشتر است، و هر که لغزشش بیشتر باشد، از حیای او کاسته شود، و هر که حیایش کم شود، پارسایی‌اش کاهش یابد، و هر که پارسایی‌اش کم گردد، دلش می‌میرد، هر که دلش بمیرد، در آتش داخل می‌شود.

۲۱- علی (ع) فرمود: تا سخن نگفته‌ای گفتارت گروگان توست، و چون سخن گفتی کلامت را در موضعش قرار دادی، (چه خوب یا بد) زبانت را نگهدار چنان که طلا و سکه‌ات را نگاه می‌داری، ای بسا سخنی نعمتی را از تو بازگیرد.

۱۱۸- باب استحباب سخن گفتن در جایی که سکوت روا نیست

۱- پیغمبر (ص) در نصیحتش به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر! کسی که در میان جمعی غافل و بی‌خبر یاد خدا می‌کند، همانند کسی است که در میان گروهی که از جنگ می‌گریزند به نبرد ادامه می‌دهد.

ای ابا ذر، همنشین خوب بهتر از تنهایی، و تنهایی بهتر از همنشین بد است.

گفتن سخن خیر بهتر از خاموشی، و خاموشی بهتر از گفتار شرّ است.

ای ابا ذر، سخنان زاید را ترك كن، و سخن به مقداری كه نیازت را برآورد ترا بس است.

ای ابا ذر، در دروغگویی شخص همین بس كه هر چه را بشنود نقل كند.

ای ابا ذر، هیچ چیز برای حبس كردن طولانی در زندان سزاوارتر از زبان نیست.

ای ابا ذر، خدا نزد زبان هر گوینده حاضر است، پس شخص باید از خدا پروا داشته باشد، و بداند كه چه می‌گوید.

۲- در احتجاج طبرسی است كه از علی بن حسین (ع) سؤال شد، سكوت بهتر است یا سخن گفتن، فرمود، برای هر يك از آنها آفتابی است، اگر سالم از آفت باشند سخن گفتن بهتر از خاموشی است، عرض شد یا ابن رسول الله چگونه است آن؟ فرمود: برای این كه خدای عزّ و جلّ هیچ يك از پیغمبران و اوصیا را برای سكوت مبعوث نفرموده، بلکه برای سخن گفتن فرستاده است. و استحقاق بهشت با سكوت امکان‌پذیر نیست، و دوستی خدا با سكوت میسر نمی‌شود، دوری از آتش غضب پروردگار با سكوت ممكن نیست، بلکه همه اینها با سخن گفتن و تكلم به دست می‌آید، من نمی‌توانم ماه را با خورشید يكسان بدانم. راوی گوید:

یا ابن رسول الله شما برتری سكوت بر كلام را بیان فرمودی، ولی فضیلت كلام را بر سكوت توصیف نفرمودی.

۱۱۹- باب وجوب نگهداری زبان از آنچه که گفتنش روا نیست

۱- امام سجّاد (ع) فرمود : هر روز صبح زبان آدمی تمام اعضای بدنش را زیر نظر گرفته، و می‌گوید : چگونه هستید؟ شب را چگونه به صبح رساندید؟ پاسخ می‌دهند اگر تو ما را رها کنی خوب هستیم، و می‌گویند، خدا را، خدا را نسبت به ما یاد بیاور، سوگندش دهند و گویند ما به وسیله تو پاداش و کیفر می‌بینیم.

۲- ابو علی جوانی گوید : امام صادق (ع) را دیدم که انگشت بر لبهای مبارکش گذاشته و به غلامش سالم می‌فرماید : ای سالم زبانت را نگهدار تا سلامت بمانی، و مردم را بر دوش ما سوار مکن (از فضایل ما آنچه خلاف تقیّه است مگو تا بر ما نشورند) ۳- شخصی به امام موسی بن جعفر (ع) عرض کرد : یا ابن رسول الله مرا نصیحت فرمایید، فرمود : زبانت را نگهدار تا عزیز شوی، اختیارت را به دست مردم نده، تا خوار و زبون نگردی.

۴- امام صادق (ع) در مورد آیه شریفه «مگر کسانی را ندیدی که به آنها گفته شد دستهای خود را نگه دارید.» فرمود : مراد از **كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ**، یعنی زبانتان را نگه دارید.

۵- امام صادق (ع) به مردی که زیاد حرف می‌زد، فرمود : سخن را کوچک

و خوار می‌شماری همانا خدا هیچ پیغمبری را همراه با طلا و نقره مبعوث نفرموده بلکه آنها را با کلام به سوی مردم فرستاده، خداوند خودش را نیز به وسیله کلام و براهین و ادله به مردم معرفی کرده است. ۶- در حدیث مرفوعه‌ای پیغمبر (ص) فرمود : نجات مؤمن در نگه داشتن زبانش باشد.

- ۷- ابو بصیر گوید : از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود : ابو ذر رحمه الله علیه می‌گفت : ای آن که دانش می‌طلبی همانا این زبان کلید خیر و شر است، پس چنان که بر طلا و نقره ات (برای محفوظ ماندن) مهر می‌زنی، بر زبانت نیز مهر بزن.
- ۸- در حدیث مرفوعه آمده است که مردی خدمت پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد :
- یا رسول الله مرا نصیحتی فرما، فرمود : زبانت را نگه دار، عرض کرد : یا رسول الله مرا نصیحتی فرما، فرمود : زبانت را نگه دار، عرض کرد : یا رسول الله به من نصیحتی فرما، فرمود زبانت را نگه دار، وای بر تو، آیا مردم را بجز نتیجه گفتار زبانشان به رو در آتش اندازند؟
- ۹- امام صادق (ع) فرمود : در حکمت آل داود است (کتاب زبور) که بر عاقل لازم است به وضع زمانش آشنا باشد، سرگرم کار خود بوده، و زبانش را نگه دارد.
- ۱۰- امام صادق (ع) فرمود : روزی نیست جز آن که هر عضوی از اعضای بدن در برابر زبان فروتنی کرده و می‌گویند : ترا بخدا مبادا به وسیله تو ما عذاب ببینیم.
- ۱۱- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است، اگر در چیزی نحسی و شومی باشد، آن شومی در زبان است.
- ۱۲- علی (ع) فرمود : زبان درنده‌ای گزنده است اگر به خود واگذار شود می‌گزد.
- ۱۳- علی (ع) فرمود : چون خرد به مرتبه کمال رسد گفتار کاهش می‌یابد.
- ۱۴- امام صادق (ع) فرمود : در حکمت آل داود (کتاب زبور) است که برای خردمند سزاوار است سرگرم کار خود باشد، زبانش را نگه دارد، و وضع اهل زمانش را بشناسد.
- ۱۵- علی (ع) در وصیت به فرزندش محمد حنفیّه فرمود : خدای عز و جل چیزی نیکوتر

از سخن و زشت تر از آن نیافریده است، به سبب سخن چهره‌ها سیاه و سفید می‌شوند، آگاه باش تا وقتی که سخن نگفته‌ای کلامت در اختیار توست، و چون سخن گفתי آن را در جایش قرار دادی، «خوب یا بد» همچنان که طلا و نقره‌ات را نگاه می‌داری، زبانت را نیز نگه‌دار، زیرا زبان سگ گزنده است اگر آزادش گذاری می‌گزد ای بسا سخنی نعمتی را برباید. هر که افسار گسیخته باشد به سوی زشتیها و پلیدیها کشیده می‌شود، آنگاه از روزگار رهایی ندارد. مگر با مذمت مردم و دشمنی با خدا.

۱۶- علی (ع) فرمود: هیچ چیزی برای این که مدتی دراز زندانی شود سزاوارتر از زبان نیست.

۱۷- امام رضا (ع) از پدرش نقل کرده است که امام صادق (ع) فرمود: نجات مؤمن در نگهداری زبانش است، و نیز علی (ع) فرمود: هر که زبانش را نگه دارد، خداوند عیبهای او را می‌پوشاند.

۱۸- سلیمان بن مهران گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم، عده‌ای از شیعیان در خدمتش بودند، شنیدم که می‌فرمود: ای گروه شیعیان زینت ما باشید، و سبب ننگ ما نشوید، به مردم سخنان خوب بگویید، زبانتان را حفظ کنید، و آن را از گفتن سخنان زشت و بی‌فایده بازدارید.

۱۹- پیغمبر (ص) فرمود: در غیر ذکر خدا زیاد سخن نگویند زیرا سخن گفتن زیاد در غیر ذکر خدا قساوت قلب می‌آورد، و دورترین مردم از خدا کسانی هستند که قساوت قلب دارند.

۲۰- امام صادق (ع) به یارانش فرمود: کلامی را از من بشنوید که از پول پسانداز شده برایتان بهتر است، و آن عبارت است از این که هیچ کدام از شما سخنی را که سودمند نیست نگویند، و سخنی را که سود

دارد زیادی اش را ترك كنید، تا این که برای گفتنش موقعیت مناسبی یافت شود، ای بسا گوینده ای که با گفتار بی مورد خویشتن را به اشتباه انداخته، هیچ يك از شما نباید با بردبار، و احمق مجادله کند، زیرا هر که با بردبار مجادله نماید محکوم می شود، و هر که با سفیه مجادله کند خوار و زبون شود، برادرانتان را در غیابشان بهتر از آنچه که می خواهید آنان شما را در غیاب یاد نمایند یاد کنید، اعمالتان را مانند کسی انجام دهید که از پاداش کار نیک و عذاب گناهان آگاه است.

۲۱- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که علی (ع) فرمود: سه چیز باعث نجات است ۱- نگهداری زبان، ۲- گریه بر گناهان، ۳- توسعه دادن زندگی اهل و عیال.

۲۲- فضیل بن یسار گوید: امام باقر (ع) فرمود: ای فضیل، به دوستان ما سلام برسان و به آنان بگو که من چنین می گویم: من از آنان به هیچ چیز مثل تقوا برای خدا بی نیاز نمی شوم، زبانهایتان را حفظ کنید، دستهایتان را «از کارهای بد» بازدارید، نماز خواندن، و صبر کردن پیشه نمایید، زیرا خداوند با صابران است.

۲۳- امام صادق (ع) از اجدادش نقل کرده است که پیغمبر (ص) فرمود: بر زبان هر گوینده نگهبانی مراقب است، شخص باید از خدا پروا داشته باشد، و بنگرد که چه می گوید.

۲۴- امام صادق (ع) از جدش نقل فرماید: از نشانه های کمال اسلام شخص، ترك سخن بیهوده است.

۱۲۰- باب کراهت گفتار زیاد در غیر ذکر خدا

۱- امام صادق (ع) فرمود : حضرت عیسی (ع) می‌گفت در غیر ذکر خدا زیاد سخن نگویند، زیرا آنان که در غیر ذکر خدا زیاد سخن گویند، قساوت قلب دارند اما خودشان نمی‌دانند.

۲- امام صادق (ع) فرموده که پیغمبر (ص) فرمود : هر که گفته‌های خود را جزء اعمالش نشمارد لغزشهایش زیاد شود، و عذابش فرا رسد.

۳- جعفر بن ابراهیم گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : پیغمبر (ص) فرموده است : هر که موقعیت گفتارش را در کردار خود بنگرد، از سخنش کاسته شود، مگر در باره آنچه که برای او سودمند باشد.

۴- در نامه امام صادق (ع) به یاراناش آمده است : از خدا پروا کنید، زبانتان را نگه دارید مگر از خیر و نیکی، تا این که فرمود : بر شما باد به سکوت مگر در آنچه که برای آخرتتان نفعی داشته باشد، و خداوند پاداشتان دهد، و کلمه لا اله الا الله و سبحان الله را بیشتر بگویید، خدا را زیاد حمد و ثنا گفته و تضرع و زاری نمایید، و به خیری که نزد خداوند است و مقدار و کنهش برای کسی بجز خدا معلوم نیست رغبت نشان دهید و با آن کلمات (اذکار یاد شده) زبانتان را از گفتار باطلی که خدا نهی فرموده و گوینده‌اش اگر توبه نکرده بمیرد در آتش همیشگی معذب می‌شود، نگه‌دارید.

۵- امیر المؤمنین (ع) از جایی می‌گذشت؛ شخصی را دید که حرفهای لغو و بیهوده می‌زند؛ حضرت ایستاد، سپس فرمود : ای مرد

تو برای خدا نامه‌ای را بر محافظانت
دیگته می‌کنی. آنچه که برای تو اهمیّت
دارد بگو و آنچه که مهمّ نیست رها کن.

۶- علی (ع) فرمود : همه نیکیها در سه
خصلت جمع شده، ۱- فکر کردن ۲- خاموشی ۳-
کلام، هر اندیشه‌ای که در او پندآموزی
نباشد بیجا و مهمل است. و هر کلامی که در
آن یاد خدا نباشد بیهوده، و هر سکوتی که
در آن اندیشیدن نباشد غفلت و نادانی
است. پس خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت،
سکوتش تفکّر، و کلامش یاد خدا باشد، و بر
گناهانش اشک ریزد، و مردم از شرّ او
آسوده باشند.

۷- جعفر بن ابراهیم گوید از امام صادق
(ع) شنیدم که فرمود : هر که موقعیّت
گفتارش را با عقلش تمیز دهد سخنش در
چیزهایی که سودی ندارد کاسته می‌شود.

۸- پیغمبر (ص) فرمود : از مجادله با
فتنه‌گران پرهیزید زیرا هر که گرفتار
فتنه شود، پذیرش عذرش مدّت زمانی لازم
دارد، هنگامی که مدتش به سر رسید،
فتنه اش وی را در آتش می‌سوزاند.

۹- ابو اراکه گوید : از علی (ع) شنیدم
که می‌فرمود : خداوند را بندگان است که
دل‌هایشان را خوف خدا شکسته است. با این
که فصیح، و عاقل و نجیبند از سخن گفتن
خودداری می‌کنند، با انجام کارهای خوب در
نزدیک شدن به خدا بر هم پیشی گیرند، و
کار بسیاری را که برای خدا انجام می‌دهند
زیاد نمی‌شمارند و به کار اندکی که برای
او انجام می‌دهند راضی نمی‌شوند نفس خود
را شرور می‌بینند در صورتی که زیرکترین
نیکانند.

۱۰- علی (ع) به نقل از پیغمبر (ص)
فرمود : صاحبان سخن بر سه گونه اند راجح،
سالم، شاجب. راجح کسی است که ذکر خدا
گوید، سالم کسی است که می‌گوید، خدا را

دوست دارم، و اما شاجب کسی است که به مردم دروغ گوید و آنان را مسخره کند.
۱۱- امام صادق (ع) فرمود: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: ترك کردن اموری که برای شخص سودی ندارد از نشانه نیکویی اسلام اوست.

۱۲۱- باب استحباب مدارا کردن با مردم

۱- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است، خداوند مرا به

سازگاری با مردم دستور داد همان طور که به انجام واجبات امر فرمود.

۲- امام باقر (ع) فرمود: در تورات نوشته شده است: از جمله سخنان خدا با موسی بن عمران (ع) این بود: ای موسی اسرار مرا در باطن خویش نهفته دار، ولی در ظاهرت مدارا کردن با دشمن خود و من را از جانب من آشکار کن، و با اظهار اسرار من در نزد مردم باعث ناسزاگویی آنان به من نشوی، و در دشنام دادن به من شریک دشمن خود و دشمن من گردی.

۳- حسین بن حسن گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود:

جبرئیل (ع) بر پیغمبر (ص) نازل شد و گفت: ای محمد خداوند به تو سلام می‌رساند، و می‌گوید: با خلق من مدارا کن.

۴- امام صادق (ع) فرمود: که پیغمبر (ص) فرموده است سه خصلت است که هر کس نداشته باشد هیچ يك از اعمالش کامل نیست، تقوایی که وی را از نافرمانی خدا باز دارد، اخلاقی که با آن با مردم مدارا کند، حلمی که جهالت شخصی نادان را با آن ردّ نماید.

۵- امام صادق (ع) فرمود: پیغمبر (ص) فرموده است: مدارا کردن با مردم نصف ایمان، و لطف کردن به آنها نصف زندگی

است. سپس امام (ع) فرمود : با نیکان به طور پنهانی و با بدان آشکارا معاشرت داشته باشید، و به بدان رغبت زیاد نشان ندهید که بر شما ستم کنند، زیرا بزودی روزگاری برایتان پیش آید که در آن روزگار مردم متدین‌رهایی ندارند مگر کسی که وی را ابله پندارند، و خودش نیز تحمل کند که به او نسبت ابله و بی‌عقلی بدهند.

۶- حذیفة بن منصور گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : گروهی از قریش مدارا کردنشان با مردم کم شد تا از قریش رانده شدند، به خدا قسم از نظر خانوادگی عیبی نداشتند، و گروه دیگر از غیر قریش سازگاری‌شان با مردم بهتر شد به خاندان عالی پیوستند. سپس فرمود : کسی که دست نیکی خود را از مردم دریغ دارد، فقط دستی از آنها باز داشته، در صورتی که مردم دستهای زیاد از او باز می‌دارند. ۷-

امام صادق (ع) خطاب به اسحاق بن عمار فرمود : ای اسحاق، منافق را با زبانت اصلاح کن، دوستی خویش را با مؤمن خالص گردان، و اگر فرد یهودی همنشین تو شد، حق همنشینی وی را نیکو مدار.

۸- علی (ع) در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه فرمود : به همه مردم نیکی کن آن چنان که می‌خواهی به تو نیکی کنند، آنچه را که برای خودت می‌پسندی برای آنان نیز بپسند، و آنچه که برای خویشتن نمی‌پسندی برای دیگران نیز بپسند، اخلاقت را با مردم نیکو کن تا در غیابت به تو محبت ورزند، و اگر مردی برایت اشک ریزند، **وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** گویند، و از کسانی مباش که در مرگش بگویند : الحمد لله رب العالمین، بدان که مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدای عز و جل سرآمد عقل است، کسی که با همنشینانش خوب معاشرت نکند، خیری در او نیست. و آنان که

ناچارند با وی معاشرت نمایند، خداوند برای رهایی از شرّ او راه نجاتی قرار می‌دهد. - آنگاه فرمود : - من تمام زندگی و معاشرت مردم با يك ديگر را به منزله پیمانۀ پر می‌پندارم که دو جزء آن جلب محبّت و نیکی کردن، و يك جزء دیگرش در غفلت به سر بردن است. ۹- در حدیث مرفوعه‌ای آمده است. که علی (ع) به فرزندان فرمود : فرزندانم از دشمنی با مردم بپرهیزید، زیرا آنها از دو صنف خارج نیستند، عاقلی که با شما مجادله کند، و نادانی که با شما به جهالت رفتار نماید. و کلام به منزله مرد است، و پاسخ زن، هنگامی که زن و مرد به هم پیوندند ناچار ثمره‌ای خواهد داشت، سپس این شعر را خواند.

هر که از پاسخ بپرهیزد آبرویش سلامت ماند.

و کسی که با مردم مدارا کند کار خوبی کرده است* کسی که مردم را بزرگ شمارد مردم نیز او را بزرگ دانند* و هر که مردم را تحقیر نماید هرگز مردم بزرگش نشمارند ۱۰- سفیان بن عینه گوید به زهری گفتم : با علی بن حسین (ع) ملاقات کردی؟ گفت آری. و تا حال با کسی برتر از او ملاقات نکرده‌ام. من برای او دوستی در نهان و دشمنی آشکارا نمی‌شناسم گفتند چگونه؟ گفت چون کسی را ندیدم که آن حضرت را دوست دارد، ولی از شدت معرفت به فضلش به او رشک نبرد، و کسی را ندیدم که با آن حضرت دشمن باشد ولی از شدت مدارای او با وی مدارا نکند.

۱۲۲- باب وجوب ادا کردن حقوق واجب و مستحب مؤمن

۱- امام صادق (ع) فرمود : خدا به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن عبادت نشود.
۲- امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی‌کند، او را خوار نمی‌دارد، به وی خیانت نمی‌کند، سزاوار است که مسلمانان در برقراری پیوند با يك ديگر بکوشند، و در کمک کردن بر مهربانی دو جانبه و مواسات با نیازمندان با يك ديگر سعی کنند. آن چنان باشید که خدا دستور داده «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» با همدیگر مهربان باشید، و نسبت به امور دیگران که نتوانسته‌اید به یاری آنان بشتابید. اندوهگین باشید، مانند انصار که در زمان رسول الله (ص) غمخوار يك ديگر و مهاجرین بودند.

۳- امام صادق (ع) فرمود : پیغمبر (ص) فرموده است : شش خصلت است که در هر کس باشد در برابر خدا و نزدیک او باشد. ابن ابی یعفر گفت : قربانت کردم آنها کدامند؟ فرمود : مسلمان آنچه را که برای عزیزترین افراد خانواده اش دوست می‌دارد، برای برادر مسلمانش نیز دوست بدارد، و آنچه را که برای آنان نمی‌پسندد، برای برادر مسلمان نیز نپسندد، و با او دوستی صمیمانه داشته باشد، تا این که فرمود : وقتی در دوستی به این حدّ برسد آنچه که در دل دارد برایش توضیح دهد، و با شادی او شاد و با اندوه وی غمناک شود، و اگر توانایی انجام کاری را برای او دارد انجام دهد، و گرنه برایش دعا کند، تا این که گفت :

پیغمبر (ص) فرمود : خدا را جانب راست عرش بندگانی در برابرش دارد که رخسارشان

سفیدتر از برف و روشنتر از آفتاب است، شخصی می‌پرسد آنها کیستند؟ گفته می‌شود، آنها کسانی هستند که برای عظمت خدا همدیگر را دوست داشتند. ۴- امام صادق (ع) فرمود: مسلمان برادر مسلمان، و چشم، و آینه و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت نمی‌کند، نیرنگ نمی‌زند، و ستم روا نمی‌دارد، به او دروغ نمی‌گوید، و غیبتش نمی‌کند.

۵- امام باقر (ع) فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که در وقت گرسنگی او را سیر کند، عورتش را بپوشاند، از گرفتاریها نجاتش دهد، قرضش را ادا نماید، و چون بمیرد نسبت به خانواده و فرزندان او از طرف او جانشینی کند، (یعنی نسبت به آنها محبت نماید)

۶- امام صادق (ع) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت نمی‌کند، ستم روا نمی‌دارد، و گولش نمی‌زند، و اگر وعده داد خلف وعده نمی‌کند.

۷- معلی بن خنیس گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: برای او هفت حق واجب است که همه آنها بر عهده برادرش است و اگر برخی از آنها را ضایع کند از دوستی و اطاعت خدا خارج می‌شود، و برای او (در اطاعت و بندگی خدا) بهره‌ای نیست، عرض کردم: فدایت شوم.

آنها کدامند؟ فرمود: ای معلی، ترا دوست دارم، و می‌ترسم که نتوانی حفظ و مراعات کنی، و بدانی ولی عمل نکنی، گفتم: «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نیرویی جز از خدا نیست، فرمود: آسانترین حقوق این است که آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای او هم دوست داشته باش، و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای او نیز نپسندی. و حق دوم: این که

از غضب او دوری و از رضایتش پیروی کنی و فرمانبردار امر او باشی.

سوم : این که با جان، مال، زبان، و دست و قدمت او را یاری کنی.

چهارم : این که چشم، و راهنما و آینه او باشی.

پنجم : این که تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، تو پوشیده نباشی و او برهنه.

ششم : این که اگر خدمتگزار داری و برادرت ندارد، بر تو واجب است خدمتگزارت را بفرستی تا لباسهای او را بشوید، و غذایش را آماده کند، و بسترش را

مرتب نماید. هفتم : این که سوگندش را تصدیق کنی، دعوتش را بپذیری، در وقت بیماری از او عیادت کنی، و بر جنازه اش حاضر شوی، و چون بدانی حاجتی دارد در انجام حاجتش پیشدستی کنی تا او را مجبور نکنی که از تو حاجت بخواهد بلکه خودت پیشدستی کنی چون اینها را انجام دادی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.

۸- امام صادق (ع) فرمود : از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان این است که او سیر نباشد و برادرش گرسنه، و او سیراب و برادرش تشنه و او پوشیده و برادرش برهنه. چه بزرگ است حق مسلمان بر برادر مسلمانش و فرمود : آنچه برای خود می‌پسندی برای برادر مسلمانان نیز بپسند، اگر نیازمندی از او یاری بخواه، و اگر وی از تو چیزی خواست به او عطا کن، نسبت به خیری نباید از او دلگیر شوی، و نه او از تو ملول گردد، تو پشتیبان او باش و او پشتیبان تو باشد، و چون غایب شود در غیبتش او را نگهدار، و چون حاضر شود از او دیدن کن و تجلیل و اکرامش نما، زیرا او از تو و تو از او هستی،

اگر تو را نکوهش کرد از او جدا نشوی تا کینه از دلش بزدایی، اگر خیری به او رسید خدا را شکر کن، و اگر گرفتاری برایش پیش آمد کمکش کن، و اگر فریبش دادند او را یاری کن، هر گاه مردی به برادرش «افّ» (وای بر تو) بگوید. دوستی بین آنها قطع می‌شود، و چون بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر می‌شود، و چون برادرش را متهم کند، ایمان در قلبش همانند نمک در آب ذوب می‌شود.

۹- امام صادق (ع) فرمود: از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان این است. که چون او را ببیند سلامش کند، و چون بیمار شود عیادت نماید، چون غایب گردد خیرخواهش باشد، چون عطسه نماید دعایش کند (یرحمک الله) بگوید اگر دعوتش کرد قبول نماید و چون بمیرد او را تشییع کند.

۱۰- ابو میمون حارثی گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود: از جمله حق مؤمن بر مؤمن، دوستی قلبی و مواسات مالی است، و این که به جای او از خانواده‌اش سرپرستی کند و این که در برابر ظالم وی را یاری نماید، و اگر در بین مسلمانان «از غنیمت و یا بخشش» نصیبی دارد و او غایب است سهمش را برای او دریافت کند، و چون بمیرد به زیارت قبرش رود، و به او ستم روا ندارد، فریبش ندهد، خیانت نکند، خوارش نسازد، تکذیبش ننماید، و به او «افّ» (وای بر تو) نگوید. و چون به او «افّ» گوید دوستی میان آنها نباشد، و چون بگوید تو دشمن منی، یکی از آنها کافر می‌شود، و اگر او را متهم کند، ایمان در قلبش آب می‌شود همانند نمک که در آب حل می‌شود.

۱۱- معلی بن خنیس می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد حق مؤمن پرسیدم، فرمود: هفتاد حق است، فقط هفت حق را به تو

می‌گوییم، زیرا به تو مهربانم، و می‌ترسم نتوانی تحمل کنی، عرض کردم: چرا؟ ان شاء الله، فرمود: از جمله حقوق مؤمن، این که تو سیر نباشی و او گرسنه، و پوشیده نباشی و او برهنه، و برای او راهنما باشی، و به منزله پیراهنی که عیوب او را می‌پوشاند، زبان گویای او باشی، آنچه که برای خودت دوست داری برای او نیز بخواهی و اگر خدمتگزار داری، برای مرتب نمودن فرش و بسترش پیش او بفرستی، و در رفع نیاز او شب و روز کوشش نمایی، وقتی که این کارها را انجام دادی، دوستی خودت را به محبت ما رسانیده‌ای و دوستی ما را به دوستی خدا پیوند دادی.

۱۲- علی (ع) در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: هرگز حق برادرت را به خاطر اعتمادی که میان شما هست ضایع مکن، زیرا کسی که حقش را ضایع کردی برادرت نیست.

۱۳- امام صادق (ع) فرمود: که پیغمبر (ص) فرموده است: مؤمن برای خدا در ذمه مؤمن هفت حق واجب دارد، محترم داشتن او در غیابش، دوستی با او از ژرفای دل، و مواسات با او در مال خود، و این که غیبت او را حرام بدانند، و هنگام بیماری عیادتش کند، جنازه اش را تشییع کند، و پس از مرگ جز خوبی او را نگوید.

۱۴- ابراهیم بن عباس گوید: هرگز امام رضا (ع) را ندیدم کسی را با سخنی آزار دهد، و حرف کسی را پیش از تمام شدن سخنش قطع کند، و در صورت توانایی حاجت کسی را رد نمی‌نمود و در حضور همنشینانش هرگز پای خود را دراز نمی‌کرد و به چیزی تکیه نمی‌داد، هیچ وقت ندیدم که به خدمه و غلامانش ناسزا گوید، هیچ گاه ندیدم که وی تنش را بخاراند و بلند بخندد، بلکه خنده اش تبسم بود.

۱۵- داود بن حفص گوید : در حضور امام صادق (ع) بودیم : چون عطسه فرمود، اراده کردیم که او را دعا کنیم (یرحمک الله بگوئیم)، خودش فرمود : چرا «یرحمک الله» نگفتید؟ همانا از جمله حق مؤمن بر برادرش چهار خصلت است، چون عطسه کرد او را دعا کند «یرحمک الله» گوید، اگر دعوت کرد بپذیرد، و اگر بیمار شد عیادتش کند، و چون بمیرد جنازه اش را تشییع نماید.

۱۶- ابان بن تغلب گوید : با امام صادق (ع) طواف می‌کردم، یکی از دوستانم را دیدم، و از من خواست همراه او بروم که حاجتی دارد. او به من اشاره کرد و امام صادق (ع) او را دید، و به من فرمود : ای ابان آن شخص ترا می‌خواهد؟ گفتم : آری، فرمود : او نیز عقیده ترا دارد، «یعنی شیعه است» گفتم :

آری، فرمود : طوافت را قطع کن و با او برو، عرض کردم : اگر طواف واجب هم باشد، فرمود : بلی. ابان گوید : با دوستم رفتم. پس از آن به خدمت حضرت رسیدم، و از حق مؤمن پرسیدم، فرمود : این موضوع را کنار بگذار و از من مخواه سپس همواره تکرار کردم و به اصرار نمودم، تا فرمود : ای ابان نیمی از مالت را به او می‌دهی، سپس به من نگیریست، و چون دید چه حالی به من دست داده است فرمود : ای ابان آیا نمی‌دانی که خداوند از ایثارگران یاد نموده است؟ گفتم : چرا؟ فرمود : چون تو نیمی از مالت را به او دهی وی را بر خود ترجیح نداده‌ای زمانی او را بر خود ترجیح داده‌ای که از نصف دیگر هم به او بدهی.

۱۷- امام صادق (ع) فرمود : چه زشت است برای مرد که برادرش حق او را بشناسد- و رعایت نماید- ولی او حق برادرش را نشناسد.

۱۸- در حدیث مرفوعه‌ای، پیغمبر (ص) فرمود: مؤمن آینه برادر مؤمنش است، پلیدیها را از او دور می‌کند.

۱۹- امام باقر (ع) فرمود: برادر مسلمانان را دوست بدار، آنچه برای خودت دوست داری برای او نیز بخواه، و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای او نیز می‌پسند، چون نیازمندی از او بخواه، و اگر او از تو چیزی درخواست کرد به او بده، هیچ خیری را از او پنهان مدار که او نیز خیری را از تو نهفته ندارد، پشتیبان او باش تا او نیز پشتیبان تو باشد، و چون غایب شد در غیبتش حق را رعایت کن، و اگر حاضر شود با او دیدار نموده و تجلیل و احترامش کن، زیرا تو از او و او از توست، و اگر بر تو نکوهش کرد، از او جدا نشوی تا این که از کینه دلش کاسته شود، اگر خیری به او برسد، خدا را سپاسگزاری کن. چون گرفتار شد کمکش کن و حقش را نیز به گردن گیر.

۲۰- امام صادق (ع) فرمود: هر که حق مؤمن را رعایت نکند، خداوند روز رستاخیز او را صد سال روی پا ننگه می‌دارد تا از عرقش سیلی در بیابان جاری گردد، سپس از طرف خدای عز و جل منادی فریاد زند، این همان ستمگری است که حق خدا را نزد خود حبس نموده، سپس فرمود: پس از چهل سال توبیخ دستور داده می‌شود که او را به سوی آتش دوزخ ببرند.

۲۱- علی (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: پسندیده است که هر مسلمان شش کار را در حق برادرش انجام دهد:

- ۱- وقتی که او را دید سلام کند. ۲- چون مریض شد عیادتش نماید. ۳- وقتی عطسه کرد دعایش کند (یرحمک الله) بگوید. ۴- پس از مرگ بر جنازه اش حاضر شود. ۵- اگر او را دعوت کرد اجابت نماید. ۶- آنچه که برای

خود می‌پسندد برای او نیز بی‌پسندد، و آنچه که برای خودش دوست ندارد برای او نیز روا ندارد.

۲۲- محمد بن مسلم گوید: شخصی از جبل عامل پیش من آمد و با او به خدمت امام صادق (ع) رسیدیم در وقت خداحافظی از امام تقاضا کرد که او را نصیحت فرماید، حضرت فرمود: سفارش می‌کنم ترا به تقوای الهی و نیکی به برادر مسلمانان، دوست بدار برای برادرت آنچه را که برای خود دوست می‌داری، و آنچه که برای خود نمی‌پسندی برای او نیز می‌پسند، اگر از تو چیزی خواست به او بده، و اگر چیزی را از تو منع کرد تو از او بخواه، نسبت به خیری از او دلگیر مباش، تا او نیز ترا ملول نسازد، یار و یاور او باش، تا او نیز یاور تو باشد، اگر بر تو خشمگین شد از او دوری مجوی تا کینه از دلش بیرون کنی، اگر غایب شد در غیابش حق او را رعایت، و چون حاضر شد کمکش کن و بازویش را بگیر،

و در حقش مساعدت نموده و اکرامش کن، زیرا او از تو و تو از او می‌باشی.

۲۳- علی (ع) فرمود: شش خصلت است که در هر کس باشد در نزد خدا مقرب و دارای منزلت است، خداوند مسلمانی را دوست دارد که آنچه را برای خودش دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد، و هر چه که بر خود نمی‌پسندد بر او نیز نپسندد، دوستانه او را نصیحت کند. فضیلت و برتری مرا بشناسد، و از من پیروی کند، و نتیجه کار مرا در نظر داشته باشد.

۲۴- علی (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: هر مسلمانی بر ذمه برادر مسلمانش سی حق دارد، ذمه اش از آنها بری نمی‌شود مگر این که آن حقوق را ادا کند یا برادرش از او درگذرد، (آن حقوق

عبارتند) از لغزش او چشم پپوشد، به اشك چشمش شفقت آرد، عیبش را بپوشاند، لغزشش را نادیده بگیرد، عذرش را بپذیرد، اگر کسی غیبت او را کرد از او دفاع کند، همواره خیر خواهش باشد، دوستی و محبت او را حفظ کند، عهد و پیمانیش را مراعات نماید در موقع بیماری عیادتش کند، در تشییع جنازه اش حاضر شود، دعوتش را بپذیرد، هدیه اش را قبول کند، و آن را جبران نماید، نعمتش را سپاسگزار باشد، با بهترین وجه او را یاری دهد، زن و بچه او را محافظت کند، حاجتش را روا کند، در انجام خواسته اش کوشش نماید، موقع عطسه کردن «یرحمک الله» بگوید، راهنمای گمشده اش باشد، و به سلامش پاسخ دهد، کلامش را خوب تلقی کند، بخشش او را ارج نهد، سوگندهایش را تصدیق نماید، دوست او را دوست داشته باشد و با وی دشمنی نکند، اگر ظالم و یا مظلوم واقع شد او را یاری کند، اما یاری نمودن در حال ستمگری او را از ستم کردن باز دارد، و اما یاری دادن در حال مظلومیت در باز پس گرفتن حقش به او کمک نماید، گرفتارش نکند، خوارش ندارد، آنچه که از خیر برای خودش می‌خواهد برای او نیز بخواهد، و آنچه که از بدیها برای خودش نمی‌پسندد برای او نیز نپسندد، سپس فرمود: از پیغمبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: هر يك از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جا نیاورد، روز قیامت از او مطالبه و بر نفع و یا ضرر او حکم خواهد شد. ۲۵- امام صادق (ع) از اجدادش نقل کرده که پیغمبر (ص) آنها را بر انجام هفت چیز دستور داده و از انجام هفت چیز نهی فرموده است: آنها را به عیادت بیماران، تشییع جنازه، تصدیق و امضای سوگند، دعا برای عطسه‌کننده، یاری

مظلوم، آشکار کردن سلام، و اجابت دعوت امر فرموده است.

۱۲۳- باب تأکید استحباب رعایت حقّ عالم
۱- امام صادق (ع) فرمود: که علی (ع) می‌فرمود: از حقوق دانشمند است که بیش از حد از او سؤال نکنی برای پاسخ گرفتن از او از جامه‌اش نگیری، چون بر او وارد شدی و گروهی در نزد او بودند به همه آنها سلام کن و بر او جداگانه سلام کن و در برابر او بنشین نه در پشت سرش، با دست و چشمت به او اشاره مکن، در مخالفت با گفتارش زیاد نگو که فلانی این طور گفته و فلانی این جور، و از بسیار نشستن با او خسته مشو، زیرا دانشمند مانند درخت خرماست، منتظر باش تا در موقعش از وجود او بهره‌مند گردی، چون اجر عالم بیشتر است از کسانی که روزها روزه دارند و شبها به عبادت بر پا ایستند و در راه خدا جهاد کنند.

۲- علی (ع) فرمود: از جمله حقوق عالم است که زیاد از او سؤال نکنی و در پاسخ بر او پیشی نگیری، و چون رو گرداند اصرار نوری، چون خسته شد برای پاسخ گرفتن از جامه‌اش نگیری، با دست و چشم به او اشاره نکنی، در مجلس با او در گوشی صحبت نکنی، از عیوب او جستجو نکنی و نگویی که فلانی بر خلاف گفتار شما این طور گفته، راز او را آشکار نکنی، پیش او از کسی غیبت ننمایی، در غیاب و حضور احترام او را نگه داری، چون به مجلس وارد شدی به همه سلام کن و به وی جداگانه سلام کن. موقع نشستن در پیش رویش بنشین. اگر نیازمند شد در برآوردن حاجتش از دیگران سبقت بگیر و از بسیار نشستن با او خسته مشو، زیرا دانشمند همانند درخت خرماست منتظر باش تا بموقع از میوه دانش

او بهره‌مند گردی، عالم به منزله کسی است که روز روزه‌دار باشد و شب به عبادت قیام نماید و در راه خدا جهاد کند و چون عالمی بمیرد، در اسلام شکافی پدید آید که تا روز قیامت مسدود نمی‌گردد، و دانشجوی علوم دینی را هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب عالم بالا بدرقه می‌کنند.

۱۲۴- باب استحباب لطف و محبت و به دیدار همدیگر رفتن

۱- شعیب عرقوفی گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که به یارانش می‌فرمود : از خدا پروا کنید، برادرانی خوشرفتار باشید، در راه خدا با یک دیگر دوستی ورزید، و با یک دیگر مهر ورزیده و رابطه داشته باشید، به ملاقات یک دیگر بروید، و در باره امر (ولایت) ما با هم مذاکره کنید و آن را زنده دارید.

۲- امام صادق (ع) فرمود : شایسته است مسلمانان در پیوستن به همدیگر، و یاری بر مهرورزیدن به هم، و مواسات با نیازمندان، و رأفت نسبت به یک دیگر کوشا باشند، تا چنان باشند که خدای عز و جل فرموده **«رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»** مؤمنان

با یک دیگر مهر ورزند و نسبت به امری که مربوط به آنهاست و از بین رفته اندوهگین باشند، همان گونه که گروه انصار در زمان رسول الله (ص) بودند.

۳- امام صادق (ع) فرمود : با یک دیگر پیوند خوشرفتاری و محبت داشته باشید، و برادرانی نیکو کار باشید آن چنان که خدای عز و جل به شما امر فرموده است.

۴- عبد الله بن یحیی کاهلی گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : با یک دیگر پیوند خوشرفتاری و مهربانی و عطوفت داشته باشید.

۵- امام باقر (ع) فرمود : خداوند پیامرزد کسی را که بین دو دوست ما الفت برقرار کند، ای گروه مؤمنان به يك ديگر مهر و محبت ورزید.

۶- علی (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : همانا خدای عزّ و جلّ مهربان است. و هر مهربانی را دوست می‌دارد.

۱۲۵- باب استحباب پذیرش عذر

۱- امام صادق (ع) از اجدادش نقل کرده است که پیغمبر (ص) در وصیتش به علی (ع) فرموده : یا علی هر که عذر عذرخواهی را نپذیرد چه راست یا دروغ، به شفاعت من نمی‌رسد.

۲- علی (ع) در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود : در اثر شكّ و گمان پیوندت را از برادر خود قطع نکن، و بدون رضایت وی از او قطع رابطه مکن، شاید عذری دارد و تو وی را سرزنش می‌کنی، هر که پوزش خواست عذرش را بپذیر، چه راست یا دروغ، تا به شفاعت نایل گردی،

۳- علی بن حسین (ع) به فرزندش فرمود : اگر کسی در سمت راست تو بایستد و ترا دشنام دهد آنگاه به سمت چپ تو آید و عذرخواهی کند عذرش را بپذیر.

۱۲۶- باب استحباب سلام کردن و مصافحه در وقت ملاقات ..

۱- ابو عبیده گوید : از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود : چون دو مؤمن به هم برسند و دست بدهند خدا به آنها توجه کرده و گناهان از چهره آنها بریزد تا از يك ديگر جدا شوند.

۲- امام باقر (ع) فرمود : چون دو نفر مؤمن به هم برسند و مصافحه کنند، خداوند

به آنها رو کند و گناهانشان مانند برگ درخت بریزد.

۳- زرارہ گوید : از امام باقر (ع) شنیدم کہ می‌فرمود : مؤمن بہ وصف در نمی‌آید، زیرا مؤمن وقتی کہ با برادرش دیدار و مصافحہ کند، خداوند هموارہ بہ آنها توجہ کند، و گناہان از رخسارشان مانند برگ درخت بریزد.

۴- رفاعہ گوید : از امام باقر (ع) شنیدم کہ می‌فرمود : مصافحہ کردن مؤمن از مصافحہ ملائکہ برتر است.

۵- امام صادق (ع) فرمود : مصافحہ کنید، زیرا مصافحہ کینہ را از بین می‌برد.

۶- امام باقر (ع) فرمود : چون دو مؤمن بہ ہم رسند و مصافحہ نمایند، خدا دستش را در میان دست آنها گذارد، و با آن کہ محبتش نسبت بہ رفیقش زیادتر است مصافحہ کند.

حدیث ۷ مانند حدیث ۶ است و در ذیل حدیث ۷ (چنین آمده است) : چون خداوند بہ آنان توجہ کند. گناہانشان مانند برگ درخت بریزد.

۸- امام باقر (ع) فرمود : کہ پیغمبر (ص) فرمودہ است : چون یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید بہ او سلام کند و مصافحہ نماید، زیرا خدای عز و جل بدین عمل فرشتگان را گرامی داشته است، پس شما نیز عمل فرشتگان را انجام دهید.

۹- امام باقر (ع) فرمود : کہ پیغمبر (ص) فرمودہ است : چون با یک دیگر ملاقات کردید با سلام و مصافحہ ملاقات کنید، و چون از یک دیگر جدا شوید با طلب آمرزش جدا شوید.

۱۰- امام صادق (ع) فرمود : پیغمبر (ص) با حذیفہ ملاقات و دست مبارکش را برای مصافحہ دراز کرد حذیفہ دستش را عقب

کشید، پیغمبر (ص) فرمود : ای حذیفه من دستم را به سوی تو دراز کردم و تو دست خود را عقب کشیدی؟ حذیفه عرض کرد : یا رسول الله به دست مبارکت رغبت دارم ولی من جنب بودم و دوست ندارم دستم با جنابت به دست شما برسد. حضرت فرمود : مگر نمیدانی که چون دو مسلمان با هم ملاقات و مصافحه کنند گناهانشان مانند برگ درخت می‌ریزد.

۱۱- امام صادق (ع) در حدیثی فرمود : قدر و منزلت مؤمن اندازه ندارد، چون مؤمن هر گاه برادرش را ملاقات و با او مصافحه کند خداوند به آنان توجه نماید و گناهان از چهره‌شان فرو می‌ریزد، همچنان که باد شدید برگ را از درخت می‌ریزد، تا این که از هم جدا شوند.

۱۲- امام صادق (ع) فرمود : پاداش شما در مصافحه کردن همانند پاداش جهادگران است.

۱۳- امام باقر (ع) فرمود : چون دو مؤمن با هم مصافحه کنند، از هم جدا می‌شوند بی‌آنکه گناهی برایشان باقی بماند.

۱۴- امام صادق (ع) فرمود : در گفتگوی ابراهیم (ع) با شخصی چنین آمده است، که ابراهیم برخاست و با او معانقه کرد. وقتی خداوند پیغمبر (ص) را مبعوث فرمود، مصافحه را مستحب گردانید.

۱۵- امام باقر (ع) فرمود : نخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند ذو القرنین و ابراهیم خلیل بود، ابراهیم خلیل ذو القرنین را استقبال و با وی مصافحه نمود، و نخستین درخت در روی زمین درخت حرما بود.

(متن حدیث ۱۶- با حدیث ۹ یکی است به حدیث ۹ مراجعه شود.)

۱۷- مالك بن اعين جهنی گوید که امام صادق (ع) به من فرمود : به خدا سوگند

شما پیروان ما هستید، تا آن جا که فرمود : کسی نمی‌تواند حق مؤمن را توصیف کند و حقوق واجب برادرش را ادا نماید. ای مالک، به خدا قسم وقتی که مؤمنان با یک دیگر ملاقات و مصافحه کنند، خداوند همواره به آنان نظر محبت و آمرزش دارد، و پیش از آن که از هم جدا شوند گناهان از چهره‌ها و اعضایشان می‌ریزد پس چه کسی می‌تواند خدا و مؤمنی را که در پیشگاه خدا چنین مقامی دارد توصیف نماید؟

۱۸- امام صادق (ع) فرمود : مصافحه مؤمن هزار حسنه دارد.

۱۲۷- باب استحباب مصافحه و حدود و چگونگی آن

۱- هشام بن سالم گوید : از امام صادق (ع) حدّ مصافحه را پرسیدم : فرمود : به اندازه گردش دور درخت خرماست (یعنی اگر به اندازه گردش دور درخت خرما از یک دیگر جدا شوند مستحب است که با یک دیگر مصافحه کنند).

۲- ابو عبیده گوید : من در یک کجاوه با امام صادق (ع) بودم، اوّل من سوار مرکب می‌شدم سپس آن حضرت، وقتی که قرار می‌گرفتم، حضرت به من سلام می‌کرد و مانند مردی که رفیق خود را بتازگی ندیده، احوال پرسی و مصافحه می‌کرد، و در وقت پیاده شدن او پیش از من پیاده می‌شد و چون بر زمین قرار می‌گرفتم، سلام می‌کرد. و همانند کسی که رفیقش را بتازگی ندیده احوال پرسی می‌نمود. عرض کردم یا ابن رسول الله شما کاری می‌کنید که هیچ کس از مردم نزد ما نمی‌کند، و اگر یک بار هم انجام دهد زیاد است، فرمود : مگر ثواب مصافحه را نمی‌دانی؟ چون دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمایند، گناهانشان

همواره مانند برگ درخت فرو می‌ریزد، و خداوند به آنها توجه می‌کند تا از يك ديگر جدا شوند.

۳- ابو عبیده حداء گوید : از مدینه تا مکه در يك طرف کجاوه همراه امام صادق (ع) بودم، حضرت در بین راه پیاده شد و کارش را انجام داد و برگشت فرمود : دستت را بده، دستم را دراز کردم، حضرت چنان فشرد که در انگشتانم فشار را احساس کردم، سپس فرمود : ای ابا عبیده، هر مسلمانی که برادر مسلمانش را ملاقات و با وی مصافحه کند و انگشتان خود را با انگشتان او درهم کند گناهانشان همانند برگ درختان در فصل زمستان بریزد.

۴- ابو حمزه گوید : هم کجاوه امام باقر (ع) بودم، چون بار به زمین گذاشتیم، حضرت کمی راه رفت و سپس آمد و دست مرا گرفت و به گرمی فشرد. عرض کردم فدایت شوم، مگر در کجاوه همراه شما نبودم، فرمود : مگر نمی‌دانی که چون مؤمن گردشی کند و سپس به برادرش دست دهد، خداوند همواره به آنان نظر مرحمت و توجه نماید، و به گناهان فرماید از آنها فرو ریزد. ای ابا حمزه، سپس گناهان مانند برگ درخت فرو ریزد، و آنها پاك و بی‌گناه از يك ديگر جدا شوند.

۵- امام باقر (ع) فرمود : برای مؤمنان سزاوار است که چون یکی از آنها از رفیقش به فاصله درختی نهان و غایب شد و سپس به هم رسیدند مصافحه کنند.

۶- امام صادق (ع) فرمود : مسلمانان همراه رسول الله به جنگ می‌رفتند، و از جایی که پر از درخت بود عبور کردند، چون به فضای آزاد رسیدند، به يك ديگر نگریستند و مصافحه کردند.

۷- امام صادق (ع) از پدراناش نقل کرده است که پیغمبر (ص) در حدیث مناهی، از مصافحه با ذمی نهی فرموده است.

۸- در حدیث اربعمائه علی (ع) فرمود : چون با برادرانتان دیدار نمایید، مصافحه کنید، و خوشرویی نشان دهید، از يك دیگر که جدا می‌شوید گناهی برایتان باقی نمی‌ماند. حتی با دشمنت مصافحه کن گر چه او نخواهد، زیرا مصافحه از کارهایی است که خدا بندگاناش را به آن دستور داده، و می‌فرماید :

«ای رسول ما، تو آزار و بدیهای امت را به وجه احسن پاسخ بده» .

۱۲۸- باب آداب استقبال و بدرقه مسافر

۱- امام حسن عسکری (ع) فرمود : چون جعفر بن ابی طالب از حبشه برگشت پیغمبر (ص) به سویش شتافت و به اندازه دوازده قدم از او استقبال فرمود، او را در آغوش گرفت و پیشانی‌اش را بوسید و با دیدن او اشک شادی ریخت.

۲- پیغمبر (ص) فرمود : از جمله حقوق مهمان بر صاحب خانه این است که وی را تا در منزل همراهی و بدرقه کند.

۳- اسحق بن عمار گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم کسی برای تعظیم دیگری از جایش برمی‌خیزد، فرمود : مکروه است مگر برای مردی که به خاطر دینش برپا خیزد.

۴- طبرسی در مکارم الاخلاق ذکر نموده که مردی در مسجد بر پیغمبر (ص) وارد شد و او تنها نشسته بود، حضرت کنار رفت (برایش جا باز کرد) و فرمود : از جمله حق مسلمان بر مسلمان این است که چون قصد نشستن کند کنار رود (او را جای دهد) ۵- در روایت هست که پیغمبر (ص) فرمود : هر

که دوست داشته باشد که مردم به احترامش بر پا خیزند جایگاهش پر از آتش می‌شود.
۶- حضرت [صادق (ع)] فرموده : مانند عجمها برای يك ديگر بر پا نخیزيد، ولي برای احترام از جا تکان خوردن عیب ندارد. (جا دادن به او)

۱۲۹- باب حکم کرنش بر بزرگان از قبیل بوسیدن فرش، بر پا خاستن و جلوی آنها دویدن و غیره

۱- صفوان بن یحیی گوید که ابو قره رفیق جاثلیق از من تقاضا کرد که او را پیش حضرت رضا (ع) ببرم، از امام (ع) اجازه خواستم، فرمود : او را پیش من بیار، و چون ابو قره بر آن حضرت وارد شد فرشش را بوسید و گفت : وظیفه دینی ما این است که نسبت به بزرگان زمانمان این گونه تعظیم نماییم.

۲- سید رضی در نهج البلاغه گوید : در مسیر حضرت علی (ع) به شام کدخدایان و بزرگان انبار (اسم محلی است) با آن حضرت دیدار کردند و به احترامش پیاده شدند (و در پیش رکابش) دویدند، فرمود : این چه کاری بود که شما کردید؟ گفتند این از آداب ماست که بدین وسیله فرماندهانمان را تعظیم می‌کنیم، فرمود : سوگند به خدا حکمرانان شما از این کار سودی نمی‌برند، و شما هم با این کار به زحمت می‌افتید و در آخرت هم باعث مشقت شماست، چه زیان آور است رنجی که کیفر به دنبالش باشد، و چه سودمند است رها کردن کاری آنگاه که ایمنی از آتش را به دنبال داشته باشد.

۱۳۰- باب تحریم گماشتن دربان برای منع ورود شیعه

۱- ابو حمزه گوید : به امام باقر (ع) عرض کردم فدایت شوم : چه می‌فرمایی در مورد مسلمانی که برای دیدن یا حاجتی نزد مسلمانی برود و او در خانه باشد و اجازه ورود بخواهد، او اجازه ندهد و از خانه هم بیرون نیاید؟ فرمود، ای ابا حمزه، هر مسلمانی که برای دیدار یا درخواست حاجتی نزد مسلمانی برود که در خانه است و اجازه ورود بخواهد و او بیرون نیاید، پیوسته به لعنت خدا گرفتار باشد تا همدیگر را ملاقات نمایند، عرض کردم : فدایت شوم، در لعنت خداست تا یک دیگر را دیدار کنند؟ فرمود : آری ای ابا حمزه.

۲- اسحاق بن عمّار گوید : خدمت امام صادق (ع) رسیدم، حضرت با ترشرویی به من نگاه کرد، عرض کردم (یا ابن رسول الله) چه چیز حالت شما را نسبت به من دگرگون نموده است؟ فرمود : آنچه که رفتار ترا نسبت به برادرانت دگرگون ساخته، ای اسحاق به من خبر رسیده که در خانه‌ات دربان گذاشته‌ای تا فقرای شیعه را راه ندهند، عرض کردم : فدایت شوم من از شهرت ترسیدم، فرمود :

آیا از بلا نترسیدی؟ آیا نمیدانی چون دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمایند خدای عزّ و جل بر آنها رحمت فرو می‌فرستد که نود و نه درصد رحمت برای کسی است که محبتش به رفیقش بیشتر باشد و اگر محبتشان یکسان باشد رحمت خدا پرده‌ای برایشان فرو کشد، و چون به مذاکره

نشینند، برخی از فرشتگان محافظ آنها به بعضی دیگر می‌گویند: از اینها دور شویم شاید رازی داشته باشند که خدا بر آنها پرده کشیده است، عرض کردم: مگر خدای عزّ و جل نمی‌فرماید «به گفتاری لب نگشاید جز آن که نزد او فرشته‌ای مراقب و آماده باشد (۳)» فرمود: ای اسحاق اگر محافظان نشنوند، خداوند عالم به رازها می‌شنود و می‌بیند.

۳- مفضل بن عمر گوید: امام صادق (ع) فرمود: هر مؤمنی که بین او و مؤمن دیگر حجابی باشد، خداوند میان او و بهشت هفتاد هزار دیوار بلند می‌کشد که فاصله بین دو دیوار هزار سال راه باشد.

۴- محمد بن سنان گوید: در خدمت امام رضا (ع) بودم حدیثی طولانی ذکر فرمود که مضمونش این بود: سه نفر از بنی اسرائیل مؤمنی را از وارد شدن بر خود منع کردند و به او اجازه ملاقات ندادند، ولی بعداً با او همراه شدند «چهار نفری به باغی می‌رفتند» پس آتشی از آسمان فرود آمد آن سه نفر را سوزاند و مؤمن زنده ماند.

۵- امام رضا (ع) فرمود: مؤمن به منزله برادر مؤمن است که از يك پدر و مادر باشند هر که برادرش را متّهم کند ملعون است، و هر که به او نیرنگ زند ملعون است. و هر که خیر خواه برادرش نباشد ملعون است، و هر که بین خود و برادرش مانعی ایجاد نماید و غیبت او کند ملعون است ملعون، ملعون.

۱۳۱- باب استحباب معانقه با مؤمن و همراهی و مذاکره با او

۱- امام باقر و امام صادق (ع) فرمودند: هر مؤمنی که برای دیدن برادرش بیرون رود و حق او را بشناسد، در برابر هر قدمی که بردارد خدا حسنه‌ای به او دهد گناهی را از وی بزداید، و یک درجه او را بالا برد، و چون در خانه‌اش را بکوبد، درهای آسمان برایش باز شود، و چون با هم دیدار و مصافحه و معانقه نمایند، خداوند به آنان توجه فرماید و به وجود آنان نزد فرشتگانش فخر کند، و فرماید: دو بنده‌ام را بنگرید برای من یک دیگر ملاقات نمودند و با هم دوستی کردند، و بر من سزااست که پس از این دیدار و زیارت دیگر آنها را با آتش عذاب نکنم.

۲- امام صادق (ع) فرمود: چون دو مؤمن با یک دیگر معانقه کنند، رحمت خدا آنها را فراگیرد و چون یک دیگر را در آغوش کشند و از آن کار جز رضای خدا نخواهند و غرض دنیوی نداشته باشند به آنها گفته شود شما آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید (یعنی گناهان سابق شما از بین رفت) و چون برای مذاکره با هم روبرو شوند، برخی از فرشتگان به برخی دیگر گویند. از اینها دور شوید، شاید رازی دارند که خدا برای آنها پوشیده نگه داشته است.

۳- اسحاق بن عمار گوید: که امام صادق (ع) به او فرمود: ای اسحاق از دیدار برادرانت خسته نشو، زیرا هر گاه مؤمن به دیدار برادر مؤمنش برود و به او خوش آمد بگوید خداوند تا روز قیامت برای او مرحبا می‌نویسد، و چون با او مصافحه کند خداوند برای آنان صد رحمت می‌فرستد، نمود

و نه در صد رحمت برای کسی است که رفیقش را بیشتر دوست دارد، سپس پروردگار به آنان توجه کند و به آن که محبتش نسبت به رفیقش بیشتر باشد بیشتر توجه نماید، و چون با هم معانقه کنند رحمت خداوند آنها را فرا گیرد.

۱۳۲- باب استحباب استفاده رساندن برادران به همدیگر در راه خدا

۱- محمد بن زید گوید : از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود : هر که در راه خدا به برادرش نفعی برساند در بهشت خانه‌ای به دست می‌آورد.

۲- امام صادق (ع) به نقل از اجدادش فرمود که پیغمبر (ص) فرمود : مسلمان از هیچ چیزی بعد از اسلام همانند بهره رساندن به برادر دینی در راه خدا بهره‌مند نمی‌شود آنگاه امام به فضل بن عبد الملك فرمود : ای فضل فقرای شیعیان ما را تحقیر نکنید، زیرا فقیر در روز قیامت همانند ربیعه و مضر شفاعت می‌کند، سپس فرمود : ای فضل این که مؤمن را مؤمن گفته‌اند برای این است که او به خدا ایمان آورده و امان خدا را دریافت داشته، آنگاه فرمود : آیا نشنیده‌ای که خداوند در باره دشمنانتان می‌فرماید : چون در روز قیامت شفاعت کردن یکی از شماها را برای دوستش ببینند، می‌گویند : «برای ما شفاعت‌کننده و دوستی نزدیک و صمیمی نیست» .

۱۳۳- باب استحباب بوسیدن مؤمنان يك ديگر را، و محل بوسه

۱- امام موسی کاظم (ع) فرمود : هر که به خاطر خویشاوندی خویشاوندش را ببوسد عیبی ندارد و جای بوسیدن برادر «نسبی یا ایمانی» گونه اوست و جای بوسیدن امام پیشانی او.

۲- امام صادق (ع) فرمود : بوسیدن دهان کسی سزاوار نیست مگر دهان زن، و بچه كوچك.

۳- امام صادق (ع) فرمود : دست و سر کسی نباید بوسیده شود مگر پیغمبر (ص) یا کسی که منسوب به پیغمبر (ص) باشد (ائمہ (ع)، سادات و علما) ۴- علی بن مزید گوید : خدمت امام صادق (ع) رسیدم و دستش را گرفتم و بوسیدم، حضرت فرمود : به هوش باش که این کار جز نسبت به پیغمبر (ص) یا وصی پیغمبر شایسته نیست.

۵- یونس بن یعقوب گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم دستت را بده تا ببوسم. حضرت دستش را به من داد، پس عرض کردم قربانت کردم سر مبارکت را، حضرت جلو آورد بوسیدم، سپس عرض کردم قربانت کردم پای مبارکت را، حضرت سه بار فرمود : سوگند دهم ترا که از بوسیدن پا بگذری و سه بار فرمود : آیا چیزی باقی مانده است. (یعنی بعد از بوسیدن دست و سر عضو دیگری شایسته بوسیدن نیست)

۶- امام صادق (ع) فرمود : شما شیعیان دارای نوری هستید که در جهان با آن شناخته می‌شوید تا آن جا که هر گاه یکی از شما برادرش را ملاقات کند جای نور را در پیشانی او می‌بوسد.

۷- ابراهیم بن ادریس از پدرش نقل می‌کند که پس از رحلت امام حسن عسکری

(ع)، صاحب الزمان (ع) را جوانی نورسته دیدم و دستها و سر مبارکش را بوسیدم.
۸- در نامه برادر علی بن جعفر است که از امام موسی کاظم (ع) پرسیدم آیا برای مرد سزاوار است که مردی یا زنی را ببوسد؟ فرمود: در بوسیدن برادر، پسر، خواهر، دختر و مانند اینها باکی نیست.

۱۳۴- باب کراهت کرنش برای مردم حتی امام

۱- امام موسی کاظم (ع) فرمود: مردی برای آن حضرت در حالی که بر پا ایستاده بود قصه ای طولانی نقل کرد، و از طرف مرد کافری به او سلام رسانید، سپس گفت سرورم، اگر اجازه فرمایید تعظیمتان کنم و بنشینم، فرمود: برای نشستن اجازه ات می‌دهم ولی برای کرنش نه، آن مرد نشست و گفت سلام ترا به رفیقم برسانم یا نه؟ فرمود: خداوند ان شاء الله رفیقت را هدایت کند و اگر او بر دین ما باشد سلام ما بر او باد.

۱۳۵- باب کراهت مجادله و دشمنی با مردم

۱- امام صادق (ع) فرمود که حضرت علی (ع) فرموده است: از مجادله و ستیزه‌جویی پرهیزید زیرا آنها دل‌های برادران را بیمار کنند و سبب نفاق شوند.
۲- پیغمبر (ص) فرمود: هر که خدا را با سه خصلت ملاقات کند (و با این سه خصلت از دنیا برود) از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود.
۱- کسی که اخلاق نیکو داشته باشد، ۲- در حضور و غیاب مردم از خدا بترسد. ۳-

مجادله را ترك نمايد گرچه حق با او باشد.

۳- پیغمبر (ص) فرمود : کسی که خدا را هدف مجادلاتش قرار دهد به تحوّل بیشتر نزدیک می‌شود (از رأیی به رأی دیگر منتقل گردد)

۴- امام صادق (ع) فرمود : با اشخاص بردبار، و نادان مجادله مکن، زیرا حلیم ترا دشمن دارد، و سفیه آزارت رساند.
۵- امام صادق (ع) فرمود : از دشمنی با يك دیگر بپرهیزید زیرا خصومت دل را مشغول کند و موجب نفاق شود و کینه‌ها پدید آورد.

۶- امام زین العابدین (ع) فرمود : وای بر کسانی که فاسقند و همیشه ریاکار، وای بر مردمی که به آسانی تن به گناه دهند و پیوسته دشمن همدیگرند، وای بر مردمی که گناهکارند و گفتارشان بیشتر در غیر ذات پروردگار است.

۷- امام صادق (ع) از اجدادش نقل می‌کند که پیغمبر (ص) فرموده است. من خانه‌ای در بالاترین نقطه بهشت و خانه‌ای در وسط آن و خانه‌ای در باغهای بهشت را ضمانت می‌کنم برای کسی که مجادله نکند، گرچه حق با او باشد. (و در روایت دیگر چنین آمده).

۸- برای کسی که دروغ نگوید گرچه به شوخی، و برای کسی که خلقش نیکو باشد.

۹- علی (ع) فرمود : هر که آبروی خویش را دوست دارد باید مجادله و ستیزه‌جویی را رها کند.

۱۳۶- باب استحباب اجتناب از کینه و

عداوت و دشمنی و بغض و ...

۱- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: هر وقت که جبرئیل پیش من می‌آمد، می‌گفت ای محمد از بغض و دشمنی با مردم بپرهیز.

۲- ولید بن صبیح گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: پیغمبر (ص) فرموده است: جبرئیل در هیچ چیزی به اندازه پرهیز از دشمنی با مردم به من سفارش نکرده است.

۳- امام صادق (ع) فرمود: جبرئیل به پیغمبر (ص) گفت: از مشاجره و ستیزه کردن با مردم بپرهیز.

۴- امام صادق (ع) فرمود: از خصومت با مردم بپرهیزید زیرا خصومت موجب آزار و غرامت است و عیب نهفته را آشکار سازد.

۵- امام صادق (ع) فرمود: هر که تخم عداوت بکارد کاشته خود را درو می‌کند.

۶- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: هر وقت که جبرئیل پیش من می‌آمد مرا موعظه می‌کرد، و آخرین سخنش با من این بود که از خصومت با مردم بپرهیز، زیرا خصومت عیب نهفته را آشکار می‌کند و عزت را از بین می‌برد.

۷- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: آگاه باشید در عداوت کردن با يك دیگر تراشیدن و از ریشه برکنندن است، مقصودم تراشیدن و برکنندن مو نیست، اما ستردن و برکنندن دین است.

۸- امام باقر (ع) به نقل از پدرانش می‌گوید که پیغمبر (ص) فرمود: هر که زیاد غصه خورد بیمار گردد، و هر که بد اخلاق باشد خودش در عذاب است، و هر که با مردم مشاجره کند جوانمردیش ساقط می‌شود، سپس فرمود: همواره جبرئیل مرا از ستیزه

کردن با مردم نهی می‌کرد همچنان که از شراب خواری و بتپرستی باز می‌داشت.
۹- امام رضا (ع) به نقل از پدرانش فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است از خصومت با مردم دوری کنید، زیرا خصومت عیوب نهفته را آشکار می‌سازد و عزت را از بین می‌برد.

۱۳۷- باب تحریم مکر، حسد، خیانت و نیرنگ

۱- امام رضا (ع) از اجدادش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) فرموده است هر که مسلمان باشد مکر و حيله نمی‌کند، از جبرئیل شنیدم که می‌گفت مکر و فریب سبب ورود در آتشند سپس فرمود : کسی که مسلمانی را فریب دهد و به او خیانت ورزد از ما نیست. آنگاه فرمود : جبرئیل از طرف خدا بر من نازل شد و گفت : ای محمد بر تو باد به خوش خویی زیرا بدخویی خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد، آگاه باشید شبیه‌ترین شما به من خوش‌خلق‌ترین شماست.

۲- علی (ع) فرمود : مکر و فریب سبب ورود در آتشند.

۳- امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر (ص) فرمود هر که با مسلمانی مکر نماید از ما نیست.

۴- علی (ع) فرمود : اگر مکر و نیرنگ سبب ورود در آتش نبوندند من مکر اندیش‌ترین مردم بودم.

۵- زاذان گوید : از علی (ع) شنیدم که می‌فرمود : اگر این فرمایش را از پیغمبر (ص) نشنیده بودم که می‌فرمود مکر، نیرنگ، خیانت، سبب ورود در آتشند، مکر من از تمام اعراب بیشتر بود.

۶- عبد الرحمن بن ابی نجران گوید : از امام باقر (ع) در باره معنای آیه **وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ** پرسیدم، آرزو مبرید بر آنچه که خداوند فزونی نهاد برخی از شما را بر بعضی دیگر، فرمود : هرگز کسی آرزوی تصاحب زن یا دختر شخص دیگر را نباید داشته باشد، ولی آرزوی داشتن مانند آنها عیبی ندارد. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام ۱۸۶ ۱۴۱ - باب جواز دروغ در اصلاح بین مردم و عدم جواز راستگویی در فساد

۱۳۸- باب تحریم دروغ

۱- امام باقر (ع) فرمود : نخستین کسی که دروغگو را تکذیب می‌کند خدای عز و جل است، سپس دو فرشته‌ای که با خود شخص همراهند، سپس خود شخص نیز می‌داند که دروغگوست.

۲- عمر بن یزید گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : دروغگو با برهانه‌های روشن هلاک می‌گردد، و پیروانش به وسیله شبهات، (یعنی شبهاتی که به وسیله دروغ او به وجود آمده است) ۳- امام باقر (ع) فرمود : خداوند برای پلیدیه‌ها قفل‌هایی قرار داده و شراب را کلید آنها قرار داده، و دروغ بدتر از شراب است.

۴- امام باقر (ع) فرمود : دروغ ویرانگر ایمان است.

۵- امام صادق (ع) فرمود : که عیسی بن مریم چنین گفته است، هر که دروغش زیاد شود، آبرویش برود.

۶- علی (ع) فرمود : برای مرد مسلمان سزاوار است که از دوستی و رفاقت دروغگو پرهیز کند، زیرا او آن قدر دروغ گوید که اگر راست هم بگوید کسی آن را باور نکند. ۷- زراره گوید : از امام

صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : از جمله چیزهایی که خداوند به وسیله آن به دروغگویان کمک کرده است فراموشی است (یعنی دروغگو فراموشکار است) ۸- ابو اسحاق خراسانی گوید علی (ع) می‌فرمود : از دروغ بپرهیزید، چون هر شخص امیدوار، جوینده است، و هر بیمنای گریزان «از واقعیت» است.

۹- عبد الرحمن بن حجاج گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا دروغگو کسی است که در مورد موضوعی دروغ بگوید؟ فرمود : نه، زیرا کسی نیست که این عمل از او سر نزند، ولی مقصود آن شخصی است که به دروغگویی عادت کرده است.

۱۰- ابو بصیر گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : همانا بنده خدا دروغ گوید تا آن جا که از دروغگویان به شمار آید، وقتی که دروغ گفت خدای عز و جل می‌فرماید : دروغ گفت و از حق دور شد.

۱۱- امام رضا (ع) فرمود : از پیغمبر (ص) سؤال شد. ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود : آری، عرض شد آیا بخیل می‌شود؟ فرمود : آری. عرض شد ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود : نه ۱۲- از کلمات رسول الله (ص) است. که بدترین نوع ریا دروغ گفتن است.

۱۳- علی (ع) می‌فرمود : راستگو باشید، زیرا خداوند با راستگویان است، و از دروغ اجتناب کنید، زیرا دروغ انسان را از ایمان دور می‌کند، و بدانید که راستگو بر ساحل نجات و بزرگواری قرار دارد، و دروغگو در پرتگاه ذلت و هلاکت است، سخن نیک بگویید تا به آن شناخته شوید، عمل خیر انجام دهید تا از اهل خیر باشید، امانت کسی را که شما را امین دانسته به او برگردانید، و به خویشاوندانی که از شما بریده‌اند بپیوندید، و اگر کسی شما

را از چیزی محروم ساخته است با فضل و احسان به سویش برگردید.

۱۴- امام باقر (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : شیطان دارای سه وسیله است، سرمه، عسل، و داروی بینی، سرمه‌اش چرت است، عسلش دروغ است، داروی بینی یا انفیه‌اش تکبر است.

۱۵- عبد الله بن عجلان گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : بنده خدا چون راست گوید، نخستین کسی که او را تصدیق کند خداست و خودش هم می‌داند که راستگوست. و هر گاه دروغ گوید اولین کسی که او را تکذیب کند خداست، و خود شخص هم می‌داند که دروغگوست.

۱۳۹- باب تحریم دروغ بستن بر خدا، و پیغمبر و ائمه علیهم السلام

۱- ابو نعمان گوید : امام باقر (ع) می‌فرمود : ای ابو نعمان. بر ما دروغی میند

تا دین خود را به باد دهی، مبادا بخواهی که سر باشی «در جلو قرار بگیری» تا دم شوی «عقب بمانی» و ما را وسیله روزی خوردنت از مردم قرار نده که فقیر می‌شوی، زیرا ترا آزاد نمی‌گذارند و حتماً از تو پرسش می‌کنند، اگر راست بگویی تصدیقت می‌کنیم، و اگر دروغ بگویی تکذیبت می‌کنیم. ۲- در حدیثی مرفوع روایت شده که در محضر امام صادق (ع) گفته شد که بافنده از رحمت خدا دور است؟، حضرت فرمود : همانا این آن بافنده‌ای است که بر خدا و پیغمبرش دروغ بباقد.

۳- امام صادق (ع) فرمود : دروغ بستن بر خدا و پیغمبر (ص) از گناهان کبیره است.

۴- امام صادق (ع) در گفتگویی با مرد شامی فرمود : ای برادر شامی، سخن ما را گوش کن، و بر ما دروغ مبیند، زیرا هر که در مورد چیزی بر ما دروغ بنهد، بر پیغمبر (ص) دروغ بسته، و هر که بر پیغمبر (ص) دروغ ببندد، به خدا دروغ بسته و هر که به خدا نسبت دروغ بدهد خدای عز و جل وی را عذاب می‌کند.

۵- امام صادق (ع) از اجدادش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) در وصیتش به علی (ع) فرمود : ای علی هر که به من نسبت دروغ بدهد، حتما جایگاهش پر از آتش خواهد شد.

۶- امام صادق (ع) فرمود : دروغ بستن بر خدا و پیغمبر خدا و اوصیای پیغمبر (ص) از گناهان کبیره است. سپس امام فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر کس چیزی را که من نگفته‌ام به من نسبت دهد نشیمنگاهش پر از آتش خواهد شد.

۱۴۰- باب تحریم دروغ، بزرگ و کوچک، شوخی و جدی و غیره

۱- امام باقر (ع) فرمود که پدرم علی بن الحسین (ع) به فرزندانم می‌فرمود : از دروغ گفتن پرهیزید، چه بزرگ و چه کوچک، شوخی و یا جدی باشد، زیرا شخص وقتی که در چیز کوچک دروغ بگوید به بزرگش نیز جرأت پیدا می‌کند، مگر نمی‌دانید که پیغمبر (ص) فرمود : بنده خدا همواره راست گوید تا خداوند او را راستگو نویسد و پیوسته دروغ بگوید تا پروردگار او را دروغگو نویسد. ۲- علی (ع) فرمود : هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نچشد مگر این که دروغ را ترک کند چه شوخی باشد و چه جدی. ۳- علی (ع) فرمود : دروغ چه شوخی باشد چه جدی شایسته نیست و سزاوار نیست که یکی از شما به بچه‌اش وعده‌ای بدهد که

بعدا بدان وفا نمی‌کند. زیرا دروغ به فساد می‌کشاند، و فساد به سوی آتش، و مادامی که یکی از شما دروغ گوید، تا بگویند دروغ گفت و معصیت کرد، و مادامی که یکی از شما دروغ گوید تا به اندازه سر سوزن جای راستگویی نماند، «در این صورت» در نزد خداوند هم کذاب نامیده می‌شود. ۴- ابو ذر گوید: که پیغمبر (ص) در مقام نصیحت به او فرمودند: ای ابا ذر، هر که بر زبان و عورتش تسلط داشته باشد، وارد بهشت شود، عرض کردم یا رسول الله آیا به گفتار زبانمان مؤاخذه می‌شویم؟ فرمود: آیا مردم به غیر از نتایج زبانشان به سبب چیز دیگری هم به رو به آتش افکنده می‌شود. پیوسته در امانی تا سخن نگفته‌ای و چون سخن گفתי آن حرف به سود یا زیان تو نوشته می‌شود.

ای ابا ذر، اگر شخصی سخنی بگوید که موجب رضای خداست، روز قیامت بهشت برایش منظور گردد. و اگر در مجلسی سخن لغوی بگوید تا دیگران را با آن بخنداند، به جهنمی که بین آسمان و زمین است افکنده می‌شود.

ای ابا ذر، وای بر کسی که در سخنانش دروغ بگوید تا گروهی را بخنداند، و سه بار فرمود وای بر او.

ای ابا ذر، هر که سکوت اختیار کرد نجات یافت، بر تو باد به سکوت هرگز دروغی از دهانت خارج نشود، عرض کردم: یا رسول الله، شخصی که عمدا دروغ گفته توبه‌اش چیست؟ فرمود: ادای نماز پنجگانه و طلب آمرزش از خدا گناه آن را می‌شوید.

۱۴۱- باب جواز دروغ در اصلاح بین مردم و عدم جواز راستگویی در فساد

۱- امام صادق (ع) از پدراناش نقل می‌کند : در سفارشهای پیغمبر (ص) به علی (ع) هست : یا علی، خداوند دروغ را برای اصلاح بین مردم دوست می‌دارد و راستگویی را که سبب فساد شود نمی‌پسندد، تا آن جا که فرمود : یا علی در سه مورد دروغ گفتن نیکوست، ۱- حيله کردن در جنگ، ۲- وعده دادن به همسر خود، ۳- اصلاح بین مردم.

۲- امام صادق (ع) از پدراناش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) فرمود : در سه جا دروغ گفتن نیکوست، ۱- حيله در جنگ، ۲- وعده دادن به همسر خویش، ۳- اصلاح بین مردم. و در سه مورد راست گفتن زشت است، ۱- در سخن چینی بین مردم، ۲- آگاه کردن شخص از جریان خانواده‌اش به آنچه که دوست ندارد، ۳- تکذیب کردن شخصی را در خبری که می‌دهد، فرمود : همنشینی با سه گروه دل را می‌میراند، ۱- همنشینی با فرومایگان، ۲- گفتگو با زنان، ۳- همنشینی با ثروتمندان.

۳- امام صادق (ع) فرمود : اصلاح‌کننده «بین دو نفر یا دو جمعیت» دروغگو نیست.

۴- حسن صیقل گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : از امام باقر (ع) در باره قول حضرت یوسف (ع) که فرمود : «ای کاروان شما دزد هستید» برای ما روایت شده که آن حضرت فرموده است : به خدا قسم آنها دزدی نکردند و یوسف هم دروغ نگفت، و همچنین در باره آنچه که ابراهیم (ع) فرمود «بلکه بزرگشان این کار را کرده بپرسید از آنها اگر حرف می‌زنند» فرموده است سوگند به خدا آنها آن کار را نکرده‌اند و ابراهیم هم دروغ نگفت؟ امام

صادق (ع) فرمود : ای صیقل نظرتان در این مورد چیست؟ عرض کردم جز تسلیم به رأی شما ما نظر دیگری نداریم، راوی گوید : پس آن حضرت فرمود : خداوند دو چیز را دوست و دو چیز را دشمن دارد خرامیدن «با غرور راه رفتن» در بین دو صف (از لشکر اسلام و کفر را) دوست دارد و دروغ را در اصلاح بین مردم می‌پسندد، و خرامیدن در راهها و کوچها، و دروغ را در غیر اصلاح مردم دشمن دارد، بنا بر این ابراهیم (ع) که فرمود : «بلکه این کار را بزرگشان کرده» قصد اصلاح داشت، و برای راهنمایی بر این که آنها چنین کاری نمی‌توانند انجام دهند، و یوسف هم قصد اصلاح داشت.

۵- عیسی بن حسان گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : گوینده هر دروغی روزی مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

۱- شخصی که در جنگ حيله کند گناهی بر او نیست، ۲- کسی که قصد اصلاح بین دو نفر را دارد و به یکی از آنها غیر آنچه که به دیگری گفته بگوید و با این دروغ اراده اصلاح بین آنها را داشته باشد، ۳- کسی که به همسرش وعده‌ای بدهد که بعداً قصد انجام آن را نداشته باشد.

۶- امام صادق (ع) فرمود : سخن بر سه گونه است، راست، دروغ، و اصلاح بین مردم «راوی گوید» عرض شد قربانت گردم، منظور از اصلاح بین مردم چیست؟ فرمود : از کسی در باره شخص دیگر سخنی می‌شنوی که اگر آن سخن به او برسد رنجیده می‌شود، پس تو او را دیدار کرده و بر خلاف آنچه که شنیده‌ای بگویی از فلانی در باره خوبی تو چنین و چنان شنیدم.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : شخص مصلح دروغگو نیست، سپس این آیه را خواند **أَيُّهَا**

الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ آنگاه فرمود : قسم به خدا
آنان سرقت نکردند و یوسف هم دروغ نگفت،
آنگاه این آیه را خواند بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا
يَنْطِفُونَ سپس فرمود : سوگند به خدا آنها آن
کار را نکرده بودند و ابراهیم هم دروغ
نگفت.

۸- امام صادق (ع) فرمود : در مورد
شخصی که از او اجازه ورود خواستند و او
به کنیزش گفته که بگو این جا نیست،
فرمود : عیب ندارد این دروغ نیست.

۹- در حدیثی امام صادق (ع) فرمود : به
اصحابم چنین چنان ابلاغ کن، و به ایشان
چنین و چنان ابلاغ کن راوی گوید عرض
کردم، نمی‌توانم این جملات را عیناً حفظ
کنم، آنچه که یاد گرفته‌ام می‌گویم، و
بہتر از آن نمی‌توانم حفظ کنم، فرمود :
اشکال ندارد زیرا مصلح دروغگو نیست.

۱۰- امام رضا (ع) فرمود : همانا مرد
به برادر دینی‌اش سخن راستی بگوید تا وی
را برنجانند، چنین شخص نزد پروردگار کذاب
به شمار آید، و همانا مرد به برادر دینی
خود دروغ بگوید و قصدش از دروغ، سود
رساندن به او باشد، وی نزد خدا راستگو
به شمار آید.

۱۱- علی (ع) فرمود : نشانه ایمان است
که راستگویی را در جایی که به تو ضرر
دارد بر دروغی که برایت سود دارد ترجیح
بدهی، و بیش از علمت سخن نگویی، و در
سخن گفتن در باره دیگران از خدا پروا
داشته باشی.

۱۴۲- باب در احکام گمان

۱- عبد الاعلی مولى آل سام گوید : امام صادق (ع) برایم حدیثی بیان فرمود : من به او عرض کردم : فدایت شوم، آیا هم اکنون برای من چنین و چنان نپنداشتی؟ فرمود : نه، و این سخن بر من گران آمد، عرض کردم آری به خدا سوگند پنداشتی، فرمود : نه، به خدا قسم نپنداشتم، راوی گوید باز این حرف بر من گران آمد، عرض کردم : چرا به خدا سوگند آن را گفתי، فرمود : آری آن را گفتم مگر نمی‌دانی در قرآن مجید هر گمانی دروغ به شمار آمده است.

۱۴۳- باب تحریم دو رو و دو زبان بودن

۱- امام صادق (ع) فرمود : هر که با مسلمانان با دو رو و دو زبان برخورد کند، روز قیامت برانگیخته می‌شود در حالی که در يك سر دو زبان آتشین دارد، و در روایت دیگر چنین نقل شده است که هر که با مردم حضورا با چهره‌ای و غیابا با چهره دیگر برخورد کند. روز قیامت

۲- امام باقر (ع) فرمود : چه بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دارای دو رو و دو زبان است برادر همکیش خود را در حضور ستایش و در غیابش از وی غیبت کند، اگر ثروتی یا موقعیتی نصیب برادرش شود به او حسد برد، و چون گرفتار شود یاری‌اش نکند.

۳- در عقاب الاعمال به روایت فوق چنین اضافه : شده چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که عیبجو و خرده‌گیر باشد، روبرو با چهره‌ای و پشت سر با چهره دیگر باشد.

۴- عبد الرحمن بن حماد در حدیثی «که آن را به معصوم رسانده» گوید :

که خداوند متعال به عیسی بن مریم (ع) فرمود : ای عیسی زبان و قلبت در نهان و آشکار یکی باشد، همانا ترا از نفس خودت بر حذر می‌دارم، و این آگاهی برای تو کافی است که در یک دهن دو زبان نشاید. و در یک غلاف دو شمشیر نگنجد، و در یک سینه دو دل نباشد. و ذهن انسان نیز چنین است. «دو اعتقاد مخالف در یک ذهن جای نگیرد»

۵- علی (ع) فرمود : پیغمبر (ص) فرموده است کسی که دوروست، روز قیامت می‌آید در حالی که یک زبانش از پشت سرش بیرون آمده است و زبان دیگر از پیش رویش و آتشی از آن دو برآید که بدنش را بسوزاند، آنگاه گفته می‌شود این همان است که در دنیا دارای دو رو و دو زبان بود و با این وضع در روز رستاخیز معرفی می‌شود.

۶- پیغمبر (ص) فرمود : بدترین مردم در روز قیامت نزد خداوند کسی است که در دنیا دو رو باشد.

۷- پیغمبر (ص) فرمود : هر که در دنیا دو رو باشد، در قیامت دارای دو زبان از آتش خواهد بود.

۸- پیغمبر (ص) در خطبه‌ای فرمود : هر که در دنیا دارای دو رو و دو زبان باشد، روز قیامت دو چهره و دو زبان از آتش خواهد داشت.

۹- عبد الله بن ابی یعفر گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود : هر که با مردم با چهره‌ای دیدار نماید و با چهره دیگر از آنها عیبجویی کند، روز قیامت می‌آید با حالتی که در سرش دو زبان از آتش دارد.

۱۰- علی (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که برادر مؤمنش را در رو برو بستاید و پشت سر از وی غیبت کند، پیمان برادری بین آنها گسسته می‌شود.

۱۴۴- باب تحریم قهر کردن از مؤمن و استحباب سبقت در آشتی کردن

۱- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : بیش از سه روز قهر و جدایی جایز نیست.

۲- امام صادق (ع) فرمود : در قهر هیچ گونه خیری نیست.

۳- مفضل در ضمن سفارشی گوید : از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود : چون دو نفر از يك ديگر با قهر جدا شوند یکی از آنها سزاوار برائت و لعنت است، و چه بسا هر دو سزاوار آن باشند، معتب «یکی از دوستان مخصوص آن حضرت» گفت :

قربانت گردم آن که ستمگر باشد سزایش همین است، اما تقصیر مظلوم چیست؟

فرمود : چون او هم برادرش را به آشتی دعوت نکرده، و حرفهای او را نادیده نگرفته است. از پدرم شنیدم که می‌فرمود : چون دو نفر با هم ستیز کنند و یکی بر دیگری غالب آید، باید مظلوم به نزد رفیق ظالم خود رود و به او بگوید : ای برادر من ستمگر هستم، تا قهر و جدایی بین آنها از میان برود، همانا خداوند حکیم و عادل است و داد مظلوم را از ظالم می‌ستاند.

۴- ابو بصیر گوید : از امام صادق (ع) در باره مردی که با خویشاوندی خود به خاطر این که مذهب حق را نمی‌شناسد «شیعه نیست» قطع رابطه کند سؤال کردم فرمود : سزاوار نیست که خویشاوندی را قطع کند.

۵- داود بن کثیر گوید : شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود که پدرم فرمود :

پیغمبر (ص) فرموده است : هر گاه دو نفر مسلمان از همدیگر با قهر جدا شوند و سه روز در آن حال بمانند و آشتی نکنند، هر دو از اسلام خارج شوند و بین آنان دوستی دینی نمی‌ماند، پس هر کدام از آنها

برای آشتی و سخن گفتن بر دیگری سبقت جوید، در روز رستاخیز جلوتر از دیگری به بهشت خواهد رفت. ۶- امام صادق (ع) فرمود : مادام که دو مسلمان با هم قهر هستند شیطان خشنود است، و چون آشتی کنند، زانویهای شیطان بلرزد و بندهایش از هم گسیخته شود، و فریاد زند وای بر او «خود شیطان» از آنچه که بدو از هلاکت رسد.

۷- پیغمبر (ص) فرمود : برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادر دینی خود قهر کند.

۸- امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) در حدیث مناهی مسلمانان را از قهر و جدایی نهی فرموده است، پس اگر کسی ناچار از جدایی باشد، بیش از سه روز نباید از برادرش دوری جوید، و هر که بیش از سه روز از برادر دینی‌اش جدا شود، آتش برای او سزاوارتر است.

۹- پیغمبر (ص) فرمود : برای مسلمان جایز نیست که بیش از سه روز از برادر دینی‌اش قهر کند و از وی جدا شود.

۱۰- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه دو نفر مؤمن از هم قهر کنند و بیش از سه روز از یکدیگر جدا شوند، من در روز سوم از آنها بیزارم، عرض شد، این سزای ظالم است، جرم مظلوم چیست؟ فرمود : چرا مظلوم نزد ظالم نرفت تا بگوید من ستمکارم تا آشتی کنند.

۱۱- پیغمبر (ص) فرمود : برای هیچ مسلمانی جایز نیست که از برادر همکیش خود قهر کند و بیش از سه روز از وی دوری گزیند، و هر کدام از آنان که برای آشتی پیشقدم باشد در رفتن به بهشت مقدمتر است.

۱۲- ابو ذر گوید که پیغمبر (ص) در نصیحتی به او فرمود : ای ابا ذر، از جدایی و قهر با برادر دینی خود بپرهیز،

زیرا هیچ عملی با قهر پذیرفته نیست. ای ابا ذر، من ترا از جدایی منع می‌کنم و اگر ناچار شدی، نباید جداییات سه روز کامل باشد پس هر که در خلال سه روز جدایی از برادرش بمیرد، آتش برای او سزاوارتر است.

۱۴۵- باب تحریم آزار رساندن به مؤمن

۱- هشام بن سالم گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : خدای عز و جل فرماید : آن که بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ دهد. و هر که بنده مؤمن مرا اکرام نماید از خشم و غضب من آسوده خاطر باشد.

۲- مفضل بن عمر گوید که امام صادق (ع) فرمود : چون روز قیامت شود، منادی از جانب خدا فریاد زند، آنان که از دوستان من روگردانده بودند کجایند؟

گروهی بر می‌خیزند که رخسارشان گوشت ندارد، پس گفته شود، اینها کسانی هستند که به مؤمنین آزار رسانده، و با آنان دشمنی کرده و عناد ورزیده‌اند و در امور دینی آنها را با تندی سرزنش کردند، سپس دستور داده شود که آنها را به دوزخ ببرند.

۳- روایت فوق با سند دیگر چنین بیان شده : به خدا سوگند اینها کسانی بودند که در گفتارشان با مؤمنین یکی بوده ولی حقوق آنان را منع کردند، و اسرار مؤمنین را فاش نمودند.

۱۴۶- باب تحریم اهانت به مؤمن و خواری داشتن او

۱- امام باقر (ع) فرمود : چون پیغمبر (ص) را به معراج بردند، عرض کرد پروردگارا رتبه و منزلت مؤمن در پیش تو چگونه است؟ فرمود : ای محمد، هر که به یکی از دوستان من اهانت کند، آشکارا به جنگ من برخاسته و من به یاری دوستانم از همه شتابانترم.

۲- معلی بن خنیس گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : خداوند تبارک و تعالی فرماید : هر که به یکی از دوستان من اهانت نماید در جنگ با من کمین کرده است، و من با سرعت تمام دوستانم را یاری می‌کنم.

۳- امام صادق (ع) فرموده است که پیغمبر (ص) فرمود : خدای عز و جل فرموده است : هر که به یکی از دوستان من اهانت کند محققا در جنگ با من کمین کرده است.

۴- امام صادق (ع) از پدراناش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) در حدیث مناهی فرموده است : هر که به فقیر مسلمانی بی‌اعتنایی کند، به حقوق الهی بی‌اعتنایی کرده و خداوند روز قیامت به او بی‌اعتنایی می‌کند، مگر این که توبه کرده باشد.

۵- پیغمبر (ص) فرمود : هر که به فقیر مسلمانی اکرام کند، روز قیامت خداوند از او راضی خواهد بود. آگاه باشید هر که برادر مسلمانش را اکرام کند خدای عز و جل او را گرامی می‌دارد.

۶- امام صادق علیه السلام از پدراناش نقل می‌کند : که پیغمبر (ص) فرمود : هر که مؤمنی را به خاطر فقر و تنگدستی‌اش خواری شمارد و یا او را تحقیر

کند، خداوند روز قیامت وی را رسوا و مفتضح می‌کند.

(حدیث ۷ مانند حدیث ۶ می‌باشد)

۸- ابو بصیر گوید امام صادق (ع) فرمود : هرگز مؤمن فقیری را حقیر و ناچیز نشمارید، زیرا هر که مؤمنی را کوچک یا سبک و پست شمارد، خداوند او را کوچک شمارد و همواره نسبت به او خشناک باشد، تا این که از کوچک شمردن مؤمنان دست بردارد و به آنها احترام کند، و یا این که توبه کند، و فرمود :

هر که مؤمنی را به سبب تنگدستی و فقرش پست شمارد و تحقیر کند، روز قیامت خداوند او را در برابر خلائق رسوا می‌کند.

۹- ابراهیم بن عمر یمانی گوید : امام صادق (ع) فرمود : هر که توانایی کمک بر برادر دینی خود داشته باشد، ولی دست از یاری او کشیده و خوارش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار گرداند،

۱۰- پیغمبر (ص) در یکی از خطبه‌هایش فرمود : هر که مسلمان فقیری را به خاطر فقرش خوار و پست شمارد، خدا را کوچک شمرده است، و همواره مورد خشم و غضب خداوند است تا این که او را راضی کند، و هر که فقیر مسلمانی را گرامی بدارد، روز قیامت خداوند او را شاد و خندان دیدار می‌کند. سپس فرمود : هر که بر فقیری ستم کند یا بر او تعدی نماید، یا او را حقیر شمارد، خدا در روز قیامت وی را به شکل آدمکی به اندازه مورچه محشور گرداند تا این که داخل آتش دوزخ شود.

۱۱- پیغمبر (ص) از قول جبرئیل نقل فرمود که خداوند فرموده است : هر که به یکی از دوستان من اهانت کند، آشکارا به جنگ من برخاسته است.

۱۲- پیغمبر (ص) فرمود : ای بسا فرد ژولیده موی و غبار آلود که جامه‌های کهنه

بر تن دارد و در خانه‌ها خاک‌نشین است. هر گاه مرا به خدا سوگند دهد، به او نیکی می‌کنم و خواهش او را انجام می‌دهم.

۱۴۷- باب تحریم ذلیل شمردن و تحقیر مؤمن

۱- معلی بن خنیس گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : خدای عز و جل فرموده است : آن که بنده مؤمن مرا ذلیل شمارد به من اعلان جنگ نموده است، و هر که بنده مؤمن مرا اکرام کند، از خشم و غضب من آسوده خاطر خواهد بود.

۲- امام صادق (ع) می‌فرماید : که پیغمبر (ص) فرموده است : چون پروردگارم مرا به معراج برد از پشت پرده حجاب به من وحی فرمود و بدون واسطه با من سخن گفت و فرمود : ای محمد هر که یکی از دوستان مرا خوار نماید، در جنگ با من کمین کرده است، و هر که با من جنگ کند، با او بجنگم، گفتم :

خدایا این دوست تو کیست؟ زیرا می‌دانم هر که با تو بجنگد با او می‌جنگی خداوند به من فرمود : این دوست من کسی است که برای تو و وصی تو و فرزندان تو به ولایت و دوستی از او پیمان گرفته‌ام.

۳- امام صادق (ع) می‌فرماید که پیغمبر (ص) فرمود : خدای عز و جل فرموده است : هر که بنده مؤمن مرا خوار نماید آشکارا به جنگ با من برخاسته است.

۴- امام صادق (ع) می‌فرماید : هر که مؤمنی را به خاطر تنگدستی و فقرش پست و کوچک بشمارد، خداوند روز قیامت او را در برابر مردم رسوا و مفتضح گرداند.

۵- امام صادق (ع) فرمود : هر که مؤمنی را خوار شمارد چه مستمند باشد یا غیر مستمند. خدای عز و جل پیوسته وی را خوار دارد و بر او خشمناک است تا آنگاه که از تحقیر کردن آن مؤمن بازگردد «و به او احترام نماید».

۶- امام صادق (ع) می‌فرماید : که پیغمبر (ص) فرمود : خدای عز و جل فرموده است : آن که بنده مؤمن مرا خوار دارد به من اعلان جنگ داده است.

۷- امام رضا (ع) از پدران نقل می‌کند که علی (ع) فرمود : برای هیچ مسلمانی شایسته نیست که مسلمانی را به وحشت اندازد.

۸- امام صادق (ع) می‌فرماید : که پیغمبر (ص) فرمود : خدای عز و جل فرموده است : با کسی که بنده مؤمن مرا به ذلت کشاند در ستیزم و به یاری دوستانم از همه چیز شتابانترم.

۱۴۸- باب تحریم سبک شمردن مؤمن

۱- ابو هارون گوید : در حضور امام صادق (ع) بودم، خطاب به گروهی که حاضر بودند فرمود : شما چرا ما را سبک می‌شمارید؟ مردی از اهل خراسان برخاست و گفت پناه می‌بریم به خدا از این که شما و یا چیزی از اوامر شما را سبک بشماریم. حضرت فرمود : آری تو یکی از آنهایی هستی که مرا سبک شمردی، آن شخص گفت به خدا پناه می‌برم از این که شما را کوچک بشمارم، فرمود : وای بر تو آیا حرف فلانی را نشنیدی؟ وقتی که نزدیک جفّه بودیم و او خسته بود و از تو درخواست کرد که به اندازه یک میل راه او را با خود ببری، به خدا سوگند سرت را به سوی او نگردانندی و او را سبک شمردی، هر که مؤمنی را سبک

شمارد، ما را سبک شمرده و حرمت خدا را ضایع نموده است.

۱۴۹- باب تحریم قطع صلہ ارحام

۱- امام باقر (ع) فرمود : که علی (ع) فرموده : وقتی که مردم پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروت در دست اشرار قرار می‌گیرد.

۲- علی (ع) فرمود : از جمله گناہانی که سبب مرگ زودرس می‌شود، قطع رحم است.

۳- عنبسة بن عابد گوید : شخص پیش امام صادق (ع) آمد و از خویشاوندانش

شکایت کرد، حضرت به او فرمود : خشمت را فرونشان و این کار را بکن (همیشه خشمت را فرونشان) عرض کرد : آنها هر چه می‌خواهند می‌کنند، فرمود : آیا تو هم می‌خواهی مثل آنها باشی؟ تا خداوند به شما توجه نکند.

۴- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است. «از خویشاوندت» قطع رحم نکن اگر چه از تو بریده باشد،

۱۵۰- باب تحریم جمع آوری موارد لغزشهای مؤمن برای عیب گرفتن از او

۱- امام صادق (ع) فرمود : دورترین بنده از درگاه خداوند کسی است که در حال دوستی و برادری با دیگری لغزشهای وی را به خاطر بسپارد تا روزی او را برای آن لغزشها سرزنش کند.

۲- امام باقر (ع) فرمود چیزی که بیش از همه بنده را به کیفر وادارد این است که شخص با دیگری پیمان برادری در دین بسته باشد ولی لغزشها و خطاهای او را شمارش کند تا روزی وی را در مورد آنها نکوهش کند.

۳- اسحاق بن عمّار گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود :

پیغمبر (ص) فرموده است : ای گروهی که به زبان ایمان آورده ولی ایمان به دلتان نرسیده است مسلمانان را مذمت نکنید، و در جستجوی عیوب آنها نباشید زیرا هر که در جستجوی عیوب مسلمانان باشد خداوند به دنبال عیبهای اوست.

و خداوند چنین فردی را رسوا گرداند گر چه در خانه اش باشد.

۴- امام صادق (ع) فرمود : پست ترین چیزی که شخص به سبب آن از ایمان خارج می‌شود آن است که مرد با همکیش خود دوستی کند و لغزشها و خطاهای او را بشمارد تا روزی او را در مورد آنها نکوهش نماید.

۱۵۱- باب نهی از عیبجویی و سرزنش مؤمن

۱- امام صادق (ع) فرمود : هر که مؤمنی را به خاطر گناهی سرزنش کند نمی‌میرد تا این که خودش مرتکب همان گناه شود.

۲- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که عمل زشتی را فاش کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده و انجام داده است و هر که مؤمنی را به سبب چیزی سرزنش کند، نمی‌میرد تا این که خودش مرتکب آن شود.

۳- امام صادق (ع) فرمود : هر که مؤمنی را ملامت کند در دنیا و آخرت مورد نکوهش خدا قرار می‌گیرد.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هر که به منظور عیبجویی به دیدن برادرش برود، خدا در دنیا و آخرت او را نکوهش کند.

۵- امام صادق (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که عمل زشتی را فاش کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده و انجام داده است و هر که مسلمانی را به

گناهی ملامت کند، نمی‌میرد مگر این که خودش مرتکب آن شود.

۱۵۲- باب تحریم غیبت کردن از مؤمن

۱- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است مؤمن کسی است که مؤمنین او را بر جان و مال خودشان امین دانند، و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ و مهاجر کسی است که از گناهان دوری جوید و آنچه را که خدا حرام نموده ترک نماید و همچنین ستم کردن، خوار داشتن، و غیبت نمودن، و طرد کردن مؤمن، بر مؤمن حرام است.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر که در داد و ستدش به مردم ستم نکند و در گفتارش به آنان دروغ نگوید، و در وعده‌ای که به مردم می‌دهد خلف وعده ننماید، از کسانی است که غیبتش بر دیگران حرام، مروّتش کامل، و عدالتش ظاهر است، دوستی و برادری چنین شخص بر دیگران واجب است.

۳- حرث بن مغیره گوید امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان، و چشم و آینه و راهنمای اوست. نسبت به او خیانت نمی‌کند، فریبش نمی‌دهد، بر او ستم روا نمی‌دارد وی را دروغگو نمی‌پندارد، و از او غیبت نمی‌کند.

۴- فضیل بن یسار گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی‌کند، و او را خوار نمی‌دارد.

۵- امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی‌کند، خوارش نمی‌دارد، غیبت او را نمی‌کند، وی را فریب نمی‌دهد، و از عطایا محرومش نمی‌کند.

۶- امام صادق (ع) فرمود : هر که در مورد مؤمنی آنچه را که دیده و یا شنیده برای دیگران بازگو کند، جزء کسانی است که خدای عز و جل در باره آنها فرموده است : «آنان که می‌خواهند در باره مؤمنین عمل زشتی را اشاعه دهند برای آنان عذاب دردناک است» .

۷- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : تأثیر غیبت در نابودی دین شخص مسلمان از اثر مرض خوره در درونش سریعتر است.

۸- پیغمبر (ص) فرمود : نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا وقتی که صحبت نکند، عرض کردند یا رسول الله، آن صحبت چه باشد؟ فرمود : غیبت کردن.

۹- ابو ذر گوید : پیغمبر (ص) در یکی از نصایحش به من فرمود : ای ابا ذر، از غیبت کردن پرهیز زیرا غیبت بدتر از زناست. عرض کردم یا رسول الله چرا چنان است؟ فرمود : برای این که زناکار اگر توبه و استغفار نماید، خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. ولی گناه غیبت بخشوده نمی‌شود مگر این که صاحبش عفو نماید.

ای ابا ذر، دشنام دادن به مسلمان فسق، و جنگ با او کفر است، غیبت کردن از او سرپیچی از فرمان خدا، و مالش مانند خونش محترم است، عرض کردم یا رسول الله غیبت چیست؟ فرمود : در باره برادرت چیزی بگویی که او خوش ندارد. عرض کردم یا رسول الله اگر آنچه که گفته می‌شود در او باشد چگونه؟

فرمود بدان که هر گاه در باره او چیزی بگویی که در او هست از او غیبت کرده‌ای و اگر چیزی بگویی که در او نیست، به او بهتان بسته‌ای.

۱۰- پیغمبر (ص) فرمود : بهشت بر سه گروه حرام است، ۱- آنان که

بر دیگران منت گذارند. ۲- کسانی که از دیگران غیبت کنند. ۳- آنان که دایم الخمر باشند.

۱۱- پیغمبر (ص) فرمود: آیا مردم در روز قیامت جز بر اثر نتیجه زبانشان برای چیز دیگر هم سرنگون به آتش انداخته می‌شوند؟

۱۲- امام باقر (ع) فرمود که پیغمبر (ص) فرموده است: دشنام دادن به مؤمن فسق، و جنگ با او کفر است، غیبت کردن از او سرپیچی از فرمان خدا، و مالش مانند خونس محترم است.

۱۳- امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌کند: که در حدیث مناهی پیغمبر (ص) مردم را از غیبت کردن، و سخن چینی، و گوش دادن به آنها نهی نموده است، و فرمود: هیچ سخن چینی به بهشت نمی‌رود، و از غیبت کردن و گفت و شنودی که انسان را از خدا دور می‌کند نیز نهی کرده است. آنگاه فرمود:

هر که غیبت مرد مسلمانی بکند روزه اش باطل و وضویش شکسته می‌شود، و در روز قیامت بیاید در حالی که از دهن او بویی گندیده‌تر از مردار پخش می‌گردد که سبب آزار اهل قیامت می‌شود، و اگر قبل از توبه کردن بمیرد در حالی مرده که حرام خدا را حلال دانسته است. آگاه باش هر کس غیبت برادر دینی‌اش را در مجلسی بشنود و از او دفاع کند و غیبت را ردّ نماید خداوند هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دفع می‌کند و اگر قدرت دفع داشته باشد ولی از وی دفاع نکند، کیفر گناهش هفتاد برابر گناه غیبت‌کننده خواهد بود.

۱۴- امام صادق (ع) فرمود: غیبت عبارت است از گفتن چیزی در باره برادر دینی که خدا آن را بر او پوشیده نگه داشته است و اگر چیزی را که در او وجود ندارد به او

نسبت دهی بهتان به شمار می‌آید.
۱۵- امام صادق (ع) فرمود : زنازاده را سه نشانه است : ۱- زشتی پیشگاهش (یعنی همنشینی با او زشت است) ۲- به زنا اشتیاق دارد. ۳- ما اهل بیت را دشمن می‌دارد.

۱۶- نوف بکالی گوید : در صحن مسجد کوفه خدمت امیر مؤمنان (ع) رسیدم و سلام عرض کردم. حضرت جواب سلام را فرمود، گفتم : یا امیر المؤمنین مرا موعظه‌ای بفرما، فرمود : ای نوف نیکی کن تا به تو نیکی کنند، تا این که فرمود ... عرض کردم بیشتر موعظه فرما، فرمود : از غیبت اجتناب کن زیرا غیبت خورش سگهای جهنم است سپس فرمود : ای نوف کسی که به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را بخورد، به دروغ گمان کرده که حلال زاده است.

۱۷- امام رضا (ع) از پدرش نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود : خانه‌ای را که در آن گوشت باشد و گوشت چربی را خدا دوست ندارد، راوی گوید : عرض کردند یا ابن رسول الله ما گوشت را دوست داریم، و خانه ما خالی از گوشت نیست، فرمود آن طوری که شما فکر می‌کنید نیست، بلکه مقصود از خانه‌ای که گوشت دارد، خانه‌ای است که در آن به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را بخورند، و منظور از گوشت چربی کسی است که در راه رفتن تکبر و خودنمایی و فخر از خود نشان دهد.

۱۸- پیغمبر (ص) فرمود : غیبت، کیفرش شدیدتر از زناست عرض کردند یا رسول الله چرا چنین است؟ فرمود : چون زناکار اگر توبه نماید خدا توبه‌اش را می‌پذیرد، اما غیبت‌کننده توبه می‌کند ولی خداوند از او نمی‌پذیرد تا کسی که وی از او غیبت کرده است او را عفو نماید. و در جای دیگر از جابر نقل شده که پیغمبر (ص) فرمود : از

غیبت کردن پرهیزید، زیرا غیبت از زنا هم بدتر است، و سپس دنباله حدیث را مانند حدیث بالا بیان فرمود :

۱۹- پیغمبر (ص) فرمود : آیا آگاه نکنم شما را به چیزی که از زنا هم بدتر است، و آن عبارت است از این که شخص از برادرش بد گویی کند (با غیبت کردن)

۲۰- امام صادق (ع) فرمود : کسی را که با چشم خود ندیده‌ای مرتکب گناه شود، و در نزد تو دو نفر علیه او گواهی نداده‌اند، چنین شخص عادل است و شهادتش پذیرفته می‌شود گر چه در باطن گناهکار هم باشد، هر که از او غیبت بکند از دوستی خدا خارج و جزء دوستان شیطان است، سپس از اجدادش نقل می‌کند که پیغمبر (ص) فرمود : هر که از مؤمنی با صفاتی که در او هست غیبت کند خداوند در بهشت هرگز آنها را يك جا جمع نمی‌کند و هر که از مؤمنی با صفاتی که در او نیست غیبت کند تعهدات دینی میان آنان منقطع و غیبت‌کننده در آتش همیشگی است و چه بدجایی است آن آتش.

۲۱- پیغمبر (ص) فرمود : هر که از برادر مسلمانش غیبت بکند، روزه اش باطل و وضویش شکسته می‌شود، و اگر در آن حال بمیرد در حالی مرده که حرام خدا را حلال دانسته، تا این که فرمود : هر که برای یاری دادن و کمک رساندن به برادرش قدم بردارد، ثواب جهادگران در راه خدا را دارد. و هر که در جستجوی عیب و کشف اسرار برادرش گام بردارد، نخستین گامی که برمی‌دارد در جهنم خواهد گذاشت، و خداوند در پیش آفریدگان اسرار او را فاش می‌کند. و هر که در انجام خواسته‌های خویشاوندانش قدم بردارد، خداوند پاداش صد شهید به او عطا فرماید.

و اگر از وی چیزی بخواهند و او با جان و مال خواسته خویشاوندان را برآورده کند برای هر قدمش چهل میلیون حسنه است و مقامش چهل میلیون درجه بالا رود، مثل این که صد سال خدا را عبادت کرده، و هر که برای فساد بین خویشاوندان و قطع رحم از آنها قدم بردارد، خداوند بر او غضبناک شود و در دنیا و آخرت بر او لعنت فرستد، و گناهش به اندازه معصیت کسی است که قطع رحم کرده باشد.

۲۲- امام صادق (ع) فرمود : غیبت عبارت است از این که در باره برادرت بگویی آنچه را که خداوند پنهان نگهداشته، و اگر صفاتی را که در او نیست بیان کنی، شامل فرمایش خداست «البته بهتان و گناه آشکار را متحمل گردید» .

۱۵۳- باب تحریم تهمت زدن بر مرد مؤمن و زن مؤمن

۱- ابن ابی یعفور گوید : امام صادق (ع) فرمود : هر کس بر مرد یا زن مؤمن به آنچه در آنها نیست بهتان ببندد، خداوند در روز رستاخیز او را در موضع طینت خبال برانگیخته و نگه دارد. تا از عهده آنچه گفته بیرون آید، راوی گوید عرض کردم «طینت خبال» چیست؟ فرمود : چرکی است که از فرج زنان بدکاره بیرون آید.

۲- امام رضا (ع) از پدرانش نقل می‌کند که پیغمبر (ص) فرمود : هر که بر مرد یا زن مؤمن تهمت بزند، و یا چیزی را که در آنها نیست به آنان نسبت دهد، در روز رستاخیز خدا او را بر تلی از آتش بر پا نگه دارد تا از عهده آنچه گفته است بیرون آید.

۱۵۴- باب موارد جواز غیبت کردن

۱- داود بن سرحان گوید : از امام صادق (ع) پرسیدم : غیبت چیست؟ فرمود : غیبت عبارت است از گفتن چیزی در مورد امور دینی برادرت که وی انجام نداده و انتشار چیزی بر علیه او که خداوند آن را برایش مخفی نگه داشته و حدی اقامه نکرده است.

۲- عبد الرحمن بن سیابه گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : غیبت آن است که در باره برادرت چیزی بگویی که خداوند بر او پوشانده است، اما گفتن امور ظاهری مانند صفات تند خویی، شتابزدگی و مانند آنها، غیبت نیست، ولی گفتن چیزی را که در او نیست بهتان و افتراست.

۳- یحیی ازرق گوید : که امام موسی کاظم (ع) به من فرمود : هر که پشت سر مردی چیزی را که در اوست و مردم هم می‌دانند بگوید از او غیبت نکرده است، و اگر صفاتی را ذکر کند که در اوست ولی مردم نمی‌دانند از او غیبت کرده و اگر صفاتی را که در او نیست بگوید به او بهتان زده است.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه فاسق فسق خود را آشکار کند، در بین مردم آبرو ندارد، و غیبتش جایز است

۵- امام صادق (ع) از پدرش نقل می‌کند که آن حضرت فرمود : سه شخص بین مردم آبرو ندارند ۱- بدعت گذار ۲- رهبر ستمگر، ۳- فاسقی که آشکارا فسق نماید.

۶- امام صادق (ع) در مورد آیه **لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ** خداوند دوست نمی‌دارد بلند کردن صدا به بدی را مگر در مورد کسی که مورد ستم واقع شده باشد. فرمود :

هر که گروهی را به مهمانی دعوت کند ولی از آنها خوب پذیرایی نکند جزء ستمگران است، و آنچه مهمانان از بدی پذیرایی او بازگو کنند، گناهی ندارد.

۷- در تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه : **لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ** امام صادق (ع) فرمود : چون بر کسی مهمان وارد شود و او از مهمان خوب پذیرایی نکند. برای مهمان اشکال ندارد پذیرایی بد میزبان را بازگو کند، (یعنی غیبت محسوب نمی‌شود)

۱۵۵- باب وجوب جبران کیفر غیبت کردن با حلال‌طلبی و استغفار

۱- امام صادق (ع) فرمود : از پیغمبر (ص) پرسیدند : کفّاره غیبت چیست؟ فرمود : از خدا طلب آمرزش کنی برای کسی که از او غیبت کرده‌ای هر وقت او را به یاد آری.

۱۵۶- باب وجوب ردّ غیبت مؤمن و تحریم شنیدن آن

۱- امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌کند : که در وصیّت پیغمبر (ص) به علی (ع) است : ای علی هر که در نزد او از برادر مسلمانی غیبت شود و او قادر بر یاری‌اش باشد (با ردّ غیبت) و یاری نکند، خدا در دنیا و آخرت او را خوار گرداند.

۲- امام باقر (ع) فرمود : هر که نزد وی از برادر مؤمنش غیبت شود و او به یاری و کمکش بشتابد و از او دفاع کند، خداوند در دنیا و آخرت وی را یاری کند و اگر به کمک و یاری‌اش نشتابد و از او دفاع نکند با این که قدرت کمک دارد، خداوند در دنیا و آخرت وی را حقیر ناچیز گرداند.

۳- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که از آبروی برادر مسلمانش دفاع کند، بی‌شک بهشت برایش واجب می‌شود.

۴- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه مؤمنی به مؤمن ستمدیده‌ای کمک کند، ارزش این کارش از روزه یک ماه و اعتکاف در مسجد الحرام برتر است، اگر توانایی کمک دارد و برادر مؤمنش را یاری دهد خدا در دنیا و آخرت او را نصرت عطا فرماید. هر گاه در حال توانایی بر یاری او، او را یاری نکند و خوارش کند، خداوند در دنیا و آخرت وی را خوار گرداند.

۵- پیغمبر (ص) فرمود : هر کس غیبت برادرش را در مجلسی بشنود و از او دفاع کند و جلو غیبت از او را بگیرد خدا هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دور می‌کند، و اگر جلو غیبت را نگیرد، بلکه خوشش هم بیاید، گناه و کیفرش به اندازه معصیت غیبت‌کننده خواهد بود.

۶- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که آبروی برادر مسلمانش را حفظ کند بی‌شک بهشت برای او نوشته شود کسی که برایش کار نیکی انجام داده‌اند باید جبران کند، و اگر قادر به جبران نباشد، لازم است تشکر کند، اگر این کار را هم نکند کفران نعمت کرده است.

۷- ابو‌درداء از پدرش نقل می‌کند که مردی نزد پیغمبر (ص) در باره شخص دیگر سخنی گفت. یکی از خویشاوندان آن شخص از او دفاع کرده و گفته آن مرد را رد کرد، آنگاه حضرت فرمود : هر که از آبرو و حیثیت برادرش دفاع کند مصون از آتش دوزخ خواهد بود.

۸- پیغمبر (ص) در نصیحتی به ابو ذر فرمود : ای ابا ذر، هر که غیبتی را از

برادر مؤمنش دفع کند، سزاوار آن است که خداوند او را از آتش دوزخ آزاد کند. ای ابا ذر، هر که در نزد او از برادر مؤمنش غیبت شود و او توانایی یاری‌اش داشته باشد (با رد غیبت) او را یاری کند خداوند در دنیا و آخرت یاری‌اش فرماید، و هر گاه در حال قدرت بر یاری او، کمکش نکند و خوارش دارد، خداوند در دنیا و آخرت او را خوار گرداند.

۱۵۷- باب تحریم افشای سرّ مؤمن و عیبجویی از او ...

۱- عبد الله بن سنان گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود : آری، عرض کردم : یعنی شرمگاهش؟ فرمود :

آن طوری که فکر می‌کنی نیست، بلکه مراد از عورت، افشای سرّ مؤمن است.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر که مطلبی را در مورد مؤمنی بازگو کند که قصدش رسوا کردن او و ریختن آبرویش باشد تا از نظر مردم بیفتد، خداوند او را از دوستی خود به دوستی شیطان خارج کند، و شیطان هم او را نپذیرد.

۳- امام صادق (ع) در مورد حدیث «عورة المؤمن علی المؤمن حرام»

فرمود :

مراد از عورت آن نیست که مؤمن برهنه شود و تو عضوی از او را ببینی، بلکه عورت عبارت است از این که به ضرر مؤمن سخنی بگویی و یا از او عیبجویی نمایی.

۴- محمد بن فضیل گوید : به امام موسی کاظم (ع) عرض کردم : قربانت کردم، در باره یکی از برادرانم خبری به من رسیده است که در شأن او نیست از خود وی پرسیدم انکار کرد، در صورتی که گروه موثقی آن

را به من اطلاع داده است. فرمود : ای محمد چشم و گوش خود را نسبت به برادرت تکذیب کن، اگر پنجاه نفر پیش تو قسم بخورند و علیه برادرت گواهی دهند، ولی برادرت خلاف آن را بگوید گفته وی را تصدیق و آنها را تکذیب کن و نباید چیزی را که باعث سرشکستگی اوست و به آبرو و حیثیت او لطمه میزند در مورد او منتشر کنی زیرا در این صورت جزء کسانی هستی که خدا در باره آنان فرموده است : «آنان که دوست دارند زشتکاری در باره مؤمنین فاش گردد برای آنها در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است» .

۵- پیغمبر (ص) فرمود : هر که کلام زشتی را بشنود و آن را انتشار دهد مانند کسی است که آن را انجام داده، و هم چنین افشاکننده کلام خوب مانند انجام دهنده آن است.

۶- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است. هر که عمل زشتی را منتشر کند کیفرش مانند شروع کننده آن است، و هر که مؤمنی را به سبب چیزی سرزنش کند، نمی‌میرد تا این که خودش مرتکب آن شود.

۷- فیض بن مختار گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : وقتی که به حضرت عیسی (ع) مائده نازل شد به حواریون گفت بدون اجازه من از مائده نخورید، ولی یکی از آنها از مائده خورد دیگران به عیسی گفتند یا روح الله فلانی از مائده خورد، عیسی از وی پرسید آیا تو از مائده خوردی؟ گفت : نه، حواریون گفتند چرا یا روح الله به خدا قسم وی از مائده خورد، حضرت عیسی فرمود : برادرت را تصدیق، و چشمت را تکذیب کن.

۱۵۸- باب تحریم ناسزا گفتن به مؤمن و محترم داشتن ناموس، مال و خون او

۱- عبد الرحمن بن حجّاج گوید : موسی بن جعفر (ع) در باره دو نفر که به هم دشنام دهند فرمود : آن که به دشنام آغاز کرده است ظالمتر است، و گناه خود و گناه رفیقش به گردن اوست تا زمانی که از مظلوم عذرخواهی نکرده است.

۲- امام باقر (ع) فرمود : مردی از قبیله بنی تمیم خدمت پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد : به من نصیحتی بفرما. از جمله نصایح آن حضرت این بود، که به مردم ناسزا نگویند زیرا دشنام باعث دشمنی آنان نسبت به شما می‌شود.

۳- امام باقر (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : ناسزا گفتن به مؤمن گناه است، جنگ با او کفر و خوردن گوشتش بوسیله غیبت کردن معصیت می‌باشد و مال او مانند خورش محترم است.

۴- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : کسی که به مؤمن ناسزا بگوید همچون کسی است که در پرتگاه هلاکت باشد.

۵- امام باقر (ع) فرمود : هر که از ریختن آبروی مردم خودداری کند، خداوند در روز قیامت او را عفو فرماید، و هر که خشم خود را از مردم منع کند و جلو خشم خود را بگیرد خداوند عذاب روز رستاخیز را از او باز دارد.

۱۵۹- باب تحریم بد نام کردن مؤمن و سوء نیت داشتن به او

۱- امام باقر (ع) فرمود : مرد هرگز به کفر مرد دیگر گواهی نمی‌دهد، (بگوید تو کافری یا ای کافر) جز این که به یکی از آن دو برگردد، اگر بر کفر کافری گواهی دهد راست گفته است، و اگر کفر را به مؤمنی نسبت دهد به خود وی بازمی‌گردد بنا بر این از طعنه زدن به مؤمنان پرهیزید.

۲- ابو حمزه گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود : هر گاه مردی به برادر مؤمنش بگوید اف (وای بر تو) از پیوند (دینی) با او خارج می‌شود، و چون به او بگوید تو دشمن منی یکی از آنها کافر شوند، و خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمنش نیت بد در دل دارد هیچ عملی را نمی‌پذیرد.

۳- امام باقر (ع) فرمود : هر کس رو در روی مؤمن به او طعن زند (او را بد نام کند) با بدترین مرگها خواهد مرد و سزاوار است که به خیر و سعادت بازنگردد.

۴- امام صادق (ع) فرمود : خداوند مؤمنان را از پرتو عظمت و شکوه و بزرگواری خویش آفریده، و هر که آنان را طعنه زند و یا عقیده‌شان را مردود شمرد بيشك خدا را رد کرده و چنین شخص از فضل الهی بی‌بهره می‌باشد و این کار یکی از دامهای شیطان است.

۵- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : خدای عزّ و جلّ مؤمن را از عظمت جلال و قدرت خویش آفریده، بنا بر این هر که مؤمنی را طعن زند و یا سخن او را مردود شمرد، بيشك خدا را رد کرده است.

۱۶۰- باب تحریم لعن کردن کسی که نباید او را لعن کرد

۱- امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که لعن از دهن گوینده اش بیرون آید، بین گوینده و لعن‌شونده در هوا مردّد می‌ماند، اگر لعن‌شونده را سزاوار یافت بر او فرود می‌آید، و الاّ به گوینده اش باز می‌گردد؛ و گوینده به آن سزاوارتر است، بنا بر این از لعن کردن مؤمن پرهیزید زیرا به خودتان باز می‌گردد.

۲- حدیث ۲ از امام باقر (ع) با اندک تفاوتی مانند حدیث ۱ نقل شده است.

۱۶۱- باب تهمت زدن به مؤمن و بدگمان بودن به او

۱- امام صادق (ع) فرمود : چون مؤمن به برادر دینی خود تهمت بزند ایمان در قلبش آب شود مانند نمک در آب.

۲- عمر بن یزید از پدرش نقل کرده : که شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود :

هر که به برادر دینی خود تهمت بزند احترام میان آنها از بین می‌رود و هر که با برادر دینی خود مانند باقی مردم رفتار کند، از آنچه که خود را بدان بسته (مذهب جعفری) بیزار و برکنار شده است.

۳- امام صادق (ع) فرمود : که علی (ع) فرموده است : گفتار و کردار برادرت را حمل بر نیکی کن، مگر این که کاری از او سربزند که نتوانی توجیه کنی، و به گفتار او تا جایی که می‌توان حمل بر نیکی کرد سوء ظن نبر،

۱۶۲- باب تحریم ترساندن مؤمن و لو با نگاه

۱- امام صادق (ع) فرمود : که پیغمبر (ص) فرموده است : هر که به مؤمن طوری نگاه کند که وی را بترساند، خدای عز و جل در روزی که سایه‌ای جز سایه «رحمت» نیست (روز قیامت) او را بترساند.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر که مؤمنی را از سلطانی بترساند به این که از طرف سلطان بدی به او می‌رسد، و نرسد او در آتش دوزخ است و هر که مؤمنی را از آسیب سلطانی بترساند و آسیب به وی برسد، ترساننده با فرعون و خاندان او در آتش دوزخ خواهد بود.

۳- علی (ع) فرمود : بر هیچ مسلمانی جایز نیست که مسلمانی را بترساند.

۱۶۳- باب تحریم کمک به قتل و اذیت مؤمن گر چه با کلمه‌ای باشد

۱- از امام صادق (ع) روایت شده است : در روز رستاخیز مردی نزد مرد دیگری می‌آید و او را به خونش آغشته می‌کند و مردم سرگرم حسابند، آن مرد می‌گوید با من چه کار داری و چرا مرا خون آلود کردی؟ می‌گوید چون تو در دنیا قاتل مرا علیه من یاری دادی و من کشته شدم.

۲- امام صادق (ع) فرمود : هر کس با کوچکترین کلمه‌ای بر ضرر مؤمن اقدام کند، روز قیامت خدای را دیدار کند در حالی که این جمله در پیشانی‌اش نوشته شده، این شخص از رحمت ناامید است.

۳- امام باقر (ع) فرمود : روز رستاخیز شخصی در عرصه محشر حاضر می‌شود و يك شیشه

خون به او می‌دهند و می‌گویند این سهم تو از خون فلانی است، می‌گویند پروردگارا تو می‌دانی که من خونی نریخته‌ام و مرا خودت قبض روح کردی، خداوند می‌فرماید: آری، ولی آیا تو از فلانی فرزند فلان چنین و چنان نشنیدی پس آن را بازگو کردی تا این که گفتارت به فلانی رسید و او به سبب گفته‌های تو آن مرد را کشت و این نصیب تو از خون اوست.

حدیث ۴ مانند حدیث ۲ است، فقط در جمله آخر: (نومید از رحمت من است) قید نشده است.

۱۶۴- باب تحریم سخن چینی و تفرقه افکنی

۱- امام صادق (ع) فرمود: که پیغمبر (ص) به اصحاب خود فرموده است: آیا شما را از شرورترینان آگاه نکنم: عرض کردند: چرا، یا رسول الله، فرمود: آنان که برای سخن چینی قدم بردارند، و بین دوستان تفرقه اندازند و از کسانی که عیب ندارند عیبجویی کنند.

۲- امام باقر (ع) فرمود: بهشت بر دروغ پردازان و کار آگاهانی که سخن چینی کنند حرام است.

۳- علی (ع) فرمود: بدترین شما کسانی‌اند که سخن چینی کنند، و بین دوستان تفرقه اندازند، و از آنان که عیب ندارند عیبجویی کنند.

۴- ابو ذر گویند: پیغمبر (ص) در نصیحتی به من فرموده است: ای ابا ذر، قتات به بهشت نمی‌رود، عرض کردم: یا رسول الله، قتات کیست؟ فرمود: سخن چین. ای ابا ذر، سخن چین در آخرت از عذاب الهی آسوده نخواهد بود.

ای ابا ذر، هر که در دنیا، دو رو و دو زبان باشد، در آتش دوزخ دارای دو چهره خواهد بود ای ابا ذر، گفتار در انجمنها امانت است، انتشار دادن راز برادرت خیانت است پس از این کار دوری کن، و از حضور در مجلسی که سبب لغزش گردد نیز پرهیز ۵- علی (ع) فرمود: که پیغمبر (ص) فرموده است: چهار گروهند که دوزخیان را با وجود گرفتاریهای خودشان که از آب داغ دوزخ می‌نوشند آزار می‌دهند، و فریادشان به وا ویلا و هلاکا بلند است. بعضی از دوزخیان از بعضی می‌پرسند، گناه این چهار گروه چیست؟ که ما با وجود این همه گرفتاری از عذاب آنان نیز رنج می‌بریم، یکی از آنها در تابوتی از آتش گداخته آویزان است، دیگری احشای درونی‌اش بیرون آمده و آنها را با خود می‌کشد، آن یکی چرك و خون از دهنش جاری است، آن دیگری گوشت بدنش را می‌خورد.

از صاحب تابوت آتشین می‌پرسند که جرم این دور از رحمت خدا چیست؟ که عذاب او ما را با همه بدبختی و عذاب که داریم نیز آزار می‌دهد، می‌گویند این دور از رحمت الهی موقع مرگ اموالی از مردم را با این که توانایی بازپرداخت نداشت بر ذمه گرفته بود. سپس از آن که احشای درونی‌اش کشیده می‌شد پرسیدند، که جرم این ملعون چیست که وضع دلخراش او بر گرفتاری و شدت آزار ما افزوده است. می‌گویند این محروم از رحمت الهی، کسی بود که ادرار به هر کجای بدنش می‌رسید باکی نداشت (رعایت نجاست و پاکی نمی‌کرد) آنگاه از آن که چرك و خون از دهنش می‌آید می‌پرسند، که این یکی چه کرده و گنااهش چیست؟ که همچنان ما را با همه گرفتاریهای خود به زحمت انداخته، می‌گویند:

این یکی مسخرگی می‌کرد و از کلمات زشت استفاده می‌نمود و آنها را به کسی نسبت می‌داد و آن را حکایت می‌کرد. سپس از آن که گوشت بدنش را می‌خورد سؤال کردند که این دور از رحمت الهی چه کرده است؟ با همه بدبختیها که از گناهان خود داریم از عذاب وی نیز در رنجیم، می‌گویند: این محروم از رحمت الهی گوشت مردم را می‌خورد (با غیبت کردن) و سخن چینی می‌کرد. ۶-

پیغمبر (ص) فرمود: هر که بین دو نفر دست به سخن چینی بزند، خداوند در قبر آتشی بر او مسلط گرداند که تا قیامت او را بسوزاند و چون از قبر بیرون آید، خدا ازدهای سیاهی را بر او مسلط کند که وی را نیش زند تا این که داخل آتش دوزخ گردد.

۷- امام صادق (ع) فرمود: سه نفر هرگز به بهشت نخواهند رفت: ۱- شخص بی‌باک در خونریزی، ۲- دایم الخمر (کسی که همیشه شراب می‌نوشد) ۳- سخن چین.

۸- علی (ع) فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: ۱- آن که به دیگران منت گذارد، ۲- آن که سخن چینی کند، ۳- آن که دایم الخمر باشد.

۹- امام موسی کاظم (ع) فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: ۱- سخن چین، ۲- دایم الخمر، ۳- و آن که ناموسش را در اختیار دیگر گذارد و او فاجر و گنهکار است.

۱۰- امام صادق (ع) به منصور فرمود: از کسی که بهشت بر او حرام و جایگاهش آتش است هیچ سخنی را در باره خویشاوندان و خدمتکاران خانواده ات نپذیر، زیرا سخن چین دروغگوی آشکار، و در ایجاد دشمنی بین مردم شریک شیطان است. چون خداوند متعال فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری برای شما آورد

جستجو نمایید مبادا از روی نادانی به گروهی آسیب رسانید و سپس بر عمل خود پشیمان شوید» البته بر تو واجب است، نسبت به کسی که خویشاوندی اش از تو قطع کرده صلح رحم کنی و به کسی که ترا محروم کرده عطا و بخشش کنی و کسی را که به تو ستم کرده عفو نمائی چون پاداش نیکی، صلح رحم نیست، بلکه صلح رحم آن است که اگر خویشاوندان از تو بریدند تو صلح رحم بجا آوری

۱۱- امام صادق (ع) فرمود : چهار شخص به بهشت نخواهد رفت : ۱- پیشگو، ۲- منافق، ۳- دایم الخمر، ۴- سخن چین.

۱۲- امام صادق (ع) فرمود : حضرت موسی (ع) در مناجات با پروردگارش شخصی را زیر سایه عرش خدا دید، عرض کرد خدایا، این شخص کیست که عرش تو بر او سایه افکنده است؟ خداوند فرمود : این کسی است که همواره به پدر و مادرش نیکی نموده، و هرگز سخن چینی نکرده است.

۱۳- امام صادق (ع) فرمود : خداوند تبارک و تعالی به موسی (ع) وحی کرد که یکی از یارانانت علیه تو سخن چینی کرده، از او بپرهیز، عرض کرد خدایا من که او را نمی‌شناسم مرا آگاه کن تا او را بشناسم، خطاب شد ای موسی من سخن چینی را بر او عیب می‌گیرم ولی تو مرا مکلف به سخن چینی می‌کنی، موسی گفت خدایا پس چه کنم؟ خطاب آمده ای موسی یارانانت را به گروههای ده نفری تقسیم کن و بین آنها قرعه بکش، البته قرعه به نام گروهی اصابت خواهد کرد که سخن چین در بین آنهاست و به همین ترتیب قرعه کشی را ادامه بده تا قرعه به نام سخن چین اصابت کند، موسی (ع) گوید : وقتی که سخن چین قرعه کشی را دید از جا برخاست و گفت : ای پیغمبر خدا، سخن چین من بودم، و

سوگند یاد می‌کنم که هرگز آن را تکرار نکنم.

۱۴- حذیفه گوید : از پیغمبر (ص) شنیدم که می‌فرمود : سخن چین هرگز داخل بهشت نمی‌شود.

۱۶۵- باب استحباب نگاه کردن به اولاد صالح پیغمبر (ص)

۱- امام رضا (ع) فرمود : نگاه کردن به فرزندان ما عبادت است. راوی گوید : عرض کردم : یا ابن رسول الله، نگاه کردن به فرزندان شما، یا همه اولاد پیغمبر (ص)؟ حضرت فرمود : نگاه کردن به همه فرزندان پیغمبر (ص) تا جایی که از روش رسول الله جدا نشده و خویشان را به گناه آلوده نکرده‌اند عبادت است.

۱۶۶- باب استحباب نگاه کردن به پدر و مادر و به قرآن و به روی عالم

۱- محمد بن علی بن حسین گوید : که در روایت آمده است : نگاه کردن به کعبه، و هم چنین به پدر و مادر، و به قرآن حتی بدون قرائت، و نگاه کردن به روی عالم، و به اولاد رسول الله (ص) عبادت است.

فهرست مطالب

سرآغاز.....	2
تذکر.....	3
اجمالی از شرح حال شیخ حرّ عاملی.....	3
تألیفات شیخ.....	5
۸- باب استحباب همنشینی با خردمند بخشنده.....	14
۹- باب استحباب مشورت با عاقل.....	15
۱۱- باب استحباب معاشرت با مردم خوب و دوستان قدیمی و اجتناب از معاشرت با بدان.....	17
۱۳- باب استحباب دوستی با کسی که رعایت دوستی را می‌کند.....	18
۱۴- باب استحباب کمک و یاری دادن دوستان به يك دیگر.....	19
۱۵- باب کراهت دوستی با بدکار و نادان و دروغگو.....	20
۱۶- باب کراهت شرکت دادن افراد فرومایه و گنهکار در امور.....	22
۱۷- باب تحریم همنشینی با دروغگو و گنهکار و بخیل و نادان و قاطع رحم.....	24
۱۸- باب کراهت همنشینی با فرومایگان و ثروتمندان و گفتگو با زنان.....	26
۲۴- باب جواز مشورت کردن با کسی که مرتبه او پایین‌تر است.....	31
۲۵- باب کراهت مشورت با زنان و نیکو بودن مشورت با مردان.....	32
۲۶- باب کراهت مشورت با شخص ترسو، بخیل، آزمند، برده، فرومایه و بدکار.....	33
۲۷- باب تحریم همنشینی و دوستی با اهل بدعت.....	34
۲۹- باب استحباب اظهار دوستی و محبت نسبت به مردم.....	36
۳۰- باب استحباب خوشرفتاری و گشاده‌رویی و احترام به مردم و خودداری از مزاحمت آنان.....	37

- ۳۱- مستحبّ است برای کسی که مؤمنی را دوست دارد او را از دوستی خود با خبر کند... 37
- ۳۲- باب استحباب آغاز کردن سلام قبل از سخن گفتن و استحباب پاسخ ندادن قبل از سلام..... 38
- ۳۳- باب لزوم سلام و کراهت ترك آن و وجوب پاسخ سلام..... 39
- ۳۵- باب استحباب سلام کردن بر کودکان... 42
- ۳۶- باب حرمت تبعیض بین فقیر و ثروتمند در نحوه سلام کردن و وجوب رعایت مساوات بین آن دو..... 42
- ۳۷- باب استحباب شکرگزاری خدا برای نعمت اسلام و تندرستی..... 43
- ۳۸- باب لزوم بلند سلام کردن و پاسخ دادن به نحوی که مخاطب بشنود..... 43
- ۳۹- باب نحوه سلام گفتن و استحباب انتخاب کلمات مناسب..... 44
- ۴۰- باب استحباب تکرار سلام تا سه مرتبه در صورت عدم دریافت پاسخ و اجازه ورود. 45
- ۴۲- عدم استحباب سلام بر کسی که همراه جنازه است یا به نماز جمعه می‌رود یا در حمام است..... 46
- ۴۳- باب چگونگی پاسخ سلام دادن به حاضر و غایب..... 46
- ۴۴- باب استحباب مصافحه با مقیم و در آغوش گرفتن مسافر..... 48
- ۴۵- باب استحباب سلام کردن کوچک بر بزرگ و جمعیت کم بر جمعیت زیاد و عابر بر نشسته و..... 49
- ۴۷- کراهت ترك سلام بر مؤمن حتی در حال تقیّه..... 50
- ۵۰- باب عدم جواز ورود به خانه غیر بدون اجازه و خبر دادن و سلام کردن و..... 53
- ۵۱- باب کسانی که رفت و آمد به خانه آنها شایسته است..... 53
- ۵۲- باب استحباب سلام کردن هنگام بلند شدن از مجلس..... 54
- ۵۳- باب جواز سلام و دعا کردن بر ذمی در صورت نیاز داشتن به او..... 55

- ۵۵- باب استحباب سلام کردن بر خضر (ع) هر گاه نام وی برده شود..... 56
- ۵۶- باب استحباب چشم پوشی و گذشت نسبت به دوستان..... 56
- ۵۷- باب استحباب دعا برای عطسه‌کننده مسلمان..... 57
- ۵۸- باب نحوه دعا کردن برای عطسه و پاسخ دادن..... 58
- ۵۹- باب جواز دعای کودک برای زن وقتی که عطسه کند..... 59
- ۶۰- باب استحباب عطسه کردن و کراهت عطسه‌های زشت..... 59
- ۶۱- باب استحباب تکرار دعای عطسه‌های پی در پی تا سه مرتبه..... 60
- ۶۲- باب استحباب «الحمد لله» گفتن در موقع عطسه..... 60
- ۶۳- باب استحباب صلوات بر محمد و خاندانش برای کسی که عطسه می‌کند یا می‌شنود..... 62
- ۶۴- درود بر محمد (ص) و خاندانش هنگام عطسه، و ذبح حیوانات و جماع مکروه نیست بلکه مستحب است..... 63
- ۶۵- باب جواز دعای عطسه برای ذمی و دعا برای هدایت وی..... 63
- ۶۶- اگر گفتاری با عطسه مقارن باشد جایز است آن عطسه را دلیل بر راستی سخن گوینده دانست..... 64
- ۶۷- باب استحباب احترام و بزرگداشت شخص مسن مؤمن..... 64
- ۶۸- باب استحباب احترام کریم و شریف ۱- حجال گوید..... 66
- ۶۹- باب کراهت نپذیرفتن تکریم و احترام مانند نپذیرفتن متکا و بوی خوش..... 67
- ۷۰- باب استحباب استقبال و بدرقه از مهمان و اطاعت مهمان از صاحب خانه..... 68
- ۷۴- باب استحباب یا کراهت کیفیت نشستن..... 69
- ۷۵- مستحب است در مجلس انسان به عنوان تواضع جایی پایین‌تر از شأن خود بنشیند..... 70
- ۷۶- باب استحباب رو به قبله نشستن..... 71
- ۷۷- باب کراهت نشستن روبروی خورشید..... 72

- ۷۸- باب استحباب نشستن در خانه غیر در هر جایی که صاحب خانه بخواهد..... 72
- ۷۹- باب استحباب نشستن روی دو پا و در بغل گرفتن زانوها..... 72
- ۸۰- باب استحباب شوخی و خنده کم..... 73
- ۸۱- باب کراهت قهقهه زدن و استحباب تبسم..... 74
- ۸۲- باب کراهت خنده بدون علت..... 74
- ۸۳- باب کراهت شوخی و خنده زیاد..... 75
- ۸۴- باب استحباب تبسم بر چهره مؤمن..... 77
- ۸۵- باب استحباب صبر کردن بر اذیت همسایه و دیگران..... 77
- ۸۶- باب وجوب خودداری از آزار همسایه.. 80
- ۸۷- باب استحباب خوشرفتاری با همسایه.. 82
- ۸۸- باب استحباب طعام دادن به همسایگان و وجوب آن در صورت ضرورت..... 83
- ۸۹- باب کراهت همسایگی با اشخاص بد..... 84
- ۹۱- استحباب مدارا کردن با همسفر..... 85
- ۹۲- باب استحباب بدرقه همسفر هنگام جدا شدن هر چند ذمی باشد..... 85
- ۹۳- باب استحباب نامه نوشتن در سفر و وجوب پاسخ دادن به نامه..... 86
- ۹۴- باب استحباب شروع نامه با بسم الله و نوشتن آن به بهترین خط..... 86
- ۹۵- باب چگونگی نوشتن عنوان نامه..... 87
- ۹۶- باب استحباب آغاز نامه به نام کسی که نامه برایش فرستاده می‌شود..... 87
- ۹۷- باب استحباب نوشتن «ان شاء الله» در نامه هر جا که مناسب باشد..... 87
- ۹۸- باب استحباب خشک کردن خطهای نامه.. 88
- ۹۹- باب عدم جواز سوزاندن کاغذهایی که در آن آیات قرآن یا نام خدا باشد..... 88
- ۱۰۰- استحباب تقسیم وقت بین دوستان به طور مساوی..... 90
- ۱۰۱- باب استحباب سؤال کردن از نام و نام خانوادگی و نسب و حال دوست و همنشین..... 91
- ۱۰۲- باب کراهت از بین رفتن شرم و حیا بین دوستان..... 92

۱۰۳-	باب انتخاب دوستانی که نمازشان را بموقع می‌خوانند و نسبت به دوستان نیکی می‌کنند.....	93
۱۰۴-	باب استحباب خوشخویی با مردم.....	93
۱۰۵-	باب استحباب انس و الفت با مردم..	98
۱۰۶-	باب استحباب خوشرفتاری با مردم...	98
۱۰۷-	باب استحباب خوشرویی و خوش برخوردی.....	99
۱۰۸-	باب وجوب راستگویی.....	100
۱۰۹-	باب استحباب صدق وعده، گرچه يك سال طول بکشد.....	102
۱۱۰-	باب مستحب بودن حیا.....	103
۱۱۱-	باب جایز نبودن شرم و حیا داشتن از پرسش کردن در باره احکام دین.....	104
۱۱۲-	باب استحباب عفو و گذشت.....	104
۱۱۳-	باب استحباب عفو از ستمگر، صله رحم، احسان و نیکی.....	106
۱۱۴-	باب استحباب فروخوردن خشم.....	108
۱۱۵-	باب استحباب فروخوردن خشم از دشمنان دین در زمان حکومتشان.....	111
۱۱۶-	باب استحباب صبر در برابر حسودان و مانند آن.....	111
۱۱۷-	باب استحباب سکوت، مگر در امور خیر.....	112
۱۱۸-	باب استحباب سخن گفتن در جایی که سکوت روا نیست.....	115
۱۱۹-	باب وجوب نگهداری زبان از آنچه که گفتنش روا نیست.....	117
۱۲۰-	باب کراهت گفتار زیاد در غیر ذکر خدا.....	121
۱۲۱-	باب استحباب مدارا کردن با مردم.....	123
۱۲۲-	باب وجوب ادا کردن حقوق واجب و مستحب مؤمن.....	126
۱۲۴-	باب استحباب لطف و محبت و به دیدار همدیگر رفتن.....	136
۱۲۵-	باب استحباب پذیرش عذر.....	137
۱۲۶-	باب استحباب سلام کردن و مصافحه در وقت ملاقات.....	137

۱۲۷-	باب استحباب مصافحه و حدود و چگونگی	آن
140	
۱۲۸-	باب آداب استقبال و بدرقه مسافر.	142
۱۲۹-	باب حکم کرنش بر بزرگان از قبیل	
	بوسیدن فرش، بر پا خاستن و جلوی آنها	
143	
143	دویدن و غیره	
۱۳۰-	باب تحریم گماشتن دربان برای منع	
144	
144	ورود شیعه	
۱۳۱-	باب استحباب معانقه با مؤمن و	
146	
146	همراهی و مذاکره با او	
۱۳۲-	باب استحباب استفاده رساندن برادران	
147	
147	به همدیگر در راه خدا	
۱۳۳-	باب استحباب بوسیدن مؤمنان يك دیگر	
148	
148	را، و محل بوسه	
۱۳۴-	باب کراهت کرنش برای مردم حتی امام	
149	
149		
۱۳۵-	باب کراهت مجادله و دشمنی با مردم	
149	
149		
۱۳۶-	باب استحباب اجتناب از کینه و عداوت	
151	
151	و دشمنی و بغض و	
۱۳۷-	باب تحریم مکر، حسد، خیانت و نیرنگ	
152	
152		
۱۳۸-	باب تحریم دروغ	
153	
153		
۱۳۹-	باب تحریم دروغ بستن بر خدا، و	
155	
155	پیغمبر و ائمه علیهم السلام	
۱۴۰-	باب تحریم دروغ، بزرگ و کوچک، شوخی	
156	
156	و جدی و غیره	
۱۴۱-	باب جواز دروغ در اصلاح بین مردم و	
158	
158	عدم جواز راستگویی در فساد	
۱۴۲-	باب در احکام گمان	
161	
161		
۱۴۳-	باب تحریم دو رو و دو زبان بودن.	161
۱۴۴-	باب تحریم قهر کردن از مؤمن و	
163	
163	استحباب سبقت در آشتی کردن	
۱۴۵-	باب تحریم آزار رساندن به مؤمن.	165
۱۴۶-	باب تحریم اهانت به مؤمن و خوار	
166	
166	داشتن او	
۱۴۷-	باب تحریم ذلیل شمردن و تحقیر مؤمن	
168	
168		
۱۴۸-	باب تحریم سبک شمردن مؤمن	169

۱۴۹-	باب تحریم قطع صله ارحام	170
۱۵۰-	باب تحریم جمع آوری موارد لغزشهای مؤمن برای عیب گرفتن از او	170
۱۵۱-	باب نهی از عیبجویی و سرزنش مؤمن	171
۱۵۲-	باب تحریم غیبت کردن از مؤمن	172
۱۵۳-	باب تحریم تهمت زدن بر مرد مؤمن و زن مؤمن	177
۱۵۴-	باب موارد جواز غیبت کردن	178
۱۵۵-	باب وجوب جبران کیفر غیبت کردن با حلال‌طلبی و استغفار	179
۱۵۶-	باب وجوب ردّ غیبت مؤمن و تحریم شنیدن آن	179
۱۵۷-	باب تحریم افشای سرّ مؤمن و عیبجویی از او	181
۱۵۸-	باب تحریم ناسزا گفتن به مؤمن و محترم داشتن ناموس، مال و خون او	183
۱۵۹-	باب تحریم بد نام کردن مؤمن و سوء نیت داشتن به او	184
۱۶۰-	باب تحریم لعن کردن کسی که نباید او را لعن کرد	185
۱۶۱-	باب تهمت زدن به مؤمن و بدگمان بودن به او	185
۱۶۲-	باب تحریم ترساندن مؤمن و لو با نگاه	186
۱۶۳-	باب تحریم کمک به قتل و اذیت مؤمن گر چه با کلمه‌ای باشد	186
۱۶۴-	باب تحریم سخن چینی و تفرقه افکنی	187
۱۶۵-	باب استحباب نگاه کردن به اولاد صالح پیغمبر (ص)	191
۱۶۶-	باب استحباب نگاه کردن به پدر و مادر و به قرآن و به روی عالم	191
	فهرست مطالب	192